

توده‌ها را بسیج کنیم!

هفته گذشته، جلسه عالی حکام شرع تشکیل شد. آنها تصمیم گرفته اند به "طوقاطع" عمل کنند و "حید" اسلامی را از این پس همه جا رعایت کنند، به اضافه از فعالیت سازمانها و تشکلهای سیاسی در همه جا "قنا" طعنه "جلوگیری" نمایند. همین دوهفته پیش دولت طرحی بهسرای فعالیت و حدود اختیارات شوراهای کارخانه‌ها تنظیم کرد، که بشدت با مخالفت کارگران روبرو شده است. کارگران در جلسات شوراهای کارخانه عموماً به طرح جدید نفوسود ویژه اعتراض کرده‌اند.

بموازات قدرت با بی‌حسب جمهوری اسلامی، تقریباً کلیه سازمانهای انقلابی تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند. فعالیت تبلیغی کمونیست‌ها و سایر نیروهای انقلابی با تعرض اعضای دائمی "حزب الله" یعنی ما مورین غیررسمی حزب جمهوری اسلامی روبروست. این همه حکایت از واقعیتی میکند که بویژه علی‌رغم وجود تهدیدات ضد انقلاب مطلوب، هیأت‌ها کمی و جانشینان آنها در صدد ترویجی راهکارهاست. از قیام بدینسویک روند ثابت خواهد بود. حکومت بوده جدی تردیدناک کند. وضعیت عمومی چنان رو به پیشبردگی گذاشته که با فتن سیسخت اصلی در آن از اهمیت و آفرینش بی‌برخوردا رگر دیده است. خرده بورژوازی و زلی حاکم، با حرکاتی که انجام داده و میدهد، و به خاطر آنکه موجب اختلالاتی در منافع امپریالیسم آمریکا گردیده، کوشش متقابل امپریالیسم آمریکا را برانگیخته است تا با ارتقاء، به ضد انقلاب مفلوب و بطور کلی طبقه بورژوازی ایران دست به یک سلسله تحریکات و اقدامات بزند. اقداماتی که هدف آنها تغییر هر چه سریعتر اوضاع به سود امپریالیسم است. در این حیث مسامحیونیم که ریفنجانی، رئیس مجلس شورا میگوید:

چرا امپریالیسم بجای مبارزه با کمونیسم با ملامت روزه میکند؟ البته امپریالیست‌ها نمیتوانند از مبارزه هیأت‌ها که سر علیه کمونیست‌ها تا خوشنودبا شوند. مبارزه با کمونیست‌ها چیز بیست ساله است. رنر رئیس جمهور آمریکا در نامه خود به حکومت (آیت الله خمینی) - و بنی صدر نسبت به آن - برارضایت، همدلی و همراهمی کرده است. بقیه صفحه ۵



کارگران جهان متحد شوید!

۱۲ صفحه

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۶ - دوشنبه ۳ شهریور ۵۹ - باصنمه ۳۵ ریال

((کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

نشریه فابریک

اینک تدریجاً، تئوری انقلابی می‌رود تا جایگاه والاداشته خویشتن را در جنبش کمونیستی میهنمان باز یابد. براتیک‌های کور، یکی پس از دیگری به بین بست می‌رسند و نقشوا همیت و ضرورت "تئوری" روز بروز بشکل بارزتری درک میگردد. جنبش کمونیستی جوان که به لحاظ خیانت سران حزب توده و اپورتونیزم نفرت انگیزانان، از یکسواز سنت‌های کمونیستی محروم بوده و ناچار بود همه چیز را از نو شروع کند و از سوی دیگر ضربات سنگینی خفقان و اختناق فوق العاده آریا مهری آن را از تداوم و رشد و تکامل بازمیداشت. اینک پس از قیام شکوهمند خلق فرصت یافته است تا بخودآید و با پنجه در انداختن دلاورانه با مشکلات تئوریک و عملی موجود راه پرافتخار خویشتن را از درون سنگلاخ موجود به پیش برد.

بقیه در صفحه ۱۲

دگماتیسیم و رویزیونیسم

در برخورد به حاکمیت

دیالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار میکند که به لباس مارکسیست درآیند. لنین، مقدمات تاریخی.

یک درد بزرگ جنبش کمونیستی ما دگماتیسیم است. دگماتیسیم چشم پوئی بر واقعیت و تکلیف به تئوری جا مدامت، دگماتیسیم پذیرش عدم تغییر و تکامل جهان و انعکاس آنها در ذهن انسان میباشد. این بیماری کما فی است که به مارکسیسم لنینیسم بصورت مرده، همچون احکام بی روح و شریعت مینگرد. و حاضر نیستند بفهمند که تئوری بقیه در صفحه ۲

وضعیت جنبش خلق کرد و تاکتیک کمونیست‌ها

بررسی جنبش کنونی خلق کرد جدا از بررسی شرایط عمومی جنبش توده‌ای در سر تا سرایران نمیتواند تا کتیک صحیح کمونیست‌ها را بی‌ریزی نماید. آنچه به عنوان روند عمومی جنبش توده‌ای میتوان گفت برآمدن و روزه پیش این جنبش است که در عرصه‌های مبارزات کارگران - دهقانان و زحمتکشان و روشنفکران خود را بنمایش گذاشته است. جنبش توده‌ای که همه اشکال اعتمساب تحصن، گروگانگیری را در عرصه کارخانجات بقیه در صفحه ۶

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

د صفحه ۸

ضمیمه سیاسی خبری رزمندگان ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹ - تک شماره ۲۰ - ریال شماره ۳۵

پیکار رزمندگان

شوراهای کارگری و نفوسود ویژه

بهدنای اطلاع فائون نقد کارگری نفوسود ویژه، مبارزات کارگران در مقابل مطلق هرگز تا نجات نسبورگ نشسته در این میان معلق و تا نجات و نجات همه‌ها را کارگری در این اوضاع است کارگران منشی سر تا نون نفوسود ویژه

اعتمساب کارگران لهستان

سوسیالیسم دروغین رویزیونیست‌ها را پهلایکند! اعضا با ت کارگری سخن میسر از مرا کسب میسر است و این گرفته است. این اعضا با ت کار و کارها را از زنده است. ابتدا از کارها کتفی ماری لنین هرگز تا شک با همه هزار کارگرها گرفته و هر روز کسب میسر می باشد. بخشی از اعضا تدهای کارگران شرح ویراست.

ضد انقلابی‌ها در ندادن جنگ داخلی!

هر سلیکونر منا بیس توشه موزون و وابستگان امپریالیسم و فاسیل تا سر و هر وقت فانی و دشمنان تا هشتا هی و فرما تده تئوری دریا بیس جمهوری اسلامی احمد خمینی، اینک منی از سوی مفاکات اشقا می رزم شیوتا ندیده است. فرما تده سها با سها از ان انقلاب اسلامی امپرووا با دشمنان در نما سها ای گفته است: "خود زدن جاسوس‌ها بیس، حضور تا - هر و عدا لده اشقا بی بیس از افشای اسناد جاسوسی کسان حتمم گفته اند که به هر سوی سها احمد منی، ما سوس دگماتیسیم تده هوا نین برادری منطبقه جنوب را مختلف سا فته و در سها تدهک هر منطبقه جنوب و جنوب غربی و جنوب غربی ایران آتوب سها بیس کند" (مهمان ۲۴ مرداد ۵۹)

در صفحات دیگر بخوانید

تئوری چین و کمی سوسیالیسم
مقاله نفوسود ویژه در کتیک ۶۱

همسانیت سالگرد فاجعه سینفا و کس آبادان

این هیأت حاکمه، از افشای فاجعه چراهواس دارد!

۲۸ مرداد و علاوه سربا توری اشاقات تئوریکتین دیگر، ما طر مطلق کورده جمهوری سنیار کس را نیز زنده می کند. اینک در سها تده سوسن سال ما - تده لجم، حکومت جمهوری اسلامی را رنگور در سها تده کراهی شلیکات ای سوا اس کور و چندین فاجعه ای

اولین پیروزیک است!

حکومت زخم اکنون در مدامت از طریق والدمین دانش سوران انبیا را دست نقا زخم زده. در ما لیک تدها مطلق "کتکی" آریا در واقع منظم طرفه در و سر سده حزب جمهوری اسلامی اشقا ت سیکند هر کس که آندک آکا هسی و آندک منا لفتی با رزم جمهوری اسلامی داشته با تده امراج است. او سدران و ما در آن تده تیکتیک که "دانی سوران آتیا علی دان رین سها تدها سها تده کراهی در سها تدها تده" چون سید آتورین تا بدعا لی از کور و چندین تدها تده کراهی سها تده "آری سها تده سوسیالیسم!!"

در صفحات دیگر بخوانید

تئوری چین و کمی سوسیالیسم
مقاله نفوسود ویژه در کتیک ۶۱

همسانیت سالگرد فاجعه سینفا و کس آبادان

این هیأت حاکمه، از افشای فاجعه چراهواس دارد!

۲۸ مرداد و علاوه سربا توری اشاقات تئوریکتین دیگر، ما طر مطلق کورده جمهوری سنیار کس را نیز زنده می کند. اینک در سها تده سوسن سال ما - تده لجم، حکومت جمهوری اسلامی را رنگور در سها تده کراهی شلیکات ای سوا اس کور و چندین فاجعه ای

اولین پیروزیک است!

حکومت زخم اکنون در مدامت از طریق والدمین دانش سوران انبیا را دست نقا زخم زده. در ما لیک تدها مطلق "کتکی" آریا در واقع منظم طرفه در و سر سده حزب جمهوری اسلامی اشقا ت سیکند هر کس که آندک آکا هسی و آندک منا لفتی با رزم جمهوری اسلامی داشته با تده امراج است. او سدران و ما در آن تده تیکتیک که "دانی سوران آتیا علی دان رین سها تدها سها تده کراهی در سها تدها تده" چون سید آتورین تا بدعا لی از کور و چندین تدها تده کراهی سها تده "آری سها تده سوسیالیسم!!"

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱۴

دگماتیسیم و...

با بدو اقعیت عینی را توضیح دهد و در ما رکسیسم مقولات، انعکاس واقعیت عینی اند، نه بعکس. حاضر نیستند بدین ترتیب...
 اصول به شکل کلی وجود ندارد و تنها در واقعیت مشخص است که خود را متجلی میکنند؛ این ما، تغییر دهندگان جهان هستیم که با بدداریا بیم هر پدیده ای چگونه از اصول تبعیت میکنند. مشا جراهی که مدت ها است بر سر حاکمیت در جنبش کمونیستی و حتی در درون و بیرون آن شدت گرفته دقیقاً جلوه ای از این دگماتیسیم را دارد. دگما - تیسم خطرناکی که نه تنها هر حاکمیتی را در جامعه سرمایه داری، متعلق به بورژوازی میداند، بلکه بلافاصله پس از آنکه معلوم گردید خرد بورژوازی در حاکمیت است آنرا بنده و عمید فوری و مستقیم بورژوازی مینامد و حاضر نیست بپذیرد که "برای مدتی کوتاه" گذرا "بدون اینکه سرمایه داری ایستاده را بتواند از زمین ببرد" مگانه حضور خرد بورژوازی در حاکمیت وجود دارد. آنها به واقعیت عینی نیز پشت میکنند. نه به تاریخ اجتماع عینی بلوک حاکم توجه دارند و نه به آنکه چگونه ارگانها بی از قبیل پاداران، کمیته ها، دادگاه های انقلاب و غیره دارای قدرت واقعی هستند. بجای بررسی سیاست طبقاتی و نشان دادن تضادهای آن با سیاست بورژوازی و برنامهای عمومی اش، خود را با کلیاتی از قبیل "نمی تواند در حاکمیت باشد"، از تحلیل مشخص میرها نند، والته نمیتوانند بپذیرند که همه تئوری حاکمیت سیاسی در ما رکسیسم تنها به این زنده است که واقعیت عینی را بر مبنای اصول کلی و بنیادی تحلیل کند و اصول ما رکسیسم از آنجا که انعکاس واقعیت عینی اند، دیا لکتیک واقعیت را نیز با خود حمل میکنند.

اگر چنین دگماتیسیمی پیوسته از تحلیل واقعیتات جلومیکرد، وانسان را به کلی با فو ر با پرداز مبدل میکند یعنی به کسی که به جای واقعیت موجود عالم ذهنی خود را مینماید، نوعی از دگماتیسیم، هم پراگماتیسیم و ریزویونیسم منتهی میشود. بدین گونه که در میان آنبوه واقعیات ما به یک مفسر ما ده با دقیق تر واقعه نگاری که در هر واقعه تنها خود آن واقعه و واقعیت را می بیند بدل خواهیم شد. ما از قانونمندی های پدیده دور خواهیم گشت و در عالم پراگماتیسیم غلیظ خود همه ما رکسیسم - لنینیسیم را، یسا اصولی از آن را لگد مال خواهیم کرد، نمونسه چنین برخورد است که ما آنچنان در رویزگیهای روحانیت حاکم غرق گردیم که موقعیت طبقات، گرا یشات طبقاتی و خلاصه هر گونه موقعیت تاریخی را از آن سلب کنیم و آنها را صرفاً به شکل روحانیون ببینیم.

اگر بخصوص در مورد ترکیب حاکمیت بسیاری نیروهای م. ل. به دگماتیسیم کشانیده شده اند، و قاره در به تبیین صحیح ترکیب حاکمیت وجود خرد بورژوازی مرفه سنتی در حاکمیت نیستند، در مورد (س. ج.) اکثریت قضیه بر سر ما هیات این هیات حاکم، یعنی بلوک سیاسی حاکم است. (س. ج.) میگوید:

"ما رکسیستها پیوسته تکرار رور کوران سخنان ما رکس، لنین و دیگرینانگزاران م. ل. را مردود دانسته و بیش از همه ناشی از خشک مغزی و بی خردی دانسته اند و همواره در مقامیسه وضعیت کشورهای مختلف با یکدیگر به این توجه داشته اند که "آیا دوره های تاریخی تکامل کشورهای مورد مقایسه قابل مقایسه است یا خیر؟" لنین حتی در درون یک کشور نیز مراحل گوناگون و متفاوت را در نظر داشت. حالات متفاوت هر طبقه و رابطه متغیر آن طبقه با طبقات دیگر و با امر انقلاب را نشان میداد. و وظایف پرولتاریا را در قبال آن مشخص مینمود. اینکه با اتکاء به حالات اساسی و سیاسی هر طبقه کار خود را بیان یافته تلقی کند."

"کار سراسری ۷۰ ص ۹" تا کیداز ما ست.

دارد حذف کنیم، بخشی مهم از حقیقت در آن است. آری این حقیقتی است که بعد از قیام ارگانهای قدرت جدیدی بوجود آمد. اما اگر منظور نویسنده از "دل قیام" همان دل توده ها یعنی ارگانهای توده ای حاکمیت است با یکدیگر گفت که این انحرافی آشکارا در درک حاکمیت توده ای است. "دل قیام" در اینجا بسیار مبهم بکار گرفته شده، و اگر ما به خود واقعیت رجوع کنیم می بینیم که بسیاری نهادها از "دل قیام" یا از بین مردم در طی جنبش انقلابی بوجود آمده اند از قبیل کمیته ها که بلافاصله پس از قیام یا تا بعد از آن در خدمت طبقه حاکم قرار گرفتند و یا اینکه تدریجاً مضمحل شدند. آنچه که (کار ۷۰) نام میبرد چیزی جز ارگانهای حکومت و نه ارگانهای توده ای قیام نیست.

*** حکم خرد بورژوازی در انقلاب دگماتیک پیوسته انقلابی است و تمامی اقتدار آن نیروی انقلاب محسوب می گردند. هم مورد استفاده دگماتیسیم قرار می گیرد، هم مورد استفاده ریزویونیستها. اتفاقاً متد ولوزی آنها یکی است اولی می گوید: چون حاکمیت کمونی ضد انقلابی است پس خرد بورژوازی در آن حضور ندارد. دومی می گوید: چون خرد بورژوازی در حاکمیت حضور دارد پس حاکمیت انقلابی است، خلقی است و یا بعضاً چنین است.**

این حرف صحیح است و واقعاً پای بند بودن به آن برای هر م. ل. ضروری بلکه حیاتی است. اما آیا خود (س. ج.) در تحلیل خویش این کار را میکند؟ آیا بطور مشخص بر روی آنچه که از با کلیات و بسیار ما هرا نه پشت گوش میاندازد، یعنی ما هیات حاکم، انگشت میگذارد؟ مقاله کار سراسری (۷۰) نظری بر پیشداوری های منشعبین بخوبی بر روی ترکیب هیات حاکم و حتی شیوه برخورد به آن متمرکز است. مقاله توانسته است عمق دید ریزویونیستی ناشی از دگماتیسیم مربوط به خرد بورژوازی در حاکمیت را تا حدی نشان دهد. حتی مقاله در پیچیدگی تحلیل ترکیب به خوبی جلورفته است. (علی رغم خطاهایی از قبیل اعتقاد به آنتاگونسیم در میان اقشار بورژوازی) اما درست در همان جایی که با بیدیک قدم دیگر برداشت، از حرکت می ایستد. میخواست تحلیل کند. میخواست ایدراج به مسئله اساسی یعنی قدرت حاکمه و ما هیات آن سخن بگوید و قصد اید بلیشویکی برخورد کند. پس چگونه است که مسئله ما هیات و نه ترکیب هیات حاکمه را درست در همانجا که باید آن جواب داد زمینی میگذارد؟

کار سراسری ۷۰ مینویسد که هر کس "به جای تحلیل مشخص از شرایط مشخص برقرینه سازی های تاریخی تکیه میکند" در واقع "روح زنده و انقلابی ما رکسیسم لنینیسیم را نابود میکند". اما خود کار سراسری (۷۰) چه کرده است؟ بیایم نگاه های کوتاه به مسئله بیفکنیم.

طرح یک مسئله در مقابل دگماتیسیم

"ستون فقرات قدرت دولتی (قدرت حکومتی) در یکسالونیم اخیر نهادهای بوده اند که از دل قیام جوشیده اند. مثل سپاه پاداران، کمیته ها، دادگاه های انقلاب و... (همانجا) ص ۱۲ اگر ما لفظ آشکارا را که در این عبارات وجود

(س. ج.) اکثریت ادا می دهد: "ما رکسیستها برای اثبات دعوی نظری خویش به جای ترویج آشفته فکری پیرامون وضعیت جریان های حاکمه مشخص کردن موضع هر یک از جریانها بطور کامل و دقیق و مسئولانه و از آن مهم تر سمت تحول کوتاه مدت و دراز مدت تعادل قوای آن جریانها میپردازند." (همانجا - ص ۱۲) این تا کید ما دم بر روی تحلیل مشخص ما را و امیدار که واقعاً بطور جدی دنبال این تحلیل مشخص هم جا نهد (یعنی جواب دهنده به مسائل اساسی) در کار سراسری (۷۰) بگردیم. "کار" اعتقاد دارد که قدرت خرد بورژوازی حاکم صوری نیست. این قدرت واقعی است. و قبول دارد که ارتش و بوروکراسی و... محل قدرت بورژوازی و آری هستند. "کار" قبول دارد که خرد بورژوازی حاکم برخلاف نظراتی که میگویند "گروگان بورژوازی است" و یا "در حاکمیت به بورژوازی تبدیل شده است" چنین نیست و لا اقل تا مدت کوتاه دیگری نیز چنین نخواهد بود. همز مونی در حاکمیت سیاسی نیز بطور نسبی تا کنون با همین خرد بورژوازی بوده است، و حتی از لحاظ کلی درک روشنی از تضادهای نسبی خرد بورژوازی حاکم با امپریالیسم سرمایه انحصاری میدهد و به ما دلوحی کسانی که گمان میکنند خرد بورژوازی مرفه سنتی گویا وظیفه نابودی سرمایه داری وابسته را بطورتاریخی بر عهده دارد برخورد کرده میگوید:

"هر آینه مناسبات سرمایه داری یا برجای باشد و سرمایه سیرش را طی کند، درست بر بستر همین روند رشد سرمایه، وابستگی به امپریالیسم ترمیم و بازسازی میگردد و این امری گریزناپذیر است. به اعتقاد ما تنها زمانی که روابط سرمایه داری از هم گسیخته میشود، زمینه بازسازی واحیای وابستگی نیز از بین میرود و فقط حکومتی که همز مونی آن با پرولتاریاست، میتواند با از میان برداشتن مناسبات سرمایه داری زمینه ترمیم



و با سازی وابستگی را بطور قطعی از میان براندازد. خرده بورژوازی توان آن را دارا رده که به این وابستگی ضریب جدی وارد آورد...

همانجا - ص ۱۲) تا کیدازم است. بنظر میرسد که "س.ج." اکثریت با ارائه مسائل مربوط به واقعیت بسیار صحیح ما را به سرمنسزل حقیقت خواهد رساند...

اپورتونیسیم چپ، اپورتونیسیم راست

ما همه آنچهار تا کتون از اکثریت نقل کردیم صحیح میدانیم. و همانطور که هر خواننده نشربه ما میدانما دقیقاً در همین موارد و در فراع از چنین ترکیبی از هیئت حاکمه و چنین خصوصیات در مورد خرده بورژوازی حاکم نقد و تحلیل داشته ایم...

اینکه در نهایت جریانهای خرده بورژوازی قادر به انجام تمام وظایف انقلاب دمکراتیک نیستند، همواره وسیله ای شده است در دست اپورتونیسیم چپ برای انکار توانایی های سیاسی خرده بورژوازی و قرار دادن آن در صف "ضد خلقی" و "ضد انقلابی".

درست از همین جا است که خود (س.ج.) به کلی با فی میپردازد. بجای تحلیل مشخص از شرایط مشخص تنها به همین اکتفا شده است که گویا دیگران به صرف اینکه خرده بورژوازی قادر به انجام تمام وظایف انقلاب دمکراتیک نیست، آنرا "ضد انقلابی" و "ضد خلقی" ارزیابی میکنند.

میکنند. چرا؟

حقیقت امر این است که کار ۷۰ تنها نشسان میدهد ترکیب هیات حاکمه چیست و تا اینجا به واقعیت مشخص اکتفا دارد. پس از آن ناگهان همه واقعیت را به کنار میبندد و ادو فریاد میکند: ای وای هرکس بگوید خرده بورژوازی حاکم ضد خلقی یا ضد انقلابی است اپورتونیسیم است. اگر "س.ج." در بر خورد به دگما تیسیم در مورد ترکیب هیئات حاکمه موفق میشود به خوبی نشان دهد حقیقت چیست...

کمیت کنونی را از لحاظ ماهیت آن و ماهیت خرده بورژوازی حاکم در قبال جنبش انقلابی مطالعه کنیم. حکم خرده بورژوازی در انقلاب دمکراتیک پیوسته انقلابی است، و تنها می افشا آن نیز وی انقلاب محسوب میگردد. هم مورد استفاده دگما تیسیتها قرار میگیرد هم مورد استفاده رویزیونیستها. اتفاقاً متدولوژی آنها یکی است. اولی میگوید: چون حاکمیت کنونی ضد انقلابی است پس خرده بورژوازی در آن حضور ندارد. دومی میگوید: چون خرده بورژوازی در حاکمیت حضور دارد پس حاکمیت انقلابی است، خلقی است و یا بعضاً چنین است.

مارکسیسم لنینیسم به ما می آموزد که طبقات و اقشار و بخشهای متفاوت آنرا آنطور که هستند، آنطور که واقعاً هستند بررسی کنیم. بررسی ما، بررسی واقعیت نشان می دهد که خرده بورژوازی حاکم، بخرد بورژوازی انقلابی و دمکراتیک نیست هیچ، نیروی ضد انقلاب یعنی ضد کارگران و توده های دهقان و زحمتکش شهری است.

خرده بورژوازی حاکم

سوال ما این است: این خرده بورژوازی که در حاکمیت است چه موضعی در قبال انقلاب دارد؟ این خرده بورژوازی چگونه با مبارزه توده بر علیه "سرما به داری و وابسته به امپریالیسم روبرو میگردد؟ این ارگانهای خرده بورژوازی اعم از پارلمان، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و غیره چه میکنند؟ مارکسیسم لنینیسم این نیست که ما تحلیل مشخص خود را بر روی ترکیب هیات حاکمه متمرکز کنیم. چه با بورژوازی نیز این کار را انجام دهد. آنچه که در تحلیل مارکسیستی مهم است نشان دادن این امر به تنهایی نیست. قدرت سیاسی در دست کیست؟ ما باید بلافاصله پس از این و بهر امر این امر بپرسیم: این قدرت سیاسی علیه چه کسانی اعمال میشود؟ وقتی سرما معلوم میگردد قدرت سیاسی را چه کسی در دست دارد باید ببینیم این قدرت چه چیزی را حفظ میکند و چه کسی را سرکوب میکند؟

شما میگوئید جناح خرده بورژوازی در حکومت وجود دارد. شما میگوئید این جناح با سرما به انحصاری تفادها می دارد. اما به اقرار خود شما به این وابستگی، تنها میتوان اندر ضریب بزنند. شما میگوئید اختلافات درون حکومت بر سر قدرت، و هر چیز دیگر جنبه اختلاف میان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم دارد، و در این بلوک سیاسی خرده بورژوازی مرفه سنتی هژمونی دارد. اما فراموش نکنید یک چیز را بگوئید: این بلوک و این جناح قدرت خود را علیه چه کسانی اعمال میکنند؟ و یا کسانی که تا حد درگیری قهرآمیز با حکومت رسیدند و اند نیروی انقلاب هستند یا ضد انقلاب؟

مبار "س.ج." اکثریت برای ورود به چنین موضوعی چیست؟ دقیقاً همان معیارهای کلی گویی! بنا به نظر (س.ج.) ضرورت ندارد که ما حاکمیت کنونی را از لحاظ ماهیت آن و ماهیت خرده بورژوازی حاکم در قبال جنبش انقلابی مطالعه کنیم.

تدر حاکمیت با شد در این حالت پیوسته نیروی انقلابی و خلقی است؟ در حالیکه معیار اساسی ما نه اینگونه کلیات بلکه بررسی واقعی وضعیت خرده بورژوازی است. مقابل آن با انقلاب و نقش آن در مبارزه طبقاتی است. باید دید آنها از لحاظ تاریخی چه میکنند؟ دیدی که (س.ج.) دارد بر اساس مبارزه طبقاتی نیست. آنها علی رغم ادعاهای دیگر خود، از ضد خلقی و امپریالیسم شروع میکنند و خلق را شامل طبقه خرده بورژوازی بطور کلی مینمایند و بعد به بحث خود ادامه میدهند. باید برای (س.ج.) مطرح نیست که در مبارزه عینیت طبقاتی چه میگردد. تفادها درون جامعه چیست متدولوژی اکثریت در مورد خرده بورژوازی همان متدولوژی دگما تیسیتی از زاویه دیگر، حرکت می کند، یعنی از این زاویه که خرده بورژوازی با همه اقشار و بخشهای در انقلاب ایران باید شرکت داشته باشد، و بدین علت به رویزیونیسم، به چشم بیوشی از مناسبات طبقاتی در مبارزه جاری کشانید میشود: هرکس با امپریالیسم تفادها می دارد، نیرویی خلقی است.

به همین علت "س.ج." نگران است که چرا بعضی ها از سخنان لنین پس از فوریه و قسبل از اکتبر استفاده میکنند. صرف نظر از اینکه چنین شیوه ای از استدلال اگر با به منطق ما باشد غلط است و مقایسه ای الگووار را بدشال خواهد داشت، اما یک نکته جالب در این انتقاد اکثریت "س.ج." وجود دارد و آن اینست که گویا جامعه ایران در دوران قبل از فوریه روسیه بزمیرد. هیچ اتفاقی نیفتاده، هیچ تغییر در حاکمیت بوقوع نپیوسته هیچ گونه دگرگونی در مناسبات طبقاتی در مبارزه بوجود دنیا مده است. بعبارت دیگر امپریالیسم را همان تزاریسیم میدانند، و خلق ایران را پیوسته در برابر آن بررسی میکند. آیا بنظر "س.ج." ایراد

مونی نیز تا کنون با آن بوده، نقش فعالی در این سرکوب و کشتار داشته است. نه فقط بر علیه دستاورد های جدید ناشی از ادامه انقلاب که بر علیه دستاوردهای توده در قیام مهمن ماه نیز دست به تعرض زده و میزند.

اینست تصویر واقعی خرده بورژوازی حاکم: "... برای آنکه هستی خود را، بعنوان منصف متوسط، از زوال برهاند، با بورژوازی نیاید میکند. پس آنها انقلابی نیستند بلکه محافظه کارند. حتی از این هم بالاتر، آنها مرتجعند، زیرا میکوشند تا چرخ تاریخ را به عقب بازگردانند."

مانیفست حزب کمونیست - ترجمه فارسی ۵۵ انگلس و مارکس در همینجا بلافاصله تفاسوت میان این خرده بورژوازی را - که با بورژوازی نبرد میکند، با وابستگی و دقیقتر با امپریالیسم تفاسوتی نیسی دارد. ... با خرده بورژوازی انقلابی توضیح میدهند و میگویند:

"اگر آنها انقلابی هم باشند تنها از این جهت است که در معرض این خطرند که به صفوف پرولتاریا رانده شوند، لذا از منافع آتی خود دفاع نمیکند بلکه از مصالح آتی خویش مدافعه مینمایند، پس نظریات خویش را ترک میکنند تا نظریولتاریا را بپذیرند" مانیفست حزب کمونیست - همانجا

اینست موضع پرولتری در برخورد به خرده بورژوازی انقلابی و ارتجاعی، و اسپرگوازی آینده نگر، روبرو پیش و روبرو پس. مدافع هستی خویش، یعنی شروت های کوچک، و مبارزه جهت نفی این هستی!

مارکس این کلمات را در مانیفست میگوید، و "س. ج." عوام فریبانه و در لباس بلشویسم بروا قیامت تاریخی، بر پیکر ضربت خرده انقلاب از این خرده بورژوازی، بر نظمی که این خرده بورژوازی ارتجاعی از آن دفاع میکند پرت می افکنند مگر خود (س. ج.) در کار ۵۶ همین استدلال را نمیکند و

کند، و بلشویکی تحلیل کنند تا بد بروی این چیزها برده بچینند و ما هیئت حکومت را در پرده ابهام و بسا انقلابیگری فرو ببرد؛ این چیزی جز منشیویسم در لباس بلشویسم نیست.

ما در اینجا به هیچ چیز استناد نمیکنیم مگر واقعیت. نه آثار لنین میان فوریه و اکتبر، نه آثار مارکس راجع به سوسیالیسم. حتی اگر بخواید به خود شما، یعنی به "س. ج." در کار ۵۶ هم میتوانیم رجوع کنیم. این که کسی فقط بیا بدو فاصله فوریه و اکتبر را مینای تحلیل ایران قرار دهد، سفاقت است. و انتساب این سفاقت به شیوه کلی با فاصله کار ۷۰ است که سخن لنین را بیا دانسان میاندازد: "نسبت دادن یک سفاقت عیان به مخالفین خود و سپس رد آن، شیوه افرادی است که چندان عقل

دگماتیسیمو...

ان در دوران قبل از فوریه بسر میبرد؟ ما نمیگوییم و نمیخواهیم اینگونه استدلال کنیم که ایران در شرایط اکتبر میباید. اما آیا "س. ج." با اینگونه برخورد به ما نمیگوید: ایران در دوران قبل از فوریه قرار دارد؟ اینهاست آنچه "س. ج." بطور آشکارا پاسخ به آنها شاه خالی میکند. و با حکم کلی خود را از شر آنها راحت میسازد.

در لحظه ای که ما سخن میگوئیم چه وضعی وجود دارد؟ توده های وسیع مردم، کارگران، دهقانان و زحمتکشان ناگزیرند هر روز به درگیری

اگر چنین دگماتیسی پیوسته از تحلیل واقعیات جلو میگیرد، وانسان را به کلی با فریب و پرده از بدل می کند، یعنی به کسی که به جای واقعیت موجود عالم ذهنی خود را می نشاند نوی از رد دگماتیسم هم به پراگماتیسم روزیونیم منتهی می شود. بدین گونه که در میان آنچه واقعیت ماه یک مفسر ساده یاد قیقت واقع نگاری که، در هر واقعته تنها خود آن واقعته و واقعیت را می بیند بدل خواهیم شد. ما از قانونمند یها پدید می آوریم گشت و در عالم پراگماتیسم غلیظ خود همه مارکسیسم لنینیسم را، با اصولی از آن را لگد مال خواهیم کرد.

درستی ندارند. کاتوتسکی مرتد آیا ما برای توضیح موقعیت خرده بورژوازی حاکم از لحاظ تکامل تاریخی به فاصله فوریه - اکتبر استناد کرده ایم. البته که چنین نیست. مارکسیسم لنینیسم به ما می آموزد که طبقات و اوضاع رویشهای متفاوت آن را آنطور که هستند، آنطور که واقعاً هستند بررسی کنیم و بررسی ما، بررسی واقعیت نشان میدهد که خرده بورژوازی حاکم، خرده بورژوازی انقلابی دمکرات که نیست هیچ، نیرویی ضد مارکسیستی ضد انقلاب یعنی ضد کارگران و توده های دهقانان و

بر سر سادهد ترین حقوق خود ببرد از زند، سودویژه، کنترل کارخانه محق مسکن و... آزادیهای دمکراتیک، آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، رپیمایی (حتی بر علیه آمریکا!) و... همه و همه مسائلی هستند که توده ها را در برابر حکومت به صف آرای میکشاند. کافست به کارنا مسه ع ما ه حکومت نظری بیفکند:

- ۱ - انقلاب فرهنگی!
- ۲ - انقلاب اداری (که نه تنها طاغوتیان بلکه انقلابیون را هم در بر میگیرد)!
- ۳ - لشکرکشی به کردستان و ترکمن صحرا!
- ۴ - ایجاد نظم تک حزبی!
- ۵ - اعدام، دستگیری، شکنجه انقلابیون!
- ۶ - احیاء و استقرار قوانین ۱۳۱۵ (قانون سیاه رضا خان)!
- ۷ - ...

آیا مبارزه کارگران برای ملی کردن، کنترل کردن... صنایع اقدامی انقلابی است یا نه؟ آیا دهقانان ترکمن صحرا و خلق کرده با طس خواسته های انقلابی خود مبارزه کرده اند یا نه؟ آیا...

همین ارتشی را که میگوئید با به کودتا میتواند اندیا شد، و همه نیروهای را که امروزه خود را تجدید سازمان میکنند (مدنی ها، قشایی ها، ریگیها و...) چه کسی تا کنون آزاد گذاشته بود؟

انسان با حافظه بسیار مدیا و رده که مدنی سرکوب بگر خلق عرب و مشا و سرکوبگری در بندرانزلی کسی است که همه اقداماتش مورد تائید آیت الله خمینی قرار گرفت. خود شما بودید که در افشاه او بیشترین کارها را کردید و با خطر اراید که هنگام حمله به کاندیداتوری رجوی، او از پشت تلویزیون راجع به آینه کشور تحت ریاست جمهوری خودش سخن میگفت. هر کس واقعاً میخواهد بلشویکی رفتار

شما می خواهید تحلیل کنید. می خواهید راجع به مسئله اساسی یعنی قدرت حاکمه و ماهیت آن سخن بگوئید و قصد دارید بلشویکی برخورد کنید. پس چگونه است که مسئله ماهیت و ترکیب هیات حاکمه را درست در همانجا که باید به آن جواب داد زمین می گذارید؟

از قول لنین نمیگوید: "در قرن بیستم در یک کشور سرما به داری نمیتوان خود را دمکرات انقلابی نامید و ترسید که به سوی سوسیالیسم گام برداشته شود."

ما ادامه میدهم در قرن بیستم نمیتوان ضد کمونیست، ضد دمکرات، ضد توده ها و... بود، و ضد انقلابی نبود، آنهم در کشوری که سرما به داری نه تنها وجود دارد بلکه نظم جامعه است. قضیه به حد کافی روشن است.

ما نه با تحلیل "حالت نهایی" آنها که با تصویر "حالت کنونی" آنها این نتایج را گرفته ایم. و شما هرگز با هیچ کلی باقی بلشویکی نمیتوانید در پس ترکیب هیات حاکمه ما هیئت جناحهای آنرا از لحاظ انقلاب و ضد انقلاب پنهان

زحمتکش شهری است. زیرا اینها هستند نیروهای انقلاب ما! اینها هستند که انقلاب را به پیش میبرند و هیات حاکمه و ایفا جناح خرده بورژوازی دقیقاً بر علیه آنان حرکت میکنند.

از نقطه نظر پرولتاریا و انقلاب به مسئله بنگرید. لحظه ای دقت کنید، آنها هیچ نیروی "ضد امپریالیستی" مگر خود نمیباشند. بلکه از آنهم بدتر نیروی انقلابی را اعم از کمونیست یا دمکرات بطریقی ضد انقلابی محسوب میکنند و آنها را سرکوب مینمایند. خرده بورژوازی حاکم نه فقط بر ضد پرولتاریا که بر ضد نیروهای انقلابی دمکرات به وحشیانه ترین اقدامات دست میزند. این فقط بر علیه سوسیالیسم نیست که میجنگد بلکه بر علیه دموکراسی انقلابی یعنی بر علیه توده های انقلابی مبارزه میکند، و از قضا چون هژ-

بقیه از صفحه ۱۴

سر مقاله

اما وجه دیگر حرکت جناح خورده بورژوازی حکومت، همان درگیریهای بی کم و بیش با امپریالیسم و تضادها بی که بطور نسبی میان آنها وجود دارد، عاملی است که مانع سرعت بخشیدن به شکل گیری حکومت به بودا امپریالیسم، تا اکنون بوده است. به این امریست که موجب برنامهریزیها و توطئه چینی های امپریالیست ها و متحدین داخلی شان برای استقرار نظم کائو لائو مطلوب از هر طریق که بتوانند میشود. ننگهای که در اینجا وجود دارد و ارزش محوری در تحلیل ما با اینست که ضمن وجود چنین تضادهای هیات حاکمه کائو لائو از لحاظ اقدامات انجام داده که از لحاظ سیاسی با منافع امپریالیستها همراهی میکند:

- ۱- سرکوب جنبش توده ای و بیجا حذفن سیاسی و ممنوعیت فعالیت سازمانهای انقلابی.
- ۲- تقویت ارگانهای سرکوب از جمله ارتش، ساوا، پلیس و کارگیری مزدوران سابق و حتی عوامل سربا و غیره و عسوا و گنایا، ایجاد شرایط مطلوب برای فساد لیست ضد انقلاب مغلوب از طریق عملیاتی که موجب توسعه تارخالی در میان توده های میشود.

اگر به ترکیب دو عامل فوق اندکی دقت کنیم به امپریالیسم و قوف حاصل میکنیم: اقدامات هیات حاکمه از لحاظ سیاست داخلی کاملاً به ضد انقلاب مغلوب بطور کلی بورژوازی زمینه ها بی داده است کائو لائو نماند مرتوتونه کودتا و... بر تدارک ببیند. یک نمونه از این زمینه ها را در عدم افشای نام شرکای سیاسی توطئه خیر در ارتش با پیدا نسیست. شبکه سیاسی کودتاچیان و بویژه عوامل متنفذی را که هم اکنون نیز افسانه شده اند، بدین طریق از زیر رس ذهن توده ها و آگاهی آنان دور نگه میدارد. افشای این افراد اعتمادی به جمهوری اسلامی را بیشتر خنثی در می آید.

در شرایطی که رادیکالیته تبلیغاتی خارجی، افکار مسموم خود را وسیعاً رواج میدهند، وجود حکومت اسلامی در ارگانهای خویش به این امر اعتراف میکند: «ما یک گوشه اصلی از اقدامات رژیم را در سرکوبی نیروهای انقلابی

می بینیم. توطئه، دروغپردازی، لشکرکشی، راه انداختن دسته های "حزب الهی" و کمتهای بر علیه نیروهای انقلابی، نیروهای بی منافعت توده های مردم و آزادی حقیقی آنها پای بندهستند، چه معنی ای دارد جز آنکه هیات حاکمه انتظار دارد در این مورد امپریالیسم آنها هم نظریا شد؟ چه معنی ای دارد جز آنکه جناح خورده بورژوازی حاکم گمان میکند آمریکا و مزدوران داخلی اش، "نمی توانند غلظت بکوشند چون آنها بیش از پیش جا معه را بقول خودشان از "کفار" یعنی انقلابیون پاک میکنند. حال آنکه همین امر زمینه مسا عد حرکت امپریالیسم و متحدین داخلی آن میباید.

بدین ترتیب واضح است که هیات حاکمه با سرکوب انقلابیون چه زمینه مسا عدی جهت فساد تر شدن ضد انقلاب مغلوب فراهم میکند. و واضح است که کمونیستها نباید هرگز هیچگونه تردید در این امر به خود راه دهند که بیش از پیش با بسد انکاء خود را به توده ها و سست بخشیدن و پایداریهای استقلال خود را در مبارزه علیه هر گونه ضد انقلابی مستحکم کنند. زیرا اوضاع کنونی حکم میکند، تا برای هروضیح پیچیده تری، ما با قدرت و آما دگی واقعی توانایی عمل داشته باشیم. و این چیزی نیست بجز آگاهی بخشیدن و سازمان دادن توده های مردم بر علیه ضد انقلاب.

مانمی گوئیم امپریالیستها با انکاء به متحدین داخلی خود توطئه نمیچینند، هم اکنون در کنار ما، در مرزهای غرب و جنوب غرب ایران عوامل ضد انقلاب مغلوب و سرباسی توطئه میچینند. در نواحی جنوبی در بلوچستان و استان ساحلی و نواحی عشاقی نشین استان فارس مدتی ها، فشقایی ها و... مشغولند. در خود حکومت مزدوران ارتشی و عوامل ملی سیاسی بورژوازی و وابستگی ضد انقلاب مغلوب اوضاع را بررسی میکنند. اینها حقایق است. و اینهم حقیقت است که با دشواران در همان نواحی غربی خلق کرد را سرکوب می کند. و بطور فرعی با عوامل اوبسی بختیاردرگیرند. در سایر نواحی به جای دستگیری امثال مدنی ها، انقلابیون را به چوچه های اعدام میسپارند. به حقوق توده ها تعرض میکنند. اینست آن حقیقتی که نمی توان آنرا فراموش کرد. موضع پرود لتری حکم میکند که ما ممالح انقلاب را در قبال ضد انقلاب بطور کلی به

بیش ببریم. در هر شرایطی اعم از تعارض هیات حاکمه با ضد انقلاب مغلوب، توده ها را بسیج کنیم. بدون اینکار، هرگز نمیتوان انتظار داشت تا در آینده ما واقعبه مثابه جریانی توده ای و با قدرت و با موضع انقلابی بی پروا تری اوضاع را تغییر دهدیم.

اپورتونیسم راست چه میگوید؟

اگر حقیقتاً ما در صدد توسعه انقلاب و پیشبرد امور توده ها هستیم نباید به آنها دروغ بگوئیم. نباید آنها را نسبت به اساسی ترین حقوق و مخدوش سازیم. اپورتونیسم راست میگوید: توطئه ضد انقلاب مغلوب را خنثی کنیم. این درست است. اما چطور؟ آنها میگویند: با حکومت متحدشویم. این توطئه ها علیه هیات حاکمه است. آنها فراموش میکنند که این توطئه ها علیه خلق ایران صورت میگردد. و ما باید توده ها را بسیج کنیم. آنها از ما دارا خود میخواستند به ارگانهای حکومتی بپیوندند (س. ج. اکثریت) و از حمایت خود را به ما متعهد میگردانند. اما این هم همان سرکوبگران خلق (بدهند. اگر چه حرف از موضع مستقل زدن بدون عمل ارتشی سیاسی ندارد. اما اپورتونیسم راست نه تنها حرف آنرا نیز نمیزند، بلکه در عمل خلاف آنرا پیاده میکند. آنها بسندیده گرفتن دو عاملی که گفتیم تنها دشمنان خلق ایران را، تنها نیروهای ضد انقلابی را همان "امیر یا لیسم" بختیارد اوبسی. ارتز یا بی میکنند و از یاد میبرند مدنیها نما بنده مجلس شورا هستند و فلاحیها هنوز در کردستان طرح پاکسازی خلق کرد را میریزند و هیسرات حاکمه با اقدامات خود جلوسبج انقلابی توده ها را بر علیه ضد انقلاب مغلوب نیز میگردانند اپورتونیسم راست جنبش انقلابی میخواند و به ما میگوید: "توطئه های ضد انقلاب مغلوب، خاموش شو. حال آنکه برای خنثی کردن عنصر توطئه ای و هر تعرضی به انقلاب تنها میتوان جنبش انقلابی را تقویت کرد. توسعه بخشید و به آن روح دمکرده ای انقلابی را دمید.

اما ما هرگز نمیتوانیم اپورتونیسم را به ضد انقلاب است و نیروی انقلاب ما، یعنی طبقات و اقشاری که متحدان انقلاب را به پیش میبرند، و از موضعی انقلابی و تاریخی با سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، با بورژوازی مبارزه می کنند، خلق ایران هستند. خورده بورژوازی حاکم بر ضد این خلق اقدام میکنند و ضد خلق است. این است آنچه که شما بر روی آن پیده سار میفکنید. از بر خورد با دگماتیسیم (س. ج.) اکثریت بیرون میزند. روزیونیسیم در پیرامون ما هیات دولت و ما هیات تاریخی آن (س. ج.) همچون یک بلشویک به مبارزه با اقلیت میشتابد، اما یک منشویک از آب در می آید. (س. ج.) نقطه پایان تحلیل شخص خود را نه استنتاج از واقعیت شخص بلکه تبعیت از دیدگاه های روزیونیستی میسازد که معتقد است: "مبارزه با وابستگی به هر درجه، به هر طریق... انسان را انقلابی میکند. چنین است بر خورد (س. ج.) اکثریت به ما - هیات بلوک سیاسی حاکم! *

هیات بلوک سیاسی حاکم! *

روی دیگر سکه

از سوی دیگر گرایشی وجود دارد که میگوید: اگر اقدامات این هیات حاکمه بر ضد انقلاب، همانطور که گفتید بسودا امپریالیسم در تحلیل نهایی تمام میشود پس سخن گفتن از هر گونه توطئه علیه حکومت و جناح خورده بورژوازی حاکم عوا مفربسی است. توده ها را گول نزنید! معنی این حرف چیزی نیست مگر نما بشی بودن همه! آنچه بر عنوان ضد انقلاب مغلوب و عملیات آن آورده میشود. آنها گمان میکنند توطئه ضد انقلاب مغلوب بر علیه جناحی است که حکومت را بنیان داده است. این انقلابی بودن آن جناح است. آنها درگیری با امپریالیسم هر چند جزئی را نشان ندهد. آنها انقلاب بیگری میدانند. حال آنکه انقلاب و ضد انقلاب را در رابطه با مبارزه طبقاتی وصف بندی حقیقی نیروها بر علیه هم یا بدید. آنها همیشه امپریالیسم را در رابطه با مبارزه با امپریالیسم با ضد انقلاب مغلوب در تضاد می بینند. و نمیی - دانند که تا کنیک انقلابی را تنها بر اساس چنین تضادی نیست که تعیین میکنند. ما با وجود چنین تضادی، میگوئیم همه جناحهای هیات حاکمه ضد انقلابی اند. و بر تضادها ای جناح خورده بورژوازی حاکم با امپریالیسم هر چند جزئی سربوش نمگذا ریم. تا کنیک ما را در اصل نه این امر بلکه بر انقلاب و منافع توده ها تعیین میکند. و اگر از توطئه و دسیسه ضد انقلاب مغلوب سخن می گوئیم نه برای تبرئه و آب پاکسی ریختن بر سر هیات حاکمه بلکه برای چگونگی تعیین تا کنیک انقلابی در نظر گرفتن تا شریف اقلیت های ضد انقلاب مغلوب بر آن در این زمینه است. اینست آنچه که بعضی دیگر گما اپورتونیسم است. نمی بینیم. اولی میگوید فقط امپریالیسم دومی میگوید: فقط ضد انقلاب حاکم. بدین خاطر نه تنها آما دگی و زمینه چینی جهت اتحاد دمل در مواقع ضروری لازم است، بلکه لازم است در کنار افشاء هیات حاکمه و پیشبرد مبارزه توده ها بر علیه آن، ضد انقلاب مغلوب را نیز افشاء و آما دگی روحی لازم برای مقابله با آن را در صورت قدرت سیاسی، ایجاد کرد. ما باید مردم گفت که چرا بیطاعت میان اقدامات هیات حاکم و ضد انقلاب مغلوب وجود دارد. باید با هیاتاری تمام در جهت پیشبرد انقلاب حرکت کرد. *

اما ما هرگز نمیتوانیم اپورتونیسم را به ضد انقلاب است و نیروی انقلاب ما، یعنی طبقات و اقشاری که متحدان انقلاب را به پیش میبرند، و از موضعی انقلابی و تاریخی با سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، با بورژوازی مبارزه می کنند، خلق ایران هستند. خورده بورژوازی حاکم بر ضد این خلق اقدام میکنند و ضد خلق است. این است آنچه که شما بر روی آن پیده سار میفکنید. از بر خورد با دگماتیسیم (س. ج.) اکثریت بیرون میزند. روزیونیسیم در پیرامون ما هیات دولت و ما هیات تاریخی آن (س. ج.) همچون یک بلشویک به مبارزه با اقلیت میشتابد، اما یک منشویک از آب در می آید. (س. ج.) نقطه پایان تحلیل شخص خود را نه استنتاج از واقعیت شخص بلکه تبعیت از دیدگاه های روزیونیستی میسازد که معتقد است: "مبارزه با وابستگی به هر درجه، به هر طریق... انسان را انقلابی میکند. چنین است بر خورد (س. ج.) اکثریت به ما - هیات بلوک سیاسی حاکم! *

هیات بلوک سیاسی حاکم! *

دگماتیسیم

و منشویک) بیشتر عمل آید، همان قدر دشمنی آشتی ناپذیر طبقات ستمکش و براس آنها پرولتا ریا. نسبت به همه جا معه بورژوازی، برای این طبقات روشنتر خواهد شد. از اینجاست که همه احزاب بورژوازی، حتی دمکراتیک ترین آنها، ... تسخیر و تسلیم را علیه پرولتا ریای انقلابی و تحکیم شدید تضیقات را که همان ماشین دولتی با شدروری میسرند. "لینن دولت و انقلاب ص ۲۷۵ خورده بورژوازی حاکم ما، بشیوه خود، آنگونه که گفتیم بوروکراسی و کلاً ماشین دولتی را تقسیم و تجدید تقسیم کرده است. و بیعت وجود شرایط مشخص ایران یعنی مسئله سرما به انحاری و تحمیق ت امپریالیسم، خورده بورژوازی حاکم تا مدتی در قبال بورژوازی مقاومت خواهد ورزید.

کنید. هیچ کس انتظار ندارد خورده بورژوازی در حاکمیت سرمایه داری وابسته را نابود کند، همه میدانند اگر دیر یا زود علی رغم هر بحران سیاسی کوشش میکنند با سازی کنند و... موضوع اینست اکنون چکار میکند؟ ما در اینجا، برای پایان دادن بدسخن خود، از نوشته دولت و انقلاب، که بین فوریه و اکتبر نوشته شده، لیکن اعتباراتشوریک آن مربوط به سه سرتاسر اعما راست، حرفی از لنین را بازگو نمیکنیم. او در توضیح تقسیم قدرت میان بورژوازی و خورده بورژوازی میگوید: "ولی هر قدر از این تجدید تقسیمها "درد ستگاداری، میان احزاب مختلف بورژوازی و خورده بورژوازی (مثلاً در روسیه میان کادتها، اسارها

وضعیت جنبش...

ومعا دره زمینها و تحسن و اعتراضات را در عرضها و مقاصد و اعتراض و راه پیمایی را در میان زحمتکشان شهری تجربه مینماید...

اما در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی خلق کرد هیات خاکمه در شرایطی با مقاومت بوده ای گسترده و همه جا نبه و مسلحانه خلق کرد و بیروست کسه در عین حال مجبور است با ناراضی های درون ارتش سرکوبگر نیز از دوسوبه مقابله بخرجیزد...

خلق کرد بعد از قیام بهمین ماه در سه نوبت مورد هجوم قرار گرفته است. مشخصه روند عمومی جنبش خلق کرد از نوروز ۵۸ تا کنون بدینصورت بوده است که جنبش بتدریج از شکل همگانی خود خارج شده و صف بندی طبقاتی در آن شکل مشخص بخود میگیرد...

بوکان بود که بدینال تهدید رژیم دریا نه پس از گروگانگیری چندتن از سران جهاد سازندگی صورت گرفت. در این جریان حدود ۴۰۰ نفر از بازا...

روند تجزیه طبقاتی را ما در افزایش مبارزات دهقانان فقیر و متوسط بر علیه مالکان و بورژوازی کوچک روستا می بینیم. اینجا اتحادیه ها...

سطح آگاهی سوسیال دمکراتیک که عمیق ترین تأیلات دمکراتیک توده را با آگاهی به ضرورت دگرگونی اساسی در کل روابط اجتماعی پیوند بزند، بسیار نازل است...

روستایی آشکارا از فشار مرفه روستا جدا میشود و این صف بندی خود را برجسته، مشترک مبارزه ملی تشکیل میدهد و آنرا بشدت تحت تاثیر قرار میدهد...

بموازات افزایش تضادهای درونی از لحاظ طبقاتی، انعکاس سیاسی آن در تضادهای کومه له و دمکراتها چشم گیر است. واقعاً سردشت که حزب طی آن دفاع از گروگانهای زمیندار کومه له برخاسته بود (در تیر ماه ۵۹) و تهدید دمکراتها در مها...

برخورد سرد مردم مها با همه اشغالی بیلورتیان و افزایش نفوذ کومه له خود بیانشگر را دیگالتر شدن جنبش مقاومت خلق کرد است. نفوذ کومه له در سنج افزایش یافته و مردم سنج حتی پس از خراج شدن کومه له و پیشمرگه ها نیز با وجود...

ایستادگی کرده است. سیاست سازشکارانه حزب را در شمال، بورژوازی شهری و دهقانان مرفه و مالکین روستا پاس میدارند. در جنوب (سنج، مریمیان، سقز) جنبش مقاومت بطور عمده بدون کومه له بوده و حزب دمکرات در عرصه عمل کمترین ردهای نظامی خود را برای دفاع از جنبش خلق بیکسار گرفته و "س.ج." اکثریت نیز در همه جبهه ها عقب...

موازنه نیروها در شمال تا به حدی است که در شهرهای سردشت، اشنویه، مها باد، بوکان تاکنون عملاً آتش بس برقرار است و فعالیت سیاسی بطور آزاد انجام میشود. در حالیکه نیروهای نظامی و پاسدار اطراف شهرها کاملاً موضع گرفته اند و تنها اخیراً تهدید به اشغال مها با دوورودیه شهر کرده اند در شهرهای جنوبی هم ارتش پاسدار اشغال شهرهای سنج، سقز، مریمیان، بانسه هر شب از طرف پیشمرگه ها مورد هجوم قرار میگیرند و پس از گذشت ۵ ماه از جنگ جرئت تعرض به روستاها را ندارند.

دو مؤلفه فوق الذکر در مجموع نشان دهنده را دیگالیزه شدن جنبش خلق کرد و افزایش پش پشانیست آن است که با توجه به ضعف عمومی دولت در کردستان که واقعیت های ذکر شده بخوبی آنرا نشان میدهد، شاهان معتلا هر چه بیشتر جنبش خواهیم بود. برآستی که در پیشگاه خلق کردماز شکاری به سرعت محکوم میگردد.

جبهه نبرد کردستان عرصه های خود را از شمال تا دره قاپور از جنوب تا اورامانات گسترش داده است و در این میان نیروهای ضد انقلاب منلوب با استفاده از جوانان راضییتی موجود و ضعف دولت در منطقه به سازماندهی خود پرداخته و بخصوص در منطقه اورامانات و اطراف کرمانشا، فمص...

مرگ برامپریا لبسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

شیرین ، کزنده و آبا دغرب (اسلام شهر) به تعرض دست زده اند. در شمال نیروهای (سکوک علیار) و دارودسته (کره رش) و پسر قاضی محمد با کمک بعضی ها ، و حمایت دمکراتها بسیج شده اند. اما در مجموع این نیروها عمده نیستند و کماکان در منطقه نیروهای ضد خلقی هیات حاکمه هستند که خطر عمده محسوب میشوند عمده ترین دلیل تقویت چنین نیروهایی در منطقه همانا سرکوب خلق کرد است . زحمتکشان کرد برادر حتی میتوانند هرگونه حرکت ضد انقلاب مغلوب و عوامل بعضی را خفه کنند. لیکن این حکومت است که پیش از ضد انقلاب مغلوب به سرکوب خلق کرد پرداخته و هنوز هم با وجود تهدیدات ضد انقلاب مغلوب ، خلق کرد را در واقع خطر اصلی بحساب می آورد .

از موازیه نیروها در کردستان ، ترکیب طبقاتی جنبش و نیروهای ضد انقلاب در منطقه که بازگفتیم نتایج اصلی بدین ترتیب بدست می آید :

۱ - موقعیت مشخص جنبش در کردستان علیرغم تضیقات رژیم ، محاصره اقتصادی ، سرکوب خونین و آزارهای دیوارها و چریکها یک روند را دیکار لیزه شدن روبه گسترش را ترسیم میکنند و با لا رفتن آگاهی توده ها که عملکرد نیروهای کمونیستی در این میان نقش زیادی دارد به تعمیم این روند کمک می نماید. آزارهای سرکوب در میان توده ها محکوم میگردد و در مجموع توده ها خواستار اعمال حاکمیت بر سرنوشته خویش اند و نسبت به هیات حاکمه اعتماد دوا اعتقادشان را بکلی از دست داده اند. عاملی که بعنوان جنبه منفی در این روند اثر میگذارد عملیات ضد انقلاب مغلوب و گسترش تبلیغات رادیکالهای مزدور و وضع سازمانی کمونیستها برای تبلیغات سیاسی است که جو طرفداری از بختیاریا رژیم سابق و آلنسر - تا تیوهای لیبرالی را افزایش داده ، و این جریان را اگرچه هنوز در مجموع ضعیف است ولی نمیتوان آنرا نادیده گرفت. یک پایه اساسی مبارزات کنونی خلق کرد خواستهای ملی آنست . خواستهای که در زیر فشار تاریخی ستم ملی و طبقاتی بر این خلق ، فشرده و متراکم شده است . این خواستها در موقعیت حاضر و مدار کنونی آگاهی و تجربه خلق کرد با زتاب خود را در این موار دیاخته است :

۱- نفی حاکمیت سرکوبگرانه کنونی کسسه وارث همان ستم ملی و طبقاتی است ، نفی فئودالها و زمین داران که پایگاه های ستم و سرکوب هستند ، تعدیل ثروت ها (به خصوص در میان دهقانان فقیر و متوسط و زحمتکشان شهری) خواستهای عمومی رفاهی که خلق کرد عمده تاً بدلیل همین ستم از آن محروم بوده است و ... برای توده های خلق کرد خود مختاری آن خواسته ای است که تحقق آن میتواند رفاه اجتماعی آنرا تا مین نموده ، به حیثیت ملی نیز احترام گذارده و حق او را در تعیین سرنوشت خویش بپذیرد. در همان حال سطح آگاهی سوسیال دمکراتیک که عمیق ترین مایلات دمکراتیک توده را با آگاهی به ضرورت دگرگونی اساسی در کل روابط اجتماعی پیوند میزند ، بسیار ریزال است. کمونیست ها از این

لحاظ نیز کمترین کار را کرده اند. این کمبود خود میتواند به عامل منفی در روند گسترش یا بنده جنبش توده ای عمل می نماید و زمینه جنبش را بر ای رسوخ ایدئولوژیهای انحرافی گشود ه میگردد .

۲ - مآرایبی نیروها در کردستان : با توجه به آنچه گفته شد ، دمکراتها هنوز به عنوان نیروی عمده مخالف در کردستان شمالی و بخشهایی از جنوب وجود دارد. انشعاب غنی بلوریان و دارو دسته ۲ نفری حرکت این حزب را اندکی را دیکار لتر کرده است. برای حزب ساده نیست که مبارزات خلق کرد را به مآز بشکاشند و ناچار است حدی با جنبش و لااقل خطر توجه به خواسته های پایه های اجتماعی خود که دهقانان مرفه و خرده بورژوازی مرفه شهری و ... است همراهی کند. و حداقل خود را با شعارهای تاکتیکی در این فرطه از مبارزات خلق کرده همراهی نماید. کومه له به عنوان دومین سازمان سیاسی ، که عمدتاً

وظیفه کمونیستها در این مرحله سازمان دادن جنبش مقاومت خلق کرد (در تمام اشکال آن) بردن آگاهی سوسیال دمکراتیک به میان توده ها ، جذب آنها به سازمان های کمونیستی و سازمان دادن شوراهای تشکل های توده های هر جگانه امکانش باشد و اعمال کنترل و نظارت بر حیات سیاسی اجتماعی توسط این شوراهای وسیع مردم به دفاع از این ارگانهای توده ای است.

برزحمتکشان کرد تکیه دارد ، حرکتی سریع را شد یا بنده را طی میکند ، و علاوه بر نفوذ گسترش یافته در مناطق سنتی خود مثل با نه ، بوکان ، سقز ، سنندج ، به گسترش نفوذ در شمال و جنوب پرداخته است و با طرح شعارهای قاطع توانسته به عمق بخشیدن و رادیکالیزه کردن جنبش کمک موثر بنماید. نیروی نظامی و سیاسی کومه له در جنگ اخیر بیطر چشم گیری افزایش یافته بطوریکه علی رغم ضعف سازمانی و ایدئولوژیکی از چنان پایه وسیع اجتماعی در کردستان برخوردار است که در روندهای آتیه کردستان نقش بسیار موثری بدو میبخشد .

س. ج. (اکثریت) با داشتن پایه نسبتاً زیاد در محدوده تنگ روشنفکران شهری سومین نیروی سیاسی است که توانسته در بین توده های اهالی پایه پیدا نماید و با سیاست سازشکارانه و موازات جوپا نه شان ، این حداقل پایگاه را هم از دست میدهند. در جریانهای آتی کردستان اینها به پشت جبهه دمکراتها تبدیل میشوند و در رابطه با دمکراتهاست که بر روی جبهات اثر خواهد گذاشت. همینطور در مورد سازمانهای (غیر از کومه له) که با وجود گسترش کمی پروهایشان در کردستان مجموعاً هنوز نیروی مستقلی بشمار نمیروند ، میتوانند وزن و جریان انقلابی جنبش خلق کرد یعنی کومه له را افزایش دهند. اما با توجه به ضعف سازمانی و ایدئولوژیکی جنبش کمونیستی در کردستان ، کمونیستها باید جداً به تشدید فعالیت خود در این زمینه ها بپردازند . از هم اکنون دمکراتها خطر نفوذ و حضور

سازمانهای م. ل. را در کردستان حس میکنند و خواستار خروج آنها هستند (آخرین خبر طبقه سلاح "رزم کازگران" در بوکان و اخطار به پیکار و رزمندگان مبتنی بر طرح ظلمت دهریات نما بندگی از این جمله اند .) فعالیت عمده سازمانهای م. ل. تبلیغ سیاسی و مبارزه ایدئولوژیکی آنهاست که در جهت رسوخ آگاهی سوسیال دمکراتیک در میان زحمتکشان و منفرد کردن سازشکاران میتواند موثر باشد. و این خود به رفع یکی از عمده ترین کمبودهای سیاسی مبارزه در کردستان کمک مینماید .

از نظر نظامی وضعیت دشمن بدین قرار است که ارتش در جنوب مواضع متصرف شده را حفظ کرده ولی در مقابل اعتراض توده ای و شیخون های مستمر پیشمرگه ها که ملا قدرت تعرض خود را از دست داده و برای پیشروی به روستاها را ندارد. در منطقه او را مانع و اطراف کرمانشاه حضور نیروهای نظامی ضد انقلاب مغلوب و امنه نفوذ و عمل حکومت را محدود کرده و خود این نیروها را به عاملی

خطر آفرین برای جنبش مقاومت تبدیل کرده است. در شمال آتش بس ضمنی تا کنون برقرار بوده و ارتش و پاسداران گسترش فعالیت نظامی نداشته اند چرا که این ساله جبهه های وسیعتری را میبگشاید که جبهه های قبلاً متصرف شده آنرا را نیز ضعیف خواهد کرد. اما بنظر میرسد که حکومت ملی رغم ضعف قدرت و پایگاه توده ای اش ، بهراکنندگی و تشتت درونی جناحهای آن و نافرمانی سربازان و ... در صدد است ، این جبهه جدید را از شمال بگشاید ، و اینکار را پیش از فصل سرما آغاز کند. از سوی دیگر ، یعنی در جبهه سیاسی حکومت سعی دارد تا تکیه بر سازشکاران حزب دمکرات و "س. ج." (اکثریت) نیروهای انقلابی در منطقه منفرد نماید .

با این وجود آمدن فصل سرما از قدرت مانع نور ارتش و پاسداران کم خواهد کرد و ما همای شهرپور و مهرد در تعیین تاکتیکهای نهایی در این مورد از اهمیت زیادی برخوردارند. نیروهای انقلابی نسبت به ارتش و مواضع پاسداران موضع مقاومت فعال و تنها جمعی گرفته اند و این خود روحیه توده اهالی را بالا برده است. مردم میگویند : "مهرماه پیشمرگه به شهرها وارد خواهد شد ."

۳ - همانطور که قبلاً در مقالات مربوط به "جنگ و صلح" در کردستان مندرج در رزمندگان گفته شده است کسب پیروزی بلافاصله در کردستان امری است که مربوط به کل جنبش از سوسیالیسم و وضعیت نیروهای ضد انقلابی از دیگر سوس. در چنین متنی سیاست کومه له مبتنی بر اعلام آتش بس با شرایطی که میتواند کما ملا در خدمت تحکیم صفوف و تجدید و تقویت قوا با شددت و قبا سل تا شید است. کومه له اجرای آتش بس را منوط به شرایط زیر نموده است :

- ۱- بازگشت ارتش و پاسداران به مواضع قبلی ،
- ۲ - منع نقل و انتقالات نظامی ،
- ۳ - شکستن محاصره اقتصادی ."

همچنین مذاکره با دولت را از طریق هیئات نمایندگی سابق نمی پذیرد و "س. ج." (اکثریت) بقیه در صفحه ۸

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲ قسمت آخر

نکته دیگری که پیکار در باره رزمندگان اظهار میکند آنست که رزمندگان نظر خود را بصراحت در مورد مرحله انقلاب مطرح نمی سازد، و در واقع دیدگاهش را در مورد انقلاب ایران که آنست که سوسیالیستی میدانند، پنهان داشته، و با سراز نمیدارند پیکار مینویسد: "بر اساس نظرات رزمندگان ما با جامعه بی سرمایه داری روبرو هستیم، و بهمین خاطر مسئله انقلاب ایران "نابودی سیستم، نا بسودی روابط غارتگرانه و استثمارانه طبقاتی" (بخوان روابط سرمایه داری) است و "طبقه بورژوازی باید نابود شود". بنا بر این رزمندگان برپا به این تئوری خود با مرحله انقلاب ایران را سوسیالیستی بدانند. پیکار ۶۲

بنا بر نقل قول بالا یعنی بنا بر اظهار نظر پیکار و انقلاب ایران هدفش نابودی سیستم سرمایه داری وابسته، و نابودی طبقه بورژوازی نمیباشد. و هرگز چنین هدفهایی برای انقلاب ایران قائل نشود، موضعی چپ و شبه تروتسکیستی اتخاذ کرده است. او قاعده هردم از این باغ بگری میرسد. اما اکنون گمان میگردیم که از نظر پیکار نیز هدف انقلاب ایران نابودی سیستم سرمایه داری وابسته است. اما حال می بینیم که پیکار اطلاعات دریندین هدف نیست، و تنها در فکر مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی است. اگر مسئله انقلاب ایران واقعاً با دوا را گرفتار اف بصورتی که رفقا مطرح میکنند قابل حل بود، آنگاه این همه مشاجره و جرح و بیعت پیرامون چگونگی انقلاب در ایران بی معنی مینمود. نتیجه گرفتن از این امر که رزمندگان انقلاب را سوسیالیستی میدانند، بدون رجوع به تبیین ما از مبارزه و صف بندی طبقاتی، کسانیکه قدرت را در دست دارند و واقعاً تاریخی جامعه ما فقط میتوانند به گمراهی کشانده شود.

ما میدانیم که کلیت بورژوازی یا دقیقتر، طبقه بورژوازی در ایران ضد انقلابی است و از سیستم منسوخ و روبه ضلالت سرمایه داری وابسته دفاع میکند. طبقه مسلط اقتصاد ایران میباشد. و هم اکنون بورژوازی حاکم بطور تاریخی منافع کل آنرا ضامن میکند. این بورژوازی نه تنها بواسطه آنکه در سرمایه داری وابسته طبقه مسلط است و در باره زاری وابسته یعنی بازاری که به هر طریق بنا به قانون نرخ متوسط سود حرکت میکند به حیات خود ادامه میدهد، بلکه در مبارزه طبقاتی جاری نیز بطور کامل ماهیت خود را بروز داده است همه ما میدانیم که بورژوازی ملی در ایران وجود ندارد. و ساختمان سرمایه داری ایران منافع طبقه بورژوازی را با منافع سرمایه جهانی امپریالیستی منطبق ساخته است. این طبقه نه تنها طبقه مسلط اقتصادی، و طبقه ای است که در حاکمیت سیاسی حضور دارد،

بلکه متحد و یابگاه طبیعی امپریالیسم نیز میباشد.

هر انقلابی در ایران، اکنون در مقطعی از زمان تاریخی قرار گرفته است که اگر بخواند، واقعا انقلاب محسوب گردد. با پذیرش و آرزوی راسخون سازد و بخشهایی از آنرا که در خارج از قدرت یعنی بصورت ضد انقلاب مطلوب عمل میکنند، نیز سرکوب کند. انقلاب در ایران، موظف است طبقه بورژوازی را سرنگون و سرکوب نماید ولی همین انقلاب به اعتراف برنامهمه، حداقل پیکار و وظیفه دارد سرمایه های بزرگ

اگر پیکار اظهار میداشت که مبارزه طبقاتی تابع مبارزه ضد امپریالیستی است و نه برعکس خوب مسئله تمام بود، اما بعلمت جوهر التقاط گری، پیکار در اینجا نیسیز بین دو صندلی می نشیند، همچنانکه برای سرمایه داری و وابستگی هردو یک مقام قائل است، و هر دو را بیک نحواطی و اساسی تلقی میکند برای مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی یکسانی قائل بوده و هر دو را بیک نحواطی و اساسی تلقی میکند

و انحصاری را نیز مصادره کند و پروسه انقلاب و وظیفه دار سرمایه های متوسط را نیز به مالکیت دولت انقلابی درآورد. وظیفه داران را عملگر دقت نون نرخ متوسط سود جلو بگیرد، یعنی بر حرکت سرمایه غلبه کند، یعنی سرمایه وابسته را از یک شیوه مسلط تولیدی بصورت مطلوب درآورد و در یک کلمه سیستم سرمایه داری وابسته را نابود نماید، و طبقه بورژوازی را به مثابه یک طبقه مورد ضربات اساسی قرار دهد و از کلیت خویش خارج سازد. هیچکس نه تنها بفرکان نیست که پس از سرنگون کردن بورژوازی در ایران و مصادره بخش اعظم سرمایه های عمل کننده توسط دولت انقلابی، سازمانهای بورژوازی را ازاد بگذارد بلکه در اکثر برنامها و خط مشی های کمونیستها و حتی نیروهای مثل (س.ج) سرکوب ایستادن احزاب و سازمانهای بورژوازی در دستور قرار دارد.

آیا گمان میکنید بدین ترتیب میتوان از طبقه بورژوازی در جامعه آینده سخن گفت. آیا قبول ندارید که بورژوازی به مثابه یک طبقه در انقلاب ما مورد نابودی قرار خواهد گرفت. اگر چه مقدمات این عمل با کسب قدرت سیاسی یعنی سرنگون ساختن بورژوازی امکان پذیر است؟ آیا گمان نمیکنید با سرنگونی بورژوازی و نابود شدن آن در کلیت خود، سیستم سرمایه داری نیز دیگر بعنوان سیستم حاکم در جامعه ما وجود نخواهد داشت و نابودی آن آغاز میگردد؟

ما گمان نمیگردیم که رفقای پیکار بنا بودی سرمایه داری وابسته، و نابودی بورژوازی به مثابه یک طبقه را (و نه نابودی فیزیکی افراد بورژوازی) و یا نابودی همه بخشهای آن در روز پس از انقلاب! بعنوان مثال که انقلاب ایران با آنها مواجه است، پذیرفته است و اینها اجزای برنامهمه حداقل آن هستند، اما بنظر میرسد که با توجه به نقل قولی که گردیم چنین گمانی صحیح نبوده و برعکس پیکار به سادگی

تمام بدون توجه به شرایط مبارزه طبقاتی، بدون توجه به طبقه حاکم از لحاظ اقتصادی و با سیاستی، بدون توجه به پیچیدگی انقلاب ما، آنچه را که ما به عنوان نتیجه تحلیل اوضاع طبقاتی و موقعیت تاریخی ایران میگیریم، منتسب به تروتسکیسم و انقلاب سوسیالیستی میکنند.

تروتسکیسم، جدا کردن پرولتاریا از متحدین او در انقلاب است؛ آیا ما پرولتاریا را از متحدینش جدا کرده ایم؟ و یا پیکار گمان میکند طبقه بورژوازی و وابستگی از آن (که احتمالاً هنوز مرجع شده) متحد پرولتاریا در انقلاب میباشد

آیا میتوان گفت که شرایط ایران همان شرایط نیمه مستعمره نیمه فئودال چین است؟ و یا اینکه مبارزه طبقاتی جاری در ایران را میتوان بسادگی تمام از مبارزه بر علیه امپریالیسم جدا نمود و گفت: هر کس "مبارزه ضد امپریالیستی را تا بعضی از مبارزه طبقاتی تصور میکند چپ بوده" و "به مبارزه لطمه میزند"

نگرش رفقا به مبارزه طبقاتی بگونه ای است که گویا همانطور که وابستگی و سرمایه داری هردو تضاد اساسی هستند، مبارزه بر علیه وابستگی، بر علیه امپریالیسم هم از مبارزه طبقاتی جدا است حال آنکه همانطور که گفتیم مبارزه طبقاتی در ایران اتفاقاً مبارزه ضد امپریالیستی را نیز توضیح میدهد و گرنه بعنوان نمونه بورژوازی حاکم تا این حد عاشق ارتباط با آمریکا و آزادی گروگانها نبود!

اگر پیکار اظهار میداشت که مبارزه طبقاتی تابع مبارزه ضد امپریالیستی است و نه برعکس، خوب مسئله تمام بود، اما بعلمت جوهر التقاط گری، پیکار در اینجا نیز بین دو صندلی می نشیند، و همچنانکه برای سرمایه داری و وابستگی هردو یک مقام قائل است، و هر دو را بیک نحواطی و اساسی تلقی میکند برای مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی نیز نقش یکسانی قائل بوده، و هر دو را بیک نحواطی و اساسی تلقی میکند.

اما گمان پیکار به همین نیز وفا دار نبود. زیرا در آن صورت با این نظر رزمندگان که نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و نابودی بورژوازی بمثابه یک طبقه راه هدف انقلاب قرار میدهد، به مخالفت برضی خاست، و انقلاب ایران را علاوه بر داشتن خطت دمکراتیک و ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته هم بحساب می آورد، و نابودی طبقه بورژوازی را نیز در دستور انقلاب قرار میداد، بها نه "سرنگونی" و "نابودی" نیز نمیتواند موضوع را منتفی سازد، زیرا که پرواضح است که سرمایه

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

نابودی سیستم سرما به داری وابسته با پدید درجه نخست قدرت سیاسی را بچنگ آورد، و طبقه حاکم کنونی را سرنگون ساخت. و سپس راه ناسودی سیستم و طبقه حامی و ارگانیک آنرا همواره ساخت. نشستن بیست دو صد ساله با پیدا اعلام کرد که نابودی سیستم سرما به داری وابسته بدنیست. سرنگونی قدرت و طبقه حاکم هدف انقلاب ما هست، یا که بصراحت اعلام داشت که انقلاب ما در این مرحله در پی نابودی سیستم سرما به داری وابسته نمی باشد.

بنظر ما عمل اصلی که موجب گشته تا پیکار اظها نظراتی آنچنانی بنماید آنست که پیکار اعتقاد به وجود سرما به غیر وابسته و بر این اساس، بورژوازی غیر وابسته دارد، و برایش قابل هضم نیست که سرما به داری در ایران همان سرما به داری وابسته است، و طبقه بورژوازی نیز همان طبقه بورژوازی وابسته میباشد. پیکار نمی تواند بپذیرد که در ایران با زا واحدی وجود دارد، و قان ارزش و اضافه ارزش واحدی برای بازار حاکم است که اینها خود موجب یکسان شدن و به هم پیوستن کل سرما به های موجود در ایران است. در کشوری که سالهاست مناسبات سرما به داری بر آن حاکم است، سرما به ها در ارتباط و پیوستگی با هم، سرما به اجتماعی یکسانی را موجب میشوند که همان سرما به وابسته ایران باشد. یعنی آنکه سرما به های ایران علیرغم تنوع آنها از خلست واحدی برخوردارند که همان وابسته بودن همه آنها میباشد، و تبعاً بورژوازی ایران نیز علیرغم تنوع آن که بصورت بورژوازی انحصاری، بوروکرات، لیبرال و... نمود میگرد، بیگانه و یکسان میباشد، و این امر در قالب طبقه بورژوازی وابسته ایران منعکس میشود.

اما پیکار پیشیزی برای این مفاهیم ارزش قائل نیست و فقط حرف خود را میزند. پیکار طبقه بورژوازی ایران را - و ناید طبقه بورژوازی رانه زیرا که "طبقه" خود وحدتی را میراند - شامل دو بخش بورژوازی وابسته و بورژوازی غیر وابسته - توجه کنید "غیر وابسته" نه "غیر مستقیم وابسته" - میداند، و هدف انقلاب را نابودی بورژوازی وابسته میداند، و بلکه فقط سرنگونی!

بهر ترتیب ما نقل قول پیکار را فقط اینطور نمیتوانیم موجه بدانیم که قائل به وجود بورژوازی ملی یا چیزی شبیه آن باشد که نه تنها بر علیه انقلاب نیست بلکه به خاطر آنکه هنوز کاملاً مرتجع "نشده" میتواند در صفا انقلاب و بیباک بینا بینی باشد، اما بهر حال ما از طبقه و از کلیت آن سخن میگوئیم، بغرض چنین چیزی باز هم انقلاب ما ناگزیر است با بدنه اصلی بورژوازی در حاکمیت رو برود.

البته یک شوخ وجود دارد که میتوان آنرا مبنای حقیقی تحلیل پیکار قرار داد، و آن اینست که میارزه طبقاتی و انقلاب آینه ایران هیچ تغییری در اوضاع طبقاتی ایجاد نمیکند، هیچ تغییری در سیستم سرما به داری وابسته به امیر - یا لیسم ایجاد نمیکند: تنها دمکراسی را تا مین میکنند، اما طبقات مبارزه کنند، یعنی کمترین

چیزی که از یک تحول میتوان درخواست کرد. اما حتی برای دموکراسی هم باید بر علیه سرکوب کنندگان آن یعنی امپریالیسم و متحدینش طبیعی آن طبقه بورژوازی بطور جدی مبارزه کرد. و انقلاب بر علیه آنان یعنی غلبه بر آنان، یعنی حاکمیت پرولتاریا و متحدینش بر علیه امپریالیسم و بورژوازی (یعنی... میبینید که پیکار حتی تئوری "دموکراسی نوین" را که نسبت به شرایط جامعه ما یک مرحله عقب تر است کنار میگذارد!

انقلاب در ایران، انقلاب در کشوری است که سیستم اجتماعی حاکم بر آن سرما به داری است این انقلاب بر ما را از انقلاب چین و ویتنام پیچیده تر و نسبت به آنها در پله بالاتری قرار دارد نمیتوان با یک عبارت پلخا نویستی: دمکراسی - تیک یا سوسیالیستی؟ یا با نتیجه گیری از آنچه که خود هنوز مورد بررسی است با این مسئله را بست.

حال آنچه را که گفتیم با اظها را ت خود رفقای پیکار مقایسه کنیم. پیکار (۴۴) و بیژنه انتخابات رثوس برنا مه حداقل سازمان پیکار را چنین مینویسد:

بخش اول "نابودی نظام سرما به داری وابسته

۱ - مصادره ملی کردن کلیه مناسبات و موسسات مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی، و خدمات امپریالیستی و سرما به داران و زمینداران بزرگ وابسته.

۲ - افشا و لغای کلیه قراردادهای امپریالیستی...

۳ - اخراج کلیه مستشاران نظامی...

۴ - نابودی و برانداختن کلیه نهادها و سازمانهای اداری، نظامی و امنیتی رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم و جایگزینی آن توسط دستگاه اداری نوین و ارتش مسلح توده ای ۵ - برچیدن و سرکوب تمام احزاب، سازمانها و جمعیت های سیاسی و مطبوعاتی وابسته به امپریالیسم، سرما به داران و زمینداران بزرگ وابسته، دستجات ارتجاعی و فاشیستی... نقل از پیکار ۴۴ ص ۹

آنچه که در اینجا پیکار مورد توجه قرار داده است آغاز نهادن سرما به داری وابسته یعنی نابودی سرما به داری وابسته "میباشد.

همین برنا مه در دنباله خود از حاکمیت دموکراسی توده ای سخن میگوید و مینویسد:

"۸ - شورای مرکزی انقلابی خلق، مرکب از نمایندگان منتخب شورا های انقلابی کارگر، ان، دهقانان و سایر اقشار خلقی در سطح کشور، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده ای است" همانجا ص ۹

اگر فرض کنیم پیکار "سایر اقشار خلقی" را شامل طبقه بورژوازی و یا بخشی از آن نمیداند خواهیم دید که:

"اولاً: سیستم سرما به داری وابسته در این برنا مه پیدنا بود.

ثانیاً: سرما به های بزرگ و وابسته مصادره گردد.

ثالثاً: بورژوازی سرنگون گردد زیرا برای

نابودی سیستم سرما به داری وابسته و برای استقرار "نظام دموکراسی توده ای" کلیه ارگانهای حاکمیت و بوروکراسی سابق با پیدنا بود شوند. و کارگران، دهقانان و... بقدرت برسند. رابعاً: در بنده ۱۳ همین برنا مه حمایت از سرما به داران کوچک آمده است. معنی این امر یعنی مصادره سرما به های متوسط و یا عدم حمایت از آنها در طی یک پروسه پس از انقلاب"

آیا رفقای پیکار رهنویزه این برنا مه حداقل خود معتقدند؟ یا اینکه پیکار ۶۲ قصد دارد با

اتهام تر و تکیستی و سوسیالیستی نامیدن "نابودی سرما به داری وابسته" و "نابودی طبقه" که شما نیز در برنا مه خود در ۲۲ شماره قبل آنرا از لحاظ سیاسی سرنگون و از لحاظ اقتصادی کاملاً مورد تعرض قرار میدید یعنی به مثابه یک طبقه آنرا نابود میکنید و حداکثر بخشهای کوچک آنرا حمایت میکنید. راه را برای رد پیکار ۴۴ باز کند؟ ما نمونه این پایمالی برنا مه را در مورد "س.ج" دیده ایم که چگونه کار ۵۵ برنا مه حداقل "س.ج" را لگدمال میکند. آیا پیکار ۶۲ با دست و دلبازی تمام، قبل از آنکه علیه رزمندگان سخن بگوید بر علیه پیکار ۴۴ سخن نگفته است؟ بهتر است رفقای پیکار دیگر (فقط پیکار) به پیکار ۴۴ و برنا مه حداقل خود نظری بیفکنند، گرچه، توصیه ما در رجوع به آن برنا مه، هرگز بمعنای قبول همه آن نیست.

آری رفقا! مسئله ای را که خود شما تا این حد روشن، روزگاری مطرح کرده اید، نیا بدیده خاطر آنکه فقط به دیگران "چیزی را بایدمنوب کرد" لگدمال کنید، شما در برنا مه خود بورژوازی را سرنگون میکنید، علیه سیستم سرما به داری وابسته اعمال قهر میکنید، کلیه سازمانها و احزاب بورژوازی را قهرانا بود میکنید، ماشین دولتی طبقه بورژوازی را خرد میکنید و به جای آن ارتش توده ای و ارگانهای انقلابی قرار میدید، از بورژوازی متوسط حمایت نمیکند و آنرا در واقع رو به نابودی میبرید و این وجود آنرا نابود

طبقه میبهراید، و آنرا تر و تکیستی مینامید. آنچه که گفتیم چیزی جز انهدام بورژوازی به مثابه یک طبقه و در کلیت آن نیست. و این حرفی است که نه تنها پیکار ۴۴ بلکه "س.ج" رویزونیست نیز آنرا در برنا مه خود منظور کرده است. و البته این نابودی کار یک روز و روز نیست، اما پروسه ای که حاکمیت توده ای، آنرا به پیش میرانند و پرولتاریا در آنست چیز دیگری نمیتوانند. باشد، و با زالبته ما در باره اینکه همه این جریان چگونه خواهد بود و چگونه به پیش خواهد رفت تنها در حد همین کلیات میتوانیم سخن بگوئیم.

رفقا! ما حرف خود را صریح میزنیم، ما بنا به مقتضیات هرگز نمی گوئیم "بورژوازی بخشا مرتجع شده" و یا "نشده" خرده بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی اما خلقی "هرگز در فاصله ۲۲ شماره نظرات خود را بر زیر پانمی گذاریم. ما نظر خود را اصلاح و تکمیل میکنیم. اما نه به شیوه میان دوندلی نشستن بلکه با صراحت و روشن! ما هرگاه به این نتیجه برسیم که انقلاب ایران سوسیالیستی

بقیه از صفحه ۱۱

نشریه فابریک

تا این با آن فابریک با دیگر فابریکها و... به تربیت کارگران پرداخته و بتدریج جای خود را در میان آنان باز خواهند کرد. واضح است که نشریات فابریک میبایست به مسایل خاص فابریک پرداخته و سعی نمایند آنچه را که در پس پرده و دور از چشم کارگران میگذرد و حیل و حقه و نیرنگهایی که در پشت پرده توسط کارفرما یا شورای زرد و پادولت بر علیه کارگران و منافع آنها صورت میگیرد افشاء نمایند. این نشریات میبایست به طرح مباحث عام و ترویجی پیچیده و سنگین بپردازند. نشریات فابریک از آنجایی که عمدتاً برای توده کارگران منتشر میگردد میبایست با زبانی ساده و در قالب جملات و عبارتی کوتاه پیام خویش را به کارگران برسانند و عمدتاً بوسیله خود هسته کمونیستی کارخانه (هما هنگ با خط عمومی سازمان کمونیستی) تهیه شوند. انتشار نشریاتی حجیم که مملو از مقالات ترویجی گوناگون هستند بعنوان نشریه فابریک همچنانکه گفتیم خرد کاری محض است. نشریات فابریک میبایست در کمترین حجم و بصورت نشریاتی در حدود دو برگ انتشار یابند. انتشار منظم این نشریات و تبلیغ و افشاکاری بزبان

ساده و تعقیب مداوم وضعیت ذهنی توده های فابریک یا محله، البته در رشد آگاهی و تشکل توده ها (و برای اینکه بتوانیم هر کارخانه را به یک سنگ تبدیل کنیم) بسیار موثر خواهد بود. لیکن هسته کمونیستی کارخانه نمی بایست کار خود را بدان محدود سازد. هسته کمونیستی علاوه بر انتشار این نشریه در مواردی که مساله ای حادث فوری در سطح فابریک مطرح است و یا با صلاح برای گرفتن میج سر ما به داران و مقامات دولتی و عوامل آنها بهنگام ارتکاب جرم و یا دادن رهنمود به کارگران در هنگام مبارزه ای حادث در جریان دارد و خلاصه در مواضع بزنگاه میبایست از اعلامیه ها یا اوراق دیگری که میتوانستند بصورت ضمیمه منتشر شوند استفا ده جوید و علاوه بر انتشار نشریه فابریک غرورت بخش نشریات و اعلامیه های سازمانی را نفی نمی نماید. در اینجا لازم بتذکراتی که در شرایط فعلی، انتشار نشریات فابریک در هر فابریک نه امکان پذیر است و نه درست. نشریات فابریک تنها در فابریکهای بزرگ که سطح مبارزات کارگران رشد یافته تر است و توده های بیشتری از کارگران را در بر میگیرد قابل حصول است و در هر مورد بسته به کیفیت نیروهای حاضر در فابریک واضح است که این نشریات میبایست حتی الامکان با اعلام هویت سازمانی منتشر گردند.

وضعیت جنبش...

بقیه از صفحه ۷

را به عنوان یک نیروی سیاسی - نظامی مورد قبول خلق کرده رهیات نمایندگی قبول نخواهد کرد.

با توجه به شرایط کنونی از تثبیت فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی، گسترش شورا های مردمی در شهر و روستا با تکیه بر زحمتکشان شهری و روستایی و اعمال کنترل و نظارت بر امور سیاسی اقتصادی و اجتماعی خلق کرد توسط این شورا ها - که البته با تکیه بر نیروهای مسلح توده ای و رهبری سازمانهای سیاسی هنوز هم با اعمال حاکمیت کامل فرق دارد و یکنوع قدرت دوگانه را در منطقه سازمان میدهد که صد البته هیات حاکمه قاربریه تحمل آن نیست، با توجه به این مسایل مذاکره با دولت با هدف کسب فرصت برای تحکیم و گسترش بیشتر سازمانهای توده ای و نیروهای انقلابی میتوانند محتوی انقلابی داشته باشند.

تطور بعدی شورا های مردمی را در کردستان وضعیت کلی جنبش توده ای و حاکمیت تعیین می نماید و ما از پیش نمیتوانیم اشکال تغییر آنرا تعیین نمائیم. وظیفه کمونیستها در این مرحله سازمان دادن جنبش مقاومت خلق کسب (در تمام اشکال آن) بردن آگاهی سوسیالیستیک به میان توده های، جذب آنها به سازمانهای کمونیستی و سازمان دادن شورا ها و تشکلهای توده ای هر جا که امکانش باشد و اعمال کنترل و نظارت بر حیات سیاسی - اجتماعی توسط این شورا ها و بسیج مردم به دفاع از این ارگانهای توده ای است. مساله جنگ و ادامه آن و صلح در این متن از حرکت انقلابی قابل بررسی است و بس. و تا کید میکنیم هر نوع سازش با دولت فاشد میتواند همراه با تحمیل این شرایط بردوالت با شونده عقب نشینی از آنها. چنین عقب نشینی ای مرگ جنبش انقلابی خواهد

بود. در مورد خلق سلاح، یک لحظه هم نمیتوان اندیشید، فقط میتوان در مورد شکل ظاهری قضیه که نیروهای سیاسی و شورا ها سلاحهای خود را در معرض نمایش نگذارند دولت حرف زد.

در قبایل سازشکاری دمکراتها و "س" (ا) اکثریت (یت) و احتمال سازش جداگانه آنها با دولت نمیتوان خوش بینی بخرج داد. سیاست افشاء و تبلیغ سیاسی حول این مساله نقش بسزایی در جلوگیری از زد و بند دمکراتها بازی خواهد کرد. تا کتیک کمونیستها نمیایست و بنا بدبر مقابله با سیاسی و نظامی با دمکراتها در شرایط کنونی بنا نهاده شود. بهر حال در چشم انداز سازش جداگانه دمکراتها نمیتوان از هم اکنون وضعیت نیروها را ترسیم کرد. آنچه مسلم است دمکراتها نخواهند توانست با منفرد کردن کومه له و سایر نیروهای م. ل این سازش را به انجام برسانند و در نتیجه شرایط برای فعالیت سیاسی و بسیج توده ای کماکان باقی خواهد ماند. آنچه مسلم است کومه له و کمونیستها ی دیگر تحت هر شرایطی نیز به عنوان نیروی انقلابی و فعال میتوانند و باید در جهت تحقق خواسته های دمکراتیک و انقلابی توده مبارزه نمایند.

دیدگاه انحرافی که بدون توجه به گسترش مبارزات توده ها و برآمدن ربه پیش جنبش و اعتلاء انقلابی جنبش خلق کرد و ضعف و ناتوانی هیات حاکمه بخواد تحت هر پوششی به مماشات با هیات حاکمه و پیش بردن صلح بدون کسب اهداف مرحله ای فوق بپردازد محکوم است و میتواند به اشهر مخرب برجانبش انقلابی منجر گردد.

- * - پیش بسوی سازمان تدهی مقاومت توده ای!
- * - در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!
- * - گسترده تر با دیپلوماسی سازش زحمتکشان کردستان با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

نگاهی به...

لیستی است لحظه ای به خود تردید راه نخواهیم داد و آنرا نه تنها در نشریه خود بلکه بر درود میوارشیم خواهیم نوشت. ما در طی مبارزه ایدئولوژیک درونی خود با گذرفته ایم که رک و صریح و با ایستادگی سخن بگوئیم و وقتی تحلیل و واقعیت به ما نشان دهد چه چیز صحیح است از داد و قبال هیچکس، از انواع آنها ما مات اعم از اپورتونیسیم چپ و حتی ماورا چپ (کار به ما چنین میگوید) از ترس و تسکیم، از هرگونه آنها می که تنها برای ایجاد فضای وحشت و فرار از مبارزه ایدئولوژیک جدی و حقیقی است نهراسیم.

پایان

☆☆☆
رفقا و هواداران!
رزمندگان
را بخوانید و
در تکثیر و پخش
آن بکوشید!

بقیه از صفحه ۱۱

جلب نماید و آنها را از زیر چنگال بورژوازی و خرده بورژوازی بدرآوردند.

واضح است که نیا زهای فکری هر یک از اقشار فوق در مبارزه طبقه‌ای می‌تفاوت بوده و جنبش کمونیستی برای هدایت صحیح و همه‌جانبه مبارزات بیرونی را ملزم به برطرف کردن نیا زهای فکری گوناگون هر یک از این اقشار میباید. بنظر مثال کارگران کمونیست لازمست که به تمام مسائلی که در سطح جنبش کمونیستی مطرح است احاطه و آگاهی داشته باشند. این کارگران میبایست در تمام مباحثات ایدئولوژیک و مسائل تئوریک مطروحه در جنبش کمونیستی شرکت داشته و از این طریق شناخت تسلط و تحریکاتی در مسایل تاکتیکی و سیاسی و تنوع نمایند. این کارگران میبایست تمام مسایل تاکتیکی و سیاسی و تنوع یک جنبش کمونیستی بین المللی را تعقیب نموده، از طریق مطالعه سخت و منظم تاسطح روشنفکران انقلابی ارتقاء یابند.

در مورد کارگران دسته دوم (کارگران میانی - کارگران پیشرو کارخانه‌ای) آنچه اهمیت دارد ایجاد پیوند بین مبارزات محلی و منطقه‌ای آنان با اهداف تاریخی پرولتاریا و مبارزه سیاسی کسب طبقه کارگر است. این کارگران شور و شوق زیادی برای فراگیری از خود نشان میدهند کمونیستها با یستی این قشر را بعنوان رهبران آینده پرولتاریا، مرتباً ارتقاء داده به نیا زهای آنان پاسخ گویند. اما در مورد توده کارگران در شرایط فعلی یا توجه به نیرو و توان جنبش کمونیستی در جذب پیشروان و نبود یک قطب قوی کمونیستی، ایجاد یک نشریه سراسری برای توده کارگران کاری اکتونومیستی بحساب میآید. برای ارتقاء آگاهی این قشر از کارگران میتوان روشهای مختلف تبلیغی مانند تبلیغ شفاهی، سخنرانی، نمایش فیلم، تئاتر، استفاده از مجامع قانونی و انتشار جزوات تبلیغی و غیره را بکار گرفت. اما یکی از مسائلی که برای رشد آگاهی و شکل توده‌های کارگری بکار گرفته میشود نشریات فابریک است. این نشریات فابریک که مربوط به یک کارخانه و یا یک رشته از صنایع هستند، متأسفانه تاکنون نتوانسته اند نقش سازنده خویش را بنحو مطلوب بازی نمایند. پس از قیام شکوهمند بهمن ما شاهد روئیدن صدها نشریه فابریک بوده‌ایم که اگرچه نشان دهنده و بیانگر رشد نسبی جنبش کمونیستی بود، اما بی برنامگی حاکم بر آنها و خرده کاری شدیدی که از این طریق دامن زده میشد خود نشان دهنده دوران کودکی جنبش و کمیت اکتونومیسم بر آن دوره میباید که آثار آن هنوز ادامه دارد.

سازمانها و گروههای مختلف جنبش کمونیستی قبل از آنکه بفکر انتشار ارگان عمومی و ایجاد زمینه برای پیوند و شکل پیشروان طبقه کارگر باشند دست به انتشار نشریات فابریکی و محلی گوناگون زدنند. یکی از مختصات مهم آن دوران (خرده کاری ناشی از عدم آگاهی) همین توجه شدید به ارتباط مستقیم و حضور مکانیکی در اجزای مختلف مبارزه طبقه‌ای و بی توجهی به کلیت آن است. اکتونومیستها که از ضرورت تمرکز و رهبری متمرکز جنبش طبقه کارگر و اعمال هژمونی بر کل این جنبش غافل بودند (هم اکنون نیز هستند) به روابط پراکنده ولی مستقیمی که با اجزای مختلف جنبش کارگران و زحمتکشان داشتند دل خوش کرده و با صرف نیرو و انرژی زیاد بدون آبرو زنام و نشان خود به جزیی از مبارزات کارگری توده‌های سرگرم شده و کل طبقه کارگر جنبش کاری را ناآگاهانه در اختیار بورژوازی و ریزبونیستها قرار داده بودند.

از این امر که بگذریم، نشریات فابریکی که تاکنون منتشر شده اند، غالباً به مخاطب خود را میشناسند و نه به هدف و وظیفه خود آگاه بودند و در اغلب موارد نمیتوانستند نقشی را که از آنها انتظار میرفت بازی نمایند. نگاهی کوتاه به نشریات گوناگون فابریکی نشان میدهد که نشریات فابریک اغلب در انجام وظایف خویش موفق نبوده اند و اگرچه سهمی در آگاهی کارگران بازی نموده اند اما ملاحظاتی که در این باره وجود دارد و فرمالیسم حاکم بر آنها از ایفای نقش خویش غافل مانده عملاً خرده کاری را دامن زدند. این نشریات با آن حجم اغلب با بی‌اعتنا شدن امکانات و بی‌توجهی انتشار دهندگان و بی‌کمبود هیات تحریریه متناسب با آنچنان نشریه‌ای، در فواصل طولانی منتشر میشدند (یا میشوند). چنین نشریه‌ای

چگونه میتواند در هر حرکت معین به کارگران رهنمود بدهد؟ نشریه‌ای که گاهی حتی دو ماه یکبار منتشر میشود چگونه میتواند به کارگران حین ارتکاب جرم گرفته و کارگران را به هیجان آورد؟ در صورتیکه تمام جریانات و مبارزات فابریک را با پدید آمدن نشریات فابریکی که منظمآ منتشر شده و بموقع حتی فوق العاده و با ضمیمه منتشر کنند، رهبری کرد.

از طرف دیگر، بسیاری از مقالاتی که در این نشریات درج میشوند عموماً به بررسی مسائل عمومی جنبش میپردازند. مسائلی که در ارگان نهایی سراسری نیز با کیفیتی بهتر آورده میشوند و در اینجا تک تک تکرار میشوند. هیات تحریریه‌های متعددی این نشریات هر یک ما نندهیات تحریریه مرکزی سازمانهای کمونیستی به نشر مقالاتی در مورد مسائل عمومی سیاسی و اقتصادی جنبش کارگری پرداخته و در واقع هر یک بطور پراکنده در گوشه‌ای به تداوم خرده کاری میپردازند. آیا وقتی از جانب یک سازمان پیرامون مساله واحدی دردهها نقطه‌ایران و توسط هیات تحریریه‌های متفاوت و با نیا مهی متفاوت مقالاتی منتشر میشود این بدترین شکل خرده کاری نیست؟ آیا این جز پاره پاره کردن یک سازمان کمونیستی معنای دیگری میتواند داشته باشد؟ نیکساری گرانی، اخراج، حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار در هفته، قانون کار، مساله کردستان، افشای هیات حاکمه، سرکوب، تبلیغ و ترویج وسیع آیده‌های کمونیستی و غیره، همه و همه مسائل طبقه کارگر و زحمتکشان سراسری ایران است. پاسخگویی درست به این مسائل تنها از عهده ارگان سراسری ساخته است که در وسیعترین سطحی در میان کارگران و زحمتکشان سراسری ایران منتشر شود. آنچه که در این مورد اهمیت دارد بالا بردن کیفیت نشریات سراسری بجای انتشار نشریات متعدده است. این امر در عین افزایش توان سازمان سیاسی برای بالابردن کیفیت فعالیت خود به سازمانگری کارگران و زحمتکشان غیر پرولتاریا مومن سازمانهای م. ل. کمک خواهد کرد و آنها را از سرگردان شدن در میان دهها نشریه مختلف نجات خواهد داد.

بسیاری از نشریات فابریک در پیرویه انتشار خود بخودی شان به بین بست رسیدن و نیروهای م. ل. بدون اینکه تحلیل روشنی از آنرا ساری کارشان در این زمینه را ارائه دهند بطریق کاملاً خود بخودی انتشار آنها را متوقف کردند.

"ما در رزمندگان شماره ۲ بدرستی به پیشروان توجه کردیم و لسی بنظرت انتشار نشریات فابریکی برای پیشروان توصیه نمودیم که همانطور که در این مقاله نشان دادیم جز خرده کاری و دوباره کاری چیز دیگری نیست و این خرده کاری هنوز تا ایجاد وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب، بصورت انتشار ارگانها و نشریات مختلف سازمانها و گروههای کمونیستی و حتی انتشار نشریات فابریکی یا محلی گوناگون در یک فابریک یا محله کماکان ادامه خواهد یافت.

نشریات فابریک، یکی و تنها یکی از مهمترین وسایلی هستند که برای تبلیغ و تهییج سازماندهی توده‌های پرولتاریا توسط هسته کمونیستی کارخانه‌ها محل بکار گرفته میشوند. این نشریات و اوراق دیگری که همراه با آنها منتشر میگردند در واقع وسیله ارتباط منظم هسته کمونیستی کارخانه‌ها با کارگران و انتقال آگاهی آنها و هدایت مبارزاتشان میباشد. این نشریات با تبلیغ و افشای منظم و تعقیب دانشی ذهن توده‌ها و مسائلی که در پیش روی توده کارگران فابریک قرار دارند به ارتقاء سطح آگاهی کارگران پرداخته و با جلب کارگران بصورت خبرنگار روپخش کننده و در پیشرفت خود با کمک مالی کارگران، در حلق خود به سازماندهی کارگران میپردازند. این نشریات با افشای منظم دزدیها و حیل‌های کارفرمایان و دولت حامی آنها و عوامل مرتجع و نقشه‌هایی که بمنظور سرکوب کارگران و ایجاد تفرقه در بین آنان از جانب مقامات دولتی و فابریکی طرح میگردد، با افشای ستم و جناحیاتی که سرما به بر کارگران و سایر توده‌ها روا میدارد و تبلیغ در مورد آن و با طرح آن مسایل اساسی که در سطح جامعه مطرح هستند با زبانی ساده برای کارگران، با دادن رهنمود به آنها در مبارزات روزمره و جاری آنها، با نشان دادن رابطه مسایل و مشکلات

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۱

نشریه فابریک

در یکسال و نیم گذشته چه بنیادریا تیک های کورونای آگاهانه صورت گرفت و چه بنیاد تجربیات خام انجام یافت که هیچیک جز شکست نتیجه ای نداشت. کمونیستها در این مدت در سطح وسیعی در مبارزات اقتصادی سیاسی پرولتاریای ایران شرکت نمودند و بدون برخورداری از دیدی روشن نسبت به آنچه انجام میدادند در عرصه های زمینه های مختلف مبارزه درگیر شدند و همچنانکه گفتیم بسیاری از این مبارزات به نتیجه مطلوب نرسیده و به شکست انجامیده است. همین شکستها و ناگامیها و برخورد آگاهانه کمونیستها به آن هر روز نقش و اهمیت بررسی تئوریک مسائل مبارزات اقتصادی - سیاسی طبقه کارگر را برجسته تر ساخت و اینک این ضرورت هر چه بیشتر خود را بر جنبش کمونیستی تحمیل مینماید. جنبش کمونیستی ایران درمی یابد که بدون بررسی تئوریک مسائل مبارزات اقتصادی و سیاسی پرولتاریا و جمع بندی اجزای مبارزات خود جنبش کمونیستی و کارگری بدون داشتن دید روشن نسبت به اینکه "چه میکنیم" و "چه میخواهیم بکنیم" قادر به حل مسائل عملی جنبش نخواهد بود.

یکی از مسائل مبارزات اقتصادی - سیاسی طبقه کارگر که هنوز از لحاظ تئوریک برخورد جامعی با آن صورت نگرفته است، مسائلی است که در نشریات بطور کلی و نشریات فابریک (یا محلی) بطور خاص است. ۱۵ ماه پس از قیام و پس از انتشار رسدها نشریه فابریک و کارگری هنوز این نشریات سمت و محتوی درست و صحیح خویش را نیافته اند که این خود نشان دهنده حل شدن این مساله بلحاظ تئوریک است. ما قبلا طی مقاله ای در رزمندگان ۲ در این باره سخن گفتیم و اینک در این مقاله ضمن انتقاد از موضع قبلی خود در این مورد به بررسی مساله نشریه فابریک میپردازیم.

پس از قیام نشریات فابریکی متعددی از جانب جریانها تکمیلی نیستی گوناگون منتشر گردیدند. این نشریات از لحاظ مخاطب و محتوی خود، اغلب التقاطی و فاقد هدفهای روشن و وظایف معینی بودند. با نگاهی به این نشریات میتوان در آنها، از عام ترین ما - تل تئوریک سیاسی و انتزاعی ترین مباحث اقتصادی، تا جزئی ترین و اقله یک فابریک مشخص را مشاهده کرد. این نشریات مملو از مسائل عمومی مبارزه کارگران و زحمتکشان، مسائل عمومی سیاسی، محلی، اخبار فابریک و افشاکاری میباشد.

سئوالی که با اولین نگاه به این نشریات مطرح میگردد اینست که نشریه فابریک چه تفاوتی با نشریات عمومی و ارگان سازمانها و گروهها دارد؟ چرا مسائلی که در یک نشریه عمومی آورده میشود با بیدرتک این نشریات تکرار شوند؟ چه سیاستی با بیدرتک این نشریات حاکم باشد؟ و اساسا هدف از انتشار این نشریات چیست؟ آیا ترویج مسائلی مانند شناخت امپریالیسم و سرمایه داری، بررسی علل گرانی و تورم در سیستم سرمایه داری، ریشه یابی علل بیکاری و توضیح ارزشها - فی و استثمار و غیره و غیره می یابد در هر فابریک یا محله بطور جداگانه و توسط نشریات خاص آن فابریک یا محله صورت گیرد؟ آیا همطرازی کردن نشریات فابریک از لحاظ مضمون و محتوی و حجم با نشریات سراسری سازمانهای م. ل. که در سطح و برای پیشروان پرولتاریا منتشر میگردد و به ترویج ایده های مارکسیستی و مسائل تئوریک و سیاسی جنبش میپردازد و زندگی خرد کاری معنای دیگری دارد؟ نشریات فابریک که عمدتاً به ترویج مسائل فوق میپردازد و در واقع فقط میتواند نمود استفاده پیشروان فابریک قرار گیرند و انتشار چنین نشریاتی برای

پیشروان معدودی که در هر فابریک وجود دارند آنهم با تهیه یک هیات تحریریه قوی جزا کونومیسیم، خرده کاری و دوباره کاری معنایی ندارد.

برای اینکه مضمون و محتوی نشریات فابریک را روشن سازیم باید به این سوال پاسخ گوئیم که مخاطب این نشریات چه کسانی هستند و برای چه کسانی منتشر میشوند و چه تمایزاتی بین آنها با سایر نشریات یا تی که مخاطبین دیگری دارند وجود دارد؟ یا دیدید نشریات فابریک بطور عمده با چه سخن میگویند و برای چه منتشر میشوند؟

برای پاسخ گفتن به این سوال، باید نگاهی به نشریات درونی طبقه کارگر ببینیم و تمایزات بین این اقشار را مورد توجه قرار دهیم. با یاد ابتدای این امر را روشن کنیم که چه تفاوتی بین اقشار مختلف پرولتاریا از لحاظ میزان آگاهی نسبت به اهداف تاریخی پرولتاریا موجود بوده و این تفاوت چگونه است. از نظر طبقه ای کارگران را میتوان به سه قشر یا گروه تقسیم نمود:

۱ - کارگران کمونیست (کارگران پرولتاریه)
این قشر از کارگران (کارگران کمونیست) شامل کارگرانیست که با اصول م. ل. آشنا بوده و تمایز بین گرایشهای مختلف در جنبش کمونیستی را درک میکنند و در سطح رهبران (رهبران پرولتاریا) همراه با روشنفکران انقلابی و دیگر کمونیستها میباشد. کارگران کمونیست با آگاهی به اهداف تاریخی پرولتاریا و وحدت طبقه ای کل آن در مقابل سرمایه و با آگاهی به آرمان سوسیالیسم عموماً در ارتباط با سازمانهای کمونیستی مبارزه خویش را به پیش میبرند. واضح است که این قشر از کارگران نسبت به اقشار دیگر در اقلیت بسر برده و تا زمانی که سازمانها وجود دارند در اقلیت نیز خواهند بود. (*)

۲ - کارگران میانی (کارگران پیشروکارخانه ای، کارگاهی، روستایی و...)

این گروه از کارگران کمیت و وسیعتری را نسبت به دسته اول در بر میگیرند. این قشر شامل کارگرانی است که بطور نسبی اصول م. ل. را شناخته و شروع به درک تمایزات ما بین گرایشهای مختلف موجود در جنبش کمونیستی نموده اند و ما از میان این قشر عده ای به رهبران پرولتاریا اضافه میگردد و بخشی از فعالیت کمونیستها در رابطه با طبقه کارگر، در شرایط فعلی میباشد متوجه پرورش و جذب هر چه وسیعتر این عناصر به جنبش کمونیستی باشد. اینها در واقع کارگرانی هستند که پایه های سازمانها و با لافخره حزب کمونیست را در میان پرولتاریا مستحکم خواهند نمود.

هم اکنون بسیاری از شوراهای و تشکلهای کارگری توسط این قشر از کارگران اداره میشود و هر روز تعداد بیشتری از این قشر به کمونیستها میپیوندند.

۳ - توده کارگران (قشر عقب مانده کارگران)
این دسته وسیعترین قشر کارگر را تشکیل میدهند. این دسته در پایین ترین سطح خود نا آگاهترین و عقب مانده ترین کارگران را در بر میگیرد. کارگران نا آگاهی که به تازگی از محیط زندگی تنگ و محدود روستا بریده شده اند، کارگرانی که بسیاری از آنها از آگاهی سندیکایی و حرفه ای نیز محرومند جزو این قشر قرار میگیرند. این کارگران در مبارزات خود عمدتاً دنباله رو بوده و میباید توسط دسته اول هدایت شوند. این قشر از کارگران آماج حملات تبلیغاتی و فریب کاری های بورژوازی و خرده بورژوازی قرار داشته بسیاری از خرافات بورژوازمکراتیک را با خود حمل مینمایند. کمونیستها با بیستی این قشر از کارگران (توده کارگران) را به آرمانهای تاریخی طبقه کارگر بقیه از صفحه ۱۱

* رجوع کنید به لنین - گرایش قهرقایی در سوسیالیسم دموکراسی روسیه - مقاله اول

**قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!**

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند»
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشسان
و روشنفکران انقلابی تکیه می‌کنند.
ولادیمیر ایلیچ لنین

یک رزمندگان

شوراهای کارگری و لغوسودویژه

به دنبال اعلام قانون ضدکارگری
لغوسودویژه، مبارزات کارگران
به اشکال مختلف در کارخانجات شروع
گشت. در این میان عملکرد کارکنان و اتجا
دیه‌های کارگری در رابطه با خواست
کارگران مبنی بر قانون لغوسودویژه
بقیه در صفحه ۲۸

اعتصاب کارگران لهستان:

سوسیالیسم دروغین رويز-
یونیست‌ها را بر ملا میکند!



اعتصابات کارگری بخش مهمی از
مراکز صنعتی لهستان را فرا
گرفته است. این اعتصابات که از اوایل
مرداد آغاز شده است، ابتدا از کارخانه
کشتی سازی لنین در گدانسک با هفده
هزار کارگر برپا گرفته و هر روز گسترش
بیشتری می‌یابد.
بخشی از خواسته‌های کارگران به
شرح زیر است:
بقیه در صفحه ۱۳

ضد انقلاب مغلوب

در تدارك
جنگ داخلی!

خبر مسلح کردن عشاير
توسط مزدوران و وابستگان
امپریالیسم زقبیل ناصرو
خسرو قشقای و تیسما رشا هشا
هی و فرمانده نیروی دریایی
جمهوری اسلامی احمد مدنی،
اینک حتی از سوی مقامات
انتظامی رژیم نیز تا نید شده
است. فرمانده سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی فیروز آبادشیرا
ز در مصاحبه‌ای گفته است: "خوا
نین جاسوس عشاير، خسرو، تا-
مرو عبد الله قشقای پیس از
افشای اسناد جاسوسی شان
تصمیم گرفته اند که به رهبری
سید احمد مدنی، جاسوس دیگر
آمریکا، شبکه خوانین سراسری
منطقه جنوب را متشکل ساخته و
در آینده نزدیک در منطقه
جنوب و جنوب غربی و جنوب
شرقی ایران آشوب‌هایی بیا
کنند" (کیهان ۲۷ مرداد ۵۹)
بقیه در صفحه ۲۸

در صفحات دیگر میخوانید

کارگران چون کوهی استوار در
مقابل لغوسودویژه ایستاده اند! (۲)



تشکیل کانون مستقل
معلمان کردستان
موج اخراج‌های ضد انقلابی
در شرکت‌های مخابرات



با تار کردن جاسوسان کهنه کار
ضد اطلاعات:
ارتش بوسیدنه شاه بازسازی میشود

نورس از تجاع به کتابفروشیهای
مقابل دانشگاه



تروجنايتكارانه
دو کمونیست انقلابی



حزب خائن توده
دست در دست
مزدوران حکومت

بمناسبت سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان این هیات حاکمه، از افشای فاجعه چرا هراس دارد!

۲۸ مرداد علاوه بر یادآوری اتفاقات شوم و ننگین
دیگر، خاطره تلخ کوره آدم‌سوزی سینما رکس را نیز
زنده میکند. اینک در آستانه سومین سال این حادثه
نه فجع، حکومت جمهوری اسلامی، از یکسودر بلند
گوهای تبلیغاتی اش برای سالروز چنین فاجعه‌ای
بقیه در صفحه ۸

اول مهر نزدیک است!

* حکومت از هم اکنون در صدد است از طریق والدین دانش‌آموزان آنها را
تحت فشار قرار دهد. در حالیکه تنها معلم "مکتبی" و یا در واقع معلم طرفدار
و سرسپرده حزب جمهوری اسلامی انتخاب میکند و هر کس که اندک آگاهی و
اندک مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد اخراج است، از پدران
و مادران تعهد میگیرد که "دانش‌آموزان آنها حق دامن زدن به تضادهای
گروهی در مدارس ندارند" چون محیط آموزش باید خالی از هرگونه تضادهای
گروهی باشد. "زهی وقت و بیشتر می..."
در صفحه ۱۰

ضد انقلاب مغلوب در تدارک جنگ داخلی!

* مسلح کردن عشایر در جنوب، فرستادن عناصر مزدور به کردستان سرآغاز تدارک برای یک جنگ داخلی است جنگی که در صورت وقوع قدرت گیری کارگران و زحمتکشان را در دستور روز کمونیستها و نیروهای انقلابی قرار داده و سازماندهی توده های مسلح و حزب کارگران و زحمتکشان، به قطب پرولتری راه عنوان و وظیفه ای بلافاصله مطرح خواهد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی مردم را از خطر حملات مسلحانه مزدوران آمریکا بی آگاه میکند، رژیم جمهوری اسلامی اسناد ارتباط مدنی با ساواک را افساء میکند، رژیم جمهوری اسلامی اعتبارنامه خسرو قشقایی را رد کرده و مدتی او را دستگیر میکند، اما نمیگوید که چه کسانی، مدنی را به استانداری خوزستان رسانده اند نمی گوید گوید چه کسانی امنیت شیراز مناطق عشایر نشین را به برادران مزدور قشقایی سپرده اند نمی گویند آنها در زمان قدرتشان چه بر سر توده های کارگران و زحمتکشان خوزستان و خلق عرب آوردند. زیرا این اعترافات نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی خود زمینه ساز و عامل قدرت گیری این وابستگان به آمریکا است. مگر همان رژیم جمهوری اسلامی ورهیزی خرده بورژوازی آن نبود که مدنی را در کنار مزدوران دیگری چون فلاحی، شاکر، مهدیون به وزارت و ریاست و فرماندهی ارتش رساند؟ مگر همان رژیم جمهوری اسلامی نبود که بر تمام جنایات و سرکوبیهای مدنی صدها کرده و حتی او را کاندیدای ریاست جمهوری نمود؟ تمام این جنایات و کسب پست ها در زمان رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است. توده های قهرمان، مدت ها قبل از قیام و سقوط رژیم شاهسازگان را با شعار "شاه باید سلطنت کند" نه حکومت "از صفوف خود رانده و تیمسارهای ارتش نظیر ازار، او، یسی و فلاحی و مهدیون و سایر همپالنگی ها بشان راه پیشبازی بی ارزش بدل کرده و دشمنی و تنفر خود را از آنان نشان داده بودند و این رهبری خرده بورژوازی انقلاب بود که با سوء استفاده از اعتمادهای توده ها به خود، بورژوازی و بسیاری از عناصر مزدور امپریالیسم را در قدرت خود شریک کرد. مگر در همان زمان در هر اعلامیه و نوشته و از هر طریق، کمونیست ها و نیروهای انقلابی مخالفت خود را با این عملکردهای ضد انقلابی به گوش توده ها نمی رساندند آیا رژیم درست به همین دلایل نبود که این نیروها را ضد انقلابی میخواند؟ اینک که بعلمت بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی، امپریا -

لیسم امید خود را در تثبیت اوضاع از دست داده است و عوامل مزدور و دست آموز خود را به تحریک و اقدام برای در دست گیری قدرت فراخوانده است، مدنی ها و قشقایی ها، که روزی بنسب "دست پر قدرت امان" معروف بودند در مقابل حکومت قرار میگیرند و اینجا مسئله بر سر موجودیت رژیم جمهوری اسلامی است و به همین علت دشمنی این دو جناح ضد انقلابی آشکار میشود. اینک دو جناح ضد انقلابی با هم رو در رو شده اند که هر دو در سرکوب توده ها نقش داشته و نقش هم خواهند داشت.

حفظ وجود فلاحی ها، شاکرها، بهشتی ها، رفسنجانی ها و خامنه ای ها در قدرت، خود نشانه آنست که رژیم جمهوری اسلامی از وحشت قدرت گیری مدنی ها و قشقایی ها و کم شدن یا سرنگون شدن قدرت خود، آنان را افساء میکند، و البته مواظب است کینه در افساء آنان به رابطه شان با ساواک بسنده کند زیرا اگر بخواد از اعدا مها و کشتارهای خلق عرب، از انحلال شورای سکو و سند ایران، از سپردن امنیت استان فارس به قشقایی ها سخن بگوید، ماهیت خودش نیز برای توده ها روشن میشود!

اما اگر رژیم جمهوری اسلامی از وحشت قدرت گیری این عناصر سرسنگونی خود، دست به افسای مدنی ها و اعدام مهدیون ها میزند و اسنادی را که کمونیست ها ماهها پیش افشا کرده بودند، به مردم عرصه میکند، و آنها را از قدرت میراند، این عناصر نیز بیکار رننشسته و با کمک دوستان سابق خود، ضد انقلابیونی توده ها با قیام مسلحانه خود آنان را به زباله دان تاریخ سپرده بودند، در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب توسط خودشان می باشند. آنان که در پی استقرار حکومتی مز- دور آمریکا بوده و از سیاستهای ضد انقلابی و سرکوبیهای جمهوری اسلامی اطمینان کافی ندارند، برای سرکوب انقلاب و زترس قدرت گیری نیروهای انقلابی و کمونیست از هیچ توطئه و عمل ضد انقلابی خودداری نمیکنند. آنها خوب میدانند که با آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، با عمق گیری هر چه بیشتر بحران و باروشن شدن مواضع انقلابی و درست نیروهای کمونیست و انقلابی، توده ها روز به روز به سوی نیروهای انقلابی و کمونیست جذب خواهند شد و این معادل مرگ همیشگی و نهایی آنها خواهد بود. و از این روست که برای سرکوب انقلاب در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی نتواند آن را پیش ببرد از هم اکنون تدارک می بینند.

مسلح کردن عشایر جنوب و سازماندهی آنان، فرستادن مزدوران مسلح به حوالی کرمانشاه، سازماندهی عناصر ضد انقلاب بی ارتش تحت فرماندهی مزدوران آمریکا به منظور کودتای ایجا در ادیوهای امپریالیستی برای فریب و جذب توده های نا آگاه ها، ما بریده از رژیم جمهوری اسلامی، همه و همه اجزای برنامه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب در زمانی است که مبارزه طبقاتی اوج نوینی یافته و بحران اقتصادی و اجتماعی سراسر جامعه را فرا گرفته است و رژیم جمهوری اسلامی قادر به سرسازمان دادن بقیه در صفحه ۹

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

شوراهای کارگری و

بقیه از صفحه ۲۶

به خوبی ماهیت فریبکارانه و ضدکارگری بعضی از آنها و مبارزه صادقانه تعداد دیگری از کانون‌ها را نشان میدهد.

✽ کانون هماهنگی شوراهای اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی تنها هنگامی که با مخالفان وسیع کارگران روبرو شد، و ۲۰ روز پس از اعلام لغو سود ویژه به مخالفت با لغو این قانون پرداخت. جلسه‌ای در خانه کارگر برپا کرد. در این جلسه از یکطرف خشم کارگران از این اقدام ضدکارگری و از سوی دیگر مواضع فرصت طلبانه و ضد کارگری عناصر وابسته به حزب برای مهار این کینه و نفرت مشاهده میشد. کانون از موضعی فرصت طلبانه به مخالفت با آن برخاست و راه‌حل‌های سازشکارانه‌ای ارائه میداد. از جمله اینکه: "ابتداء نامهای تحت عنوان رنج نامه به امام بنویسیم و ۵ روز مهلت دهیم، پس از آن سوت کارخانجات را به صدا درآوریم، و پس از ۱۰ روز در کارخانجات بطور جدا (؟) میتینگ برگزار شود و پس از ۱۰ روز اگر هیچ اقدامی نشد، یک میتینگ از کلیه شوراهای برگزار میکنیم."

این کانون از بدو پیدایش خود هدف و منظور و رسالتی غیر از به انحراف و سازش کشاندن مبارزات کارگران نداشته است و کارگران مبارز باید در افشای هر چه بیشتر کسانیکه بنا به طبقه کارگر به آن خیانت میکنند بپردازند.

✽ کانون شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک با وزیر کار در وزارت کار ملاقات کردند در این جلسه نیز خشم کارگران حدود مرزی نداشت و بارها کارگران وزیر کار را مورد فحش و ناسزا قرار دادند. و گفتند ترا نزد ما محاکمه خواهیم کرد. این جلسه از ساعت ۱۰ تا ۴/۵ بعد از ظهر طول کشید و وزیر کار گفت "که این قانون تصویب شده و حتی یک نفر از اعضای شورای انقلاب با آن مخالفت نکرده و این قانون به نفع کارگران

است." جلسه بالاخره بی نتیجه پایان یافت و تنها در انتهای جلسه از طرف وزیر کار پیشنهادهای نمودار شده شورای اسلامی به نمایندگی کارخانجات تهران و نماینده شورای اسلامی به نمایندگی از کارگران شهرستانها و یک نفر مشاور عالی کار و وزیر کار به تدوین مجدد قانون کار بپردازند. رهبری کانون شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک نیز در دست عناصر وابسته به هیات حاکمه است و آنها نیز از منافع کارگران دفاع نمیکند.

✽ کانون شوراهای شرق و کانون شوراهای متحد غرب نیز، با حضور ۵۰۰ کارگر در روز ۱۸ مرداد جلسه‌ای در محل کانون شوراهای شرق تهران تشکیل دادند. در این جلسه برای مقابله با عمل ضدکارگری لغو سود ویژه نظرات مختلفی از برگزاری راه پیمایی و میتینگ تارفتن به وزارت کار مطرح میگردد و سرانجام تصمیم گرفته میشود که نمایندگان شوراهای روز دوشنبه ۲۰ مرداد به جلوزارت کار رفته و طی قطع نامه‌ای عمل ضدکارگری لغو سود ویژه را محکوم نمایند: قطعنامه بدین شرح بود: ۱- لایحه جدید لغو سود ویژه تا تصویب قانون کار عادلانه‌ای که بجای سود ویژه خواست کارگران را مطرح کندگان لم یکن تلقی شود. ۲- طرح پیشنهادی وزارت کار مبنی بر اینکه ۲۰ نفر از نمایندگان کانون کار را تدوین کنند رد شد و اعلام میکنند که این ۲۰ نفر نمایندگان واقعی کارگران ایران نیستند. ۳- تقاضای تشکیل مجمعی از نمایندگان کارگران سراسر ایران برای تدوین قانون کار.

روز ۲۰ مرداد نمایندگان کانون شوراهای شرق و چند شورای دیگر، در وزارت کار جمع میشوند. وزیر کار رکه از خشم و کینه کارگران با خبر نبود، حاضر نمیشود در جلسه کارگران شرکت کند و میگوید: من

ترورجنایت کارانه

دو انقلابی کمونیست

دو تن از رفقای کمونیست و انقلابی هوادار سازمان پیکار، مسعود صالحی و رفیق طیب نجم الدینی بطرز وحشیانه‌ای توسط ارتجاع به شهادت رسیدند.

این دو رفیق که روز ۱۳ مرداد بجرم پخش اعلامیه دستگیر شده بودند، بدست مزدور حکومت در بیا با نه‌ای اظرف تبریز به شهادت رسیدند. ترورجنایت جنایت به جرم پخش اعلامیه از آخرین جنایات رژیم جمهوری اسلامی است، که وقاحت و بیشرمی و جنایت را در کنار هم به نمایش گذارده است!

اعدام این دو رفیق بطور پنهانی و بدون هیچ محاکمه‌ای پیش از هر چیزی نشانه وحشت حکومت از کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی است که روز به روز بیشتر در دل توده جا گرفته و روز به روز پیوند با کارگران و زحمتکشان قدرتشان فزونی میابد.

آری رژیم در قدرت گیری کمونیست‌ها و انقلابیون مرگ خود را می بیند و از وحشت نابودی خود، چون تمام سی رژیم‌های ارتجاعی، هر چه بیشتر و آشکار تر به سرکوب و کشتار انقلابیون و کمونیست‌ها و کارگران و زحمتکشان مبارز دست میزند. اعدام رفیق شهرام، تریمی، ساسا، احمد مودن، عبدالله قیزل و هالی زاده، عزیزیان، مهدی علیوی شوشتری و... در همین یکی دو ماهه اخیر اثبات این ادعای ماست. اما این اعدام‌ها نه تنها ذره‌ای در راه پلادین انقلابی ترین فرزندان خلق خدشه‌ای وارد نمیکنند بلکه روز به روز راه و عزم راسخ آنها را آهنین تر میسازد. *

اعدام انقلابیون لکه‌نگی بردا مان رژیم جمهوری اسلامی

شوراهای کارگری و...

شماها را قبول ندارم!!
آری: وزیرکار نمایندگان شوراهای واقعی و کارخانه را قبول ندارد و رسمیت نمیشناسد چرا که آنها از منافع کارگران دفاع میکنند.

به جای نعمت زاده وزیرکار وزارت کار و سبحانی دوتن از مقامات وزارت کار به میان کارگران می آیند. (نمایندگان شوراهای کارخانجات پستی، تیغ ناسته چاپ، شهرک اکباتان شرق، روغن موتور و... شروع به صحبت میکنند) زارععی و سبحانی، این دو حامی کارفرمایان، برای فریب دادن و آرام کردن کارگران به توجیه دلایل لغو سود ویژه میپردازند.

نمایندگان کارگران با جوابهای کوبنده و افشاگرانه خود، ماهیت قانون وزارت کار را برملا میسازند. تا جایی که این دو نفر میگویند ما مسئول نیستیم. کارگران فریاد میزنند: "اگر مسئول نیستید، غلط کردید، این جا آمدید.

چطور هنگام تهیه و تصویب این قانون ضدکارگری مسئول بودید ولی برای جواب دادن به ما مسئولیت ندارید" نمایندگان مبارز کارگران شوراهای شرق و غرب با زهم خواهان آمدن وزیرکار میشوند.

ولی وزیرکار همچنان از آمدن به میان آنها خودداری میکند. و معاون خود را میفرستد کارگران نه تنها قانون لغو سود ویژه را محکوم میکنند، بلکه کل قوانین کار و نحوه تهیه و تصویب آنها را ضدکارگری دانسته و رد میکنند، خواهان تشکیل یک مجمع از کلیه نمایندگان کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی میشوند.

نمایندگان کارگران با پوسه و گوشت و خون خود قوانین ظالمانه سرمایه داری را احساس میکنند، و خواهان لغو آن هستند.

عاقبت یکی از کارگران اعلام میکند که: ما با قانون کار مخالفیم و می خواهیم قانون بدست نمایندگان واقعی کارگران یعنی نمایندگان ۷ میلیون کارگری تهیه و تدوین شود.
در خاتمه نمایندگان کارگران -

های شرق سه خواسته زیر را مطرح میکنند:

- ۱- کارکنان لایحه اعلام کردن لایحه لغو سود ویژه
- ۲- تشکیل منظره تلویزیونی با وزیر کار،
- ۳- گرفتن وقت ملاقات با وزیرکار، معاون وزیر، خواست اول را امری مربوط به مجلس قلمداد میکند، خواست دوم را هم تحت عنوان خودتان تماس بگیرید از سرباز میکلندولی در اشرخشم و اعتراض شدید کارگران خواست سوم را قبول میکنند!!

* * *
نمایندگان شوراهای تصمیم میگیرند، ۱۵ روز بعد یعنی پس از ختم تعطیلات کارخانجات به اتفاق کارگران نشان به وزارت کار بیایند.

* * *
وزیرکار در جلسه کارکنان شوراهای شرق تهران شرکت نمیکند و آن را بی رسمیت نمی شناسد ولی در جلسه کارکنان همان هنگامی شوراهای اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی و کارکنان شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک شرکت میکنند و حتی در تلویزیون با آنها مناظره میکند، چرا؟

برای اینکه وزیرکار میدانند رهبری این دو کارکنان در دست جناحهای مختلف هیات حاکمه است. وزیرکار به خوبی میدانند رهبری این دو کارکنان کسانی چون ربیعی و کمانی، کاشا و وزیرکاران، نمایندگان واقعی کارگران نیستند و از موضع منافع کارگران حرکت نمیکند. در حالی که کارکنان شوراهای شرق از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل یافته و از منافع کارگران دفاع میکنند. به همین دلیل است که وزیرکار در جلسه کارکنان شوراهای شرق شرکت نمیکند و به همین دلیل است که چند روز بعد از این جلسه، ساختمسان کارکنان شبانه مورد حمله پاسداران قرار میگیرند و به اشغال در می آید و اموال آنها چیز آن به نفع سرمایه داران و دولت حامی آنها مصادره میشود. *

حزب خائن توده، دست در دست مزدوران حکومت!

حزب خائن توده، هواداران و مزدوران خود را برای حمله به نیروهای انقلابی، بسیج کرده است. حزب توده دست در دست پاسداران، چماقداران حزب اللهی در سر هر کوی و بزرگ به دهکده های نیروهای انقلابی و کمونیست حمله کرده و در شناسایی عناصر مبارز و انقلابی به کمیته های کمک میکند. این حزب خائن که ادعای رهبری طبقه کارگران را هم میکند، در همزاه با نیروهای ضد انقلابی، از پاک کردن شعارها و پاره کردن اعلامیه های گروه های انقلابی گرفته تا رفتار پلیسی و شناسایی آنها، شرکت میکند.

از جمله در جریان پاکسازی دیوارها ۷۰ - ۶۰ نفر دختر و پسر توده ای با اجازه شهرداری و کمیته مشغول پاکسازی درودیه راه های محله گودر سولی شدند، آنان در حالیکه با شور و شوق یک مزدور حکومتی آثار شعارها و اعلامیه های سازمان رزمندگان را محو میکردند ما پوستر "علیه آمریکا متحد شویم" خود را دست نخورده باقی گذاردند که در مقابل اعتراض کمیته ای ها مجبور به کندن آن نیز شدند!! همچنین در هفته اول مرداد، به بساط سه تن از رفقای هوادار سازمان پیکار در تهران نیاز نزدیک شده و با فریب "الله اکبر" دست به تحریک مردم زده و پاسداران و کمیته ای ها را خیر میکنند رفقا که جورا چنین می بینند کتابها و نشریات را جمع کرده تا آن محل را ترک کنند اما با مخالفت و هیاهوی توده ای ها، یکی از رفقا دستگیر و به کمیته برده میشود.

آری حزب خائن توده این سازمان ضد انقلابی و ضد خلقی که به تا زگی از جانب سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) به لقب ضد امپریالیست و مترقی مفتخر شده است، دست در دست عمال مزدور حکومت، به سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست میپردازد. اما دیر نیست زمانی که مبارزات توده های قهرمان ما با ریدیکراسی حزب خائن توده و تمام می فرزندان ورهبران راهش را به زباله دان تاریخ بفرستد.

کارگران چون گوهی استوار در مقابل لغوسود ویژه ایستاده اند!

(قسمت دوم)

در شماره قبیل مواضع حزب جمهوری اسلامی و رهبران کانون هماهنگی شورا - های اسلامی وابسته به حزب راه در رابطه با لغوسود ویژه بررسی کردیم و نشان دادیم مخالفت آنها دروغین و فریب کارانه است. حال ببینیم شورای انقلاب و وزیر کار برای عمل ضد کارگری لغوسود ویژه چه دلایلی می آورند و دلیل واقعی لغوسود ویژه چیست ؟

دلیل اول : رفع تبعیض - وزیر کار در مصاحبه با خبرنگاری پارس گفته است : " این قانون حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر را شامل می شود ، در حالی که جامعه کارگری ۴ الی ۶ برابر این رقم است . بنا بر این این قانون یک تبعیض بود ."

مصاحبه وزیر کار - اطلاعات چهارشنبه ۱۵ مرداد .
وزیر کار میگوید چون ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر سود ویژه میگردند دولتی بقیه نمیگرفتند پس ما سود ویژه را لغو کردیم . اینست رفع تبعیض گردانندگان جمهوری اسلامی !
رفع تبعیض به نفع سرمایه داران و استثمارگران دولتی و خصوصی !

با این شیوه رفع تبعیض ضد کارگری ، رژیم میتواند تمام مزایای کارگران را لغو کند و دستمزدها را به حد حداقل برساند . مثلاً چون همه کارگران حق مسکن نمیگیرند پس برای رفع تبعیض به هیچ کس حق مسکن نباید داد . چون حداقل دستمزد کارگران ۶۷۵ ریال است پس دستمزد تمام کارگران را باید تا این مقدار کاهش داد . آری رژیم جمهوری اسلام می رفع تبعیض میکند . اما نه به نفع کارگران بلکه به نفع سرمایه داران و دولت سرمایه داری .

سود ویژه بخشی از دستمزد مسلم کارگران است ، دولت اگر میخواهد (که به علت ماهیت ضد کارگری خود هرگز نمیخواهد) در جهت منافع کارگران و رفع تبعیض گام بردارد نباید به کارگرانی که

هنوز موفق نگرفتن " سود ویژه " نشده اند سود ویژه میداد دولت اگر دلسوز کارگران بود که هرگز نیست (بایستی به کارگران میگفت سود ویژه بخشی از دستمزد شماست و کارفرمایان باید مبلغ سود ویژه را به پای حقوق کارگران اضافه نمایند .

از نظر رژیم جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای سرمایه داری رفع تبعیض یعنی سرکشان کردن فقر و محرومیت هرچه بیشتر بین کارگران ، و زدیدن هرچه بیشتر از دسترنج کارگران و تقدیم نمودن به سرمایه داران و مفت خوران . کارگران باید بدانند تا وقتی که حکومت دست سرمایه داران را رها نکند ، آنهاست طبقه کارگر به خواسته ها و نیازهای خود دست نخواهد یافت . و امتیازاتی را هم که بنا بر مزایای خود بدست می آورند موقتی و قابل پس گرفتن میباشد ، تنها با نابودی حکومت سرمایه داران ، تنها با برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان که تنها حکومت حامی منافع آنهاست خواسته ها و نیازهای مادی و معنوی کارگران برآورده میشود .

دلیل دوم : شاهنشاهی بودن قانون " سود ویژه " - وزیر کار گفته است : " در جهت محو آثار طاغوت . . . با این نتیجه رسیدیم که این قانون تا مین کننده منافع کارگران نیست و باید لغو شود . " وزیر کار ، کیهان سه شنبه ۱۴ مرداد .

در رژیم شاه خائن اینگونه تبلیغ میکردند که هرچه کارگران و توده های ستمدیده با مبارزات خود بدست آورده اند ، از لطف ملوکانه شاه بوده است . حال وزیر کار جمهوری اسلامی هم همان تبلیغات آریامهری را میکند . و تحت عنوان " طاغوتی بودن " سود ویژه " بخشی از دستمزد کارگران را از چنگ آنها در می آورد و به جیب سرمایه داران مفت خور میریزد .

ولی تمیز سود ویژه و تمامی امتیازاتی که کارگران در سطح جهان و ایران

مجموعه سیاست ها و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی و فقر و محرومیت هرچه بیشتر کارگران ، با ردیگر این اصل مسلم ثابت می نماید که نبود سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و برآورده شدن نیازهای آنها در یک جا مع سرمایه داری تحت هر نام و پوشش که باشد امکان پذیر نیست .

بدهت آورده اند حاصل مبارزات خونین ، اعتصابات و قیامهای کارگران در ایران و جهان بوده است . و رژیم های سرمایه داری تحت فشار مبارزات کارگران و برای خاموش ساختن شعله خشم کارگران تن به بعضی از امتیازات داده و میدهند . قانون ۸ ساعت کار را سرمایه داران به میل خود تصویب نکردند ، بلکه مبارزات خونین و گسترده کارگران ، آنها را وادار به قبول آن ساخت . حق مسکن را سرمایه داران و رژیم شاه " عطا " نکردند ، بلکه کارگران با مبارزات خود از حلقوم سرمایه داران و رژیم حامی او بیرون کشیدند .

گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی با قانون آریامهری و آثار آن مخالفت هستند ولی نه از آن جهت که آنرا ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد کارگری میدانند ، بلکه از آن جهت که آن را " فریادی " مترقی و انقلابی و به نفع کارگران میدانند !! رژیم جمهوری اسلامی خیلی دلش میخواهد تحت عنوان " طاغوتی بودن " ۸ ساعت کار ، سود ویژه ، حق مسکن ، حق اولاد ، خواربار و مرخصی و . . . کارگران را لغو کند و شرایط ۱۰۰ سال پیش را به کارگران تحمیل نماید . ولی گردانندگان رژیم با دیدگوشه ایشان را باز نکنند ، و بدانند که همان طبقه کارگری که ۸ ساعت کار را بنا زور به رژیم شاه تحمیل کرد ، همان طبقه کارگری که با زور مبارزه " سود ویژه " حق مسکن و . . . را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشید ، توانایی بیرون کشیدن حق خود را از حلقوم رژیم جمهوری اسلامی هم دارد .

آری ، رژیم جمهوری اسلامی سود ویژه کارگران را لغو میکند . و با این کار دستمزد کارگران را کاهش میدهد . برای اینکه در سالهای گذشته متوسط سود ویژه کارگران ۳/۵ ماه بوده است (سود ویژه برداختی در بیشتر کارخانه ها بین ۲ تا ۵ ماه بوده است) با توجه به اینکه

معمولا کارگران در سالهای قبل حداقل یکماه به عنوان پاداش وعیدی دریافت میکردند، با لغو سود ویژه ۲/۵ مساه از دریافتی آنها کم شده است و تنها یک ماه پاداش به آن اضافه میگردد، یعنی به طور متوسط ۲/۵ ماه حقوق از مجموع دریافتی سالانه کارگران کسر گردیده است. خواست اصلی دولت هم همین کسر شدن مبلغ دریافتی کارگران بوده است و نه چیز دیگری.

دلیل سوم: لغو قانون به سود سرمایه داران نیست - وزیر کار گفته است: "جمعاً ۸۰٪ صنایع ملی شده و مدیریت آنها را دولت به عهده دارد پس بیان این مطلب که لغو این قانون به نفع سرمایه داران نادرست میباشد" مصاحبه وزیر کار رکیسان شنبه ۱۴ مرداد.

وزیر کار با این حرفهای ضد کارگری میخواهد ما هیت استثمای کارگران و سرمایه داران را دولت را بیوشاندد و بخش اول این مقوله ما گفتیم که به علت ما هیت سرمایه داران نه دولت جمهوری اسلامی، دولت خود بزرگترین سرمایه دار و بزرگترین چپاول گرواستثما رگردسترنج کارگران است. و گفتیم برای کارگران هیچ فرقی ندارد که دسترنجشان بوسیله یک سرمایه دار خصوصی غارت شود یا یک کارفرمای دولتی.

دلیل چهارم: رکود در تولید و نجات کارخانجات و سود آوری و ساختن آنها - "یک مقام بلند پایه اظهار داشت که این مصوبه بغا طرنجات کارخانجات و کارگاههای کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است، اگر این کار نمیشد سود ویژه پرداختن به کارگران تخفیف پیدا نمیکرد، بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهد پرداخت وجوهات لازم بپردازند. روزنامه جمهوری اسلامی.

این مقام بلند پایه در حقیقت به دلیل لغو سود ویژه اعتراف کرده است. برای نجات اقتصاد سرمایه داری وابسته

و سود آوردن کارخانجات و راه انداختن چرخهای زنگ زده سرمایه داری وابسته با بیداری فتنی کارگران کاهش یابد. رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت سرمایه دارانه خود حفاظت از نظام سرمایه داری وابسته را به عهده گرفته، با تمام نیرو میکوشد ضرباتی که قیام و عوارض ناشی از آن به سیستم وارد ساخته است جبران سازد و شرایط و امنیت مناسب و مطلوب را برای سرمایه داران (داخلی خارجی، دولتی و خصوصی) و سود آوری -

که حتی اگر فرض کنیم رژیم بتواند به قیمت فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران شرایط مناسبی برای "سرمایه" فراهم سازد و با اصطلاح بتواند چرخ تولید را به بیاندازد، و امنیت سرمایه داران و سرمایه داری را فراهم کند، تازه میشود مثل دوران شاه در سالهای قبل یعنی استثمای کارگران و چپاول کردن دسترنج آنها و سرکوب منظم کارگران.

مجموعه سیاستها و عملکردهای رژیم

طبقه کارگرمزمن اینک برای مبارزه نهایی ورها ساختن خود آماده میشود با بدبها هرگونه کاهش دستمزود دریافتی کارگران قاطعانه مبارزه نماید.

ختن "سرمایه" فراهم سازد. هوار، هو از گردانندگان جمهوری اسلامی و در رأس آنها بنی-صدر در مورد "امنیت"، تولید بیشتر و مصرف کمتر" و غیره به همین خاطر است راه انداختن چرخهای اقتصاد سرمایه داری و فراهم آوردن "امنیت" لازم به نفع طبقه سرمایه دار و چپاول گر، به قیمت فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، به قیمت سرکوب مداوم آنها، به قیمت کاهش سطح دستمزود دریافتی کارگران!

بله! رژیم جمهوری اسلامی با روزه-بینه اصلی فراهم آوردن شرایط مناسب و امکانات اقتصادی لازم برای "امنیت" و سود آوری سرمایه دار به راه بدوش کارگران میانند. اضافه حقوق ۰۸ ریال (۱۲٪) در مقابل نرخ تورم و گرانی بیش از ۶۰٪ - کاهش حق مسکن و بعضی مزایای کارگران، گردن زدن و گوشت و سیگار و سایر مواد مورد نیاز کارگران و زحمتکشان که در انحصار دولت است و آخرین آنها لغو سود ویژه، حلقههایی هستند از زنجیر فشار اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی بر روی کارگران و سایر زحمتکشان.

گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی میخواهند خواست و مطلوب خود و طبقه سرمایه دار روسایر مفت خوران جامعه را خواست مطلوب کارگران جا بزنند، در حالی

جمهوری اسلامی، فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران، با ردیگر این اصل مسلم را ثابت می نماید که بهبود سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و برآوردن نیازهای آنها در یک جامعه سرمایه داری تحت هر نام و شکل و پوشش که باشد، امکان پذیر نیست. بهبود سطح زندگی اقتصادی و برآوردن نیازهای کارگران و زحمتکشان ایران تنها با نابودی نظام سرمایه داری و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان، امکان پذیر است کارگران باید برای این هدف آماده شوند و سلاحهای لازم را برای انجام این کار یعنی سلاح آگاهی طبقاتی و سلاح تشکیلات را مهیا سازند.

اما طبقه کارگرمزمن اینک برای مبارزه نهایی ورها ساختن خود آماده میشود با بدبها هرگونه کاهش دستمزود دریافتی کارگران قاطعانه مبارزه نماید. بدون تنها به سطح دستمزود دریافتی سابق که به هیچ وجه کفاف نیازهای اولیه کارگران را نمیدهد، اکتفا نکنند، بلکه شرایط دستمزود و کار را بهتر را بخواهند. بطور مشخص کارگران باید با کم شدن سطح دستمزود دریافتی خود از طریق لغو سود ویژه به شدت مقاومت نمایند و برای لغو تصویب نامه شورای انقلاب مبارزه کنند.

* * *

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!



*** - کارگران کارخانه**

آلومینیوم سازی کدخواه که عضو شورای متحد بوده و هفتصد نفر هستند از روز دوشنبه ۵ مرداد با شنیدن خبر لغو سود ویژه دست به اعتصاب زده و در محفل کارخانه متحصن شده اند. کارگران مبارز این کارخانه در سال ۵۸ بر سر مسئله سود ویژه ۲۱ روز اعتصاب داشته اند. کارفرما قصد اخراج تعدادی از کارگران را داشت که با مشاهده آنها در کارخانه کارگران عقب نشینی میکنند.

*** - روز ۱۴ مرداد ۵۵ تا ۶۰۰ نفر از رانندگان و کبک رانندگان ماشین سنگین در مقابل نخست وزیری سابق، دفتر بنی صدر متحصن کرده اند. مضمون پلاکاردهای این اعتراض به بیکاری چندین ماهه شان بوده است.**

*** - در کارخانه مینو -**

از بعد از جریان گروگان گیری خروشا هی شورای کارخانه تعطیل بوده است. ماه گذشته انتخاب نمایندگان برای تشکیل شورا دوباره آغاز شد اما این نمایندگان قسمت قسمت انتخاب میشدند و کارگران مبارز به این شیوه انتخابات که مانع شناخت نمایندگان قسمت های مختلف کارخانه میشود، مخالفت و در بعضی از قسمت ها انتخابات را تحریم کرده اند.

*** - کارگران شرکت ساختمانی پورسا از روز ۱۱ تیر متحصن شده اند و تحصن آنها تا ۱۵ مرداد ادامه داشت علت تحصن کارگران اخراج ۸۵ نفر از ۲۰۰ شرکت ساختمانی بوده**

*** - با اواخر بعد از درخو -**

استهای مکرر انجمن اسلامی بخش چگنی، جهاد سازندگی لرستان و حزب جمهوری اسلامی خرم آباد مبنی بر انحلال آموزش و پرورش بخش چگنی، روز ۱۷ مرداد، انحلال آموزش و پرورش بخش چگنی از سوی فرماندار خرم آباد اعلام شد. بخش چگنی یکی از بخشهای تابعه شهرستان خرم آباد میباشد. و علت انحلال آموزش و پرورش آن وجود شورای معلمان بخش چگنی است، که مترقی بوده و از خواستهای صنفی و سیاسی معلمان آن بخش و سایر مناطق پشتیبا - نی میگرد. تعدادی از معلمان نیز توسط هیئت پاکسازی اخراج شده اند که نفوذ بسیاری در میان مردم و دانش آموزان دارند.

*** - بدینال موج تصفیه در ادارات و وزارتخانه ها اخیرا صد نفر از معلمان گنبدرا اخراج کرده اند.**

*** - در پی هجوم گسترده**

فالانزها و مزدوران حکومتی به شهرهای مازندران و گیلان، شب جمعه ۱۰ مرداد ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر فالانز از به شهریه ساری میآورند، که با شعارهای "حزب الله پیروز است، منافق نابود است" و "حزب فقط حزب الله" به دکه ها و بساط های مجاهدین حمله میکنند و طبق معمول به سوزاندن کتابها و جزوه ها دست میزنند. درگیری از ساعت ۱۰ شب تا ۳ صبح ادامه داشت که در آن مجاهدین در مقابل این هجوم وحشیانه سرسختانه مقاومت میکنند. در این جریان چند تن از هواداران مجاهدین چاقو میخورند. و یک رستوران که روبروی دفتر سابق مجاهدین واقع شده با این بهانه که متعلق به منافقین است به آتش

*** - روز دوشنبه ۲۰ مرداد**

سه نفر با در دست داشتن حکم دادستانی جهت بازدید و تفتیش به دانشگاه آزاد گنبد می آیند. در این روز مربیان دانشگاه جهت شرکت در سمینار انقلاب فرهنگی به تهران رفته بودند و تنها مسئول کتابخانه در دانشگاه حضور داشت. این سه نفر تمام اتاقها، کتابخانه و حتی کشورهای میزکار رکنان را تفتیش میکنند و بسیاری از اشیاء را ضبط کرده یا خود میبرند. و در مقابل اعتراض کتابدار به چنین تفتیش فاشیستی خود کتابدار را نیز دستگیر میکنند.

*** - طبق اطلاع رسیده حدود**

۱۶۰ نفر از کارآموزشی و اداری دانشگاه مشهد مسعود صفیه قرار گرفته اند.

*** - مقدار معتنابهی پول**

و اسلحه بین سران و کدخدایان عشا بیرختیاری توسط عوامل فئودال عشا بیرختیاری تقسیم شده است.

*** - صبح جمعه ۱۷ مرداد**

یکی از اعضای فعال جنبش معلمان مسلمان، مجاهدین علی فلاحپور در حالیکه به اتفاق یکی دیگر از مجاهدین سوار بر موتورسیکلت از یکی از خیابانهای قائم شهر عبور میکرد، بعلمت پیچیدن ناگهانی یک پیکان زرد رنگ بی شما ره در جلو آنها که منجر به برخورد با چراغ برق میشود به شهادت رسیده و رفیقش نیز به شدت زخمی و بیهوش میشود. نیروهای انقلابی قبلا نیز این پیکان بی شمار را در حال گشت زنی در شهر دیده بودند. صبح شنبه تشیع جنازه شهید با جمعیت انبوهی از مردم شهر هواداران سازمان مجاهدین درسرا - سرشهرهای مازندران از بیما - ستان "ولی عمر" آغاز شد. تمام نیروهای انقلابی در این تشیع جنازه شرکت داشتند. در هنگام عبور جمعیت از مقابل دفتر

سنگ به سمت جمعیت پرتاب شد. این ترور ضد انقلابی توسط سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر حوزه مازندران، راهکارگر و دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست محکوم شد.

*** - ساعت ۶ روز دوشنبه**

۶ مرداد پادساران با اونیفورم ویژه و به همراه افراد جهاد سازندگی ۴ دکه کتابفروشی را در آبادان دزدیدند. این دکه ها متعلق به سازمان پیکار و سازمان رزمندگان بوده است. رفقای صاحب دکه ها بلافاصله در محل دکه های ریخته شده میگردیدند اما فعالیت خود را از آغاز کردند. تعدادی از رفقا نیز متهم های افشاگری در مورد این دزدی و قبحا نه تهیه و بنا مردم به بحث و گفتگو میبردند. ختند مردم یکپارچه این دزدی بی شرمانه پادساران را محکوم و از نیروهای انقلابی حمایت کرده و به آنان کمک مالی میکردند. کارگزی با دستمال پینه بسته چند تومان در صندوق انداخته و در روز بعد رفقای هوادار سازمان در این محل به عنوان اعتراض به این یورش پادساران تظاهراتی برپا کردند و شعار میدادند: "دزدیدن دکه ها توسط ارتجاع محکوم است، محکوم است برای حل بحران زحمتکشان باید حکومت کنند" "عامل هرگرانی، عامل هر بیکاری دولت سرمایه دارا

*** - ۲۸ نفر از کارگران**

مبارز و آگاه قسمت آرماتور بندری و تخته بندی سیمان ری را از کارخانه اخراج کرده اند. در مقابل این عمل ضد کارگری ۳۰۰ نفر از کارگران استعفا کرده اند و کارفرما نیز با سوء استفاده از صف عظیم بیکاران استعفا آنها را قبول کرده و از کارگران بیکار را استخدام کرده است. تولید کارخانه بعلمت نا واردی کارگران به ۱/۳ تقلیل یافته ۳۰۰۰ کارگر اخراجی به دفتر بنی صدر شکا بست کرده اند (در صورت رسیدن خبر جدید، جریان و علل دقیق تر است).

این هیات حاکمه، از افشای فاجعه چراهراس دارند؟!

بقیه از صفحه ۱

پوشانده بود، به آتش میکشند، تمام خیابان از جمعیتی موج میزند که در هر گوشه، در اجتماعات کوچک و بزرگ جمع شده اند. عد- های از بازماندگان مجروح که شب را در بیمارستان گذرانده اند، حالا با سروصورت پانسمان شده، خود را به جمعیت میرسانند. کم کم فریاد شعارها از گوشه و کنار به آسمان برمیخیزد. مرگ بر ارتجاع! مرگ بر پاسدار! حمله به بازمانده، بدست پاسداران محکوم است، محکوم است! بازمانده، بازمانده حمایتت میکنیم! یکی از بازماندگان، در گوشه ای از خیابان، آخرین اطلاعیه ای را که درهما نروز صادر کرده اند، بصدای بلند برای مردم میخواند و آن‌ها برای راهپیمایی غروب دعوت میکند.

پاسداران با تفنگ های آمریکایی خود به جمعیت حمله میکنند. شلیک تیر هوایی، دود آشنای باروت را در هوا مینماید. سرانجام جنگ و گریز خاتمه مییابد و مردم پراکنده میشوند. آن‌ها خود را برای تظاهرات غروب آماده میکنند.



از حوالی غروب، شهر آبادان حال هوایی دیگر دارد. مردم از هر سوبه سمت اداره دارایی می آیند فرزندان دلیر شهسوار، خود را برای حمایت از بازماندگان شهدای قهرمان آبادان، آماده کرده اند. اولین شعارها با نفیر گلوله هم آواز میشود! پاسداران که اینبار مژگشتی چماق را هم به همراه خود آورده بودند، به مردم حمله ور میشوند. اما مردم بیدی نیستند که از این بادها بلرزند! مردم در مقابل این حمله های سبعانه، مقاومت جانانه ای را سازمان میدهند. پاسداران مسلح از یک سو و پاسداران بالباس شنمی از سوی دیگر، یکی با تفنگ و دیگری با چماق مردم را به با حمله میگیرند. در این میان، بازماندگان که خود مستقلا از جلوی سینما سهیلا بقصد سینما رکس راه افتاده اند، به محل حادثه میرسند. کوجه ها و خیا با آنها سرشار از جمعیت است. دیری نمیگذرد که یک راهپیمایی با شکوه، در حالتیکه صدای رعد آسای مردم خشمگین تمام شهر را پوشانده است، برآه میافتد: این است آزادی ما، گلوله برسینه ما! پاسدار، پاسدار، عامل قتل و کشتار! جان دادیم، خون دادیم، که حقمان بگیریم، نه حقمان بگیرند!

حدود ساعت ۱۰ شب، راهپیمایی به پایان میرسد. از این ساعت به بعد در بسیاری از نقاط شهر، جوانان دلیری که کاسه صبرشان لبریز شده است، به پریا کردن تظاهرات موضعی میپردازند. آنشب آبادان در آتش این خشم میسوزد!



صبح فردا که بمناسبت ۱۹ رمضان شهر تعطیل است، مردم دسته دسته به سمت گورستان میروند و در پایان مراسم با شعارهای

اشک تمساح میریزد و از سوی دیگر، با مزدوران مسلحش به تحصن برحق بازماندگان این فاجعه حمله کرده و وحشیانه آن‌ها را از محل تجمعشان میپراکند. حکومت، که اینک قریب دو سال است برای تدارک محاکمه مسببین فاجعه سینما رکس، بازمانده گان دلسوخته شهدارا، سردوانیده است، و بویژه حدود سه ماه ونیم است که در مقابل تحصن معترضان این بازماندگان عاجزانسه مهرسکوت بر لب زده است، اینروزها در کنار با صلاح ادای احترام شهدای سینما رکس، خانواده های مبارزانها را با حمله گرفته است.

روزی از دم مرداد در حالیکه یادی حکومت، ما م جمع و فرما را، شهر، با پیام ها و اطلاعیه های خود، بازماندگان شهسوار را برای شکستن تحصن، تهدید کرده بودند، در نیمه های شب، ناگهان بیش از دو بیست پاسدار مسلح به رهبری حاکم شرع به اداره دار- ایی - محل تحصن بازماندگان - یورش برده و با وحشیگری بی نظیری آنان را با دکتک گرفته و از محل خارج میکنند. اما چون با مقاومت بازماندگان روبرو میشوند، به شگرد سیعانه تری متوسل شده و آنان را با زور سرنیزه به داخل مینی بوس میریزند و در بیا- با نه ای اطراف شهر پیا پیاده میکنند. آن‌ها زنی را با فرزند خردسالش در بیا با نه ای نزدیک گورستان شهر به بیرون پرتاب کرده و به او میگویند: "شما که طرفدار خلق هستید، بروید پهلوی خلقتان بخو- ابید! بازماندگان مبارز شهدای سینما رکس، خشمگین از اینهمه ددمنشی، همان شبانه در خیابان نه ای شهر دست به راهپیمایی زده و این اعمال کثیف را افشاء میکنند. مردم که وحشت زده از خواب پریده اند، به تظاهرات میپیوندند. پسران و مادرانی که هر کدام در فاجعه سینما رکس چند فرزند خود را از دست داده بودند، با چهره های برفروخته و مژگن های گره کرده، در حالیکه از مبارزه رودر رو با پاسداران مزدور و مسلح، لباس های پاره و خون آلود برایشان بجای مانده است، در پیشاپیش جمعیت حرکت میکنند. آن‌ها فریاد میزنند: مرگ بر پاسدار حاکمی سرمایه دار! حمله به بازمانده حمله به انقلاب است!

مردم خشمگین شهر، تمام شب را، چون رودی خروشان در خیابان نه ای شهر میگردند و فریاد عیانی نشان، پشت ارتجاع را می لرزانند! در اولین ساعت های صبح، خبر به سرعت برق در تمام شهر میپیچد و حرکت آغاز میشود. آنروز تمام راهها به خیابان شهرداری ختم میشوند! اینجا میعادگاه شهدا، محل تحصن بازماندگان آن‌ها و کانون تجمع انقلابیون و افشاگری است. هر لحظه بر تعداد جمعیت اضافه میگردد. پاسداران و پاسبانها، مسلح، درون و بیرون اداره دارایی را اشغال کرده اند و مقواهای افشاگری با- زماندگان و نیروهای انقلابی که تا دیروز در دیوار منطقه را

برق را باد جمه‌وری دمکراتیک خلق!

قیمت از صفحه ۷

این هیات حاکمه ...

چون با زمانده زندانی آزاد با بد کرده! مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا! راهپیمایی میکنند.



روز ۱۶ مرداد، مردم آبادان با ردیگر بدعت با زماندگان دربار زار جمشید آباد جمع میشوند. رادیو تلویزیون حکومت این تظاهرات را غیر قانونی (!) اعلام میکند. اما مردم دلیر شهر قانون انقلابی خود را جایگزین قانون های ضد انقلاب میکنند. حکومت مطابق معمول این اقدام را عملی از جانب گروه های وابسته و مزدور که پشت نقاب خانواده شهدا پنهان شده اند!! قلمداد میکند. اما خود نیز به بی اعتباری حرفهایش واقف است. زیرا با دست دیگرش - که پاسداران مسلح و مزدوران حزب الهی با شدند - به جمعیت تظاهرات کننده با شلیک گلوله و گاز اشک آور حمله میبرد و این بار هم تعدادی از مردم بشدت مجروح میشوند. جمعیت بطرف کوچه های اطراف میدود و مردم درهای خانه هایشان را بر روی جمعیت میگویند. اما چند لحظه بعد تعرض جمعیت دوباره آغاز میشود. مردم با مشت های گره کرده و عزمی راسخ فریادکنان به خیابان می آیند و در همین زمان به جمعیتی که از گورستان راهپیمایی کرده و به آنجا رسیده است، میپیوندند. دوباره صدای خشمگین خلق، پرده تاریک شب را میدرد و آسمان آبادان را بلرزه میاندازد. فریادهایی که حکومت خود را در مقابلشان حقیر و عاجز مینماید:

این هیات حاکمه از افشای فاجعه، چرا هراس دارد؟! □

مبارزه با زماندگان با سرسختی ادامه دارد... *

قیمت از صفحه ۲

ضد انقلاب ...

وضع نیست.

اما از طرف دیگر نیروهای مزدور امپریالیسم نمیتوانند با یک کودتا، خرده بورژوازی را از حکومت رانده و به تنهایی و با تشبیت حکومت مزدور آمریکا به سرکوب انقلاب مشغول گردند. رشد روزافزون مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، مسلح بودن مردم در بخش هایی از ایران، وجود نیروهای انقلابی و کمونیست مسلح، در کنار وجود سپاه پاسداران که در صورت وقوع کودتا از موضع ارتجاعی با مزدوران مستقیم امپریالیسم به جنگ برخاسته و خواست، چشم انداز جنگ داخلی را در مقابل ما خواهد گشود.

مسلح کردن عشار در جنوب فرستادن عناصر مزدور به کردستان سرآغاز زنادارگی برای یک جنگ داخلی است. جنگی که در صورت وقوع قدرت گیری کارگران و زحمتکشان را در دسترس روز کمونیست ها و نیروهای انقلابی قرار داده و سازماندهی توده های مسلح و جذب کارگران و زحمتکشان به قطب پرولتری را به عنوان وظیفه ای بلافاصله مطرح خواهد کرد. زیرا این تنها توده های مسلح تحت رهبری طبقه کارگر و همراه با نیروهای انقلابی هستند که میتوانند با مبارزه با تمامی دشمنان مزدور حکومت کارگران و زحمتکشان را برقرار و برای همیشه به سلطه سرمایه داران و ارتجاع و امپریالیسم پایان دهند! ●

قیمت از صفحه ۱۵

اخبار کردستان ...

معمولا تعداد زیادی از کارگران و روستائیان ودانش آموزان و مردم، برای حل مشکلات یا طرح مسائلشان به مقر کومه له سر میزنند. بمب گذاری در مقابل مقر کومه له به احتمال قوی کار همان دارنده است که قبلا دونفرشان توسط کومه له دستگیر و در یک دادگاه خلقی محاکمه شده اند.

سندج:

۱۷ مرداد: سه روز است که بعنوان اعتراض به اعدام ۹ نفر از مبارزین مغازه های شهر سندج بسته شده است.

سردشت:

بدنبال تحریکات نظامی حزب دمکرات علیه روستائیان منطقه و پیشمرگان کومه له، پیشمرگان کومه له شروع به گشت سیاسی در دهات حومه سردشت نموده اند. در این جریان اجتماعات بزرگی در شهرک ربط، روستاهای امیر آباد (میرثاوی) و اووان و دیگر روستاهای منطقه ترتیب داده و برای مردم سخنرانی نموده اند. سخنرانان کومه له همه جا از موضع خود در مورد جنبش مقاومت و حزب دمکرات سخن گفته و از مردم میخواهند که با این اعمال حزب دمکرات را محکوم کرده و او را وادار کنند که از ایجاد دزدگیری دست برداشته و بجای آن نیروهای خود را به جبهه مقاومت در برابر سرکوبگران خلق اختصاص دهد. (کوتاه شده) نقل از خبرنامه کومه له



* - صبح روز ۱۸ مرداد تعدادی از کارگران بیکار پروژه ای گچساران در جلوی شهرداری اجتماع کرده و خواهان کاهش شهربداری بلافاصله زانندار مری راه "کمک" طلبید و تعداد زیادی زانندار م مسلح که هر یک ۵ خشاب تیتر داشتند به شهرداری آمدند. به زانندار مری گفته شد کارگران به شهرداری حمله کرده و شیشه های آنجا را شکسته اند. کارگران از این دروغ، بشیرمانه و مسلح شدن زانندار مری بسیار خشمگین شدند و بطرف اداره مرکزی گچساران راهپیمایی کردند.

* - بعد از قیام بخشدار دهات "چشمه نادی" در اطراف ورامین، زمین های مالک ده را بین عده ای از روستائیان که زمین نداشتند تقسیم کرده و ۲۰۰ خا نوار ۱۰۰ هکتار را با هم کشت و برداشت میکنند. سپس از مدتی مالک زمین ها که می بینند، ساواکی ها آزادند فتوالاتها و وضعیتان خوب شده و به زمین هایشان بر میگردند، تصمیم میگیرند به بیایدویک آخوند را با خود میآورد، و قبلا هم ترتیبی میدهد که بخشدار را عوض کنند، آخونده به میان روستا - ثیان آمده و به مردم میگوید که "بله بخشدار کمونیست بوده، این زمین ها شرعی نیست و باید به صاحبش برگردند". روستائیان هم در مقابل این حرفهای سر - اپادروغ و نیرنگ آخونده و مالک را مفضلا کتک زده و بخشدار را هم به سرکار خود بر میگرداند - بند!

* * *

اول مهر نزدیک است!

در پی توطئه با صلااح "انقلاب فرهنگی" بستن دانشگاهها، اینک که یکماه به بازگشایی مدارس باقی مانده است رژیم برای بسط این انقلاب کذایی به معلمان و دانش آموزان پرداخته است. آنها که مبارزات پرشور معلمان و دانش آموزان را در سال تحصیلی گذشته برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب فراموش نکرده اند، اینک قصد دارند با اخراج معلمان مبارز و تارومار کردن دانش آموزان از این مدرسه به آن مدرسه و اعمالی از این قبیل از هم اینک جلوی مبارزات خلق را بگیرند. رژیم جمهوری اسلامی و وزیر آموزش و پرورش بغایت ارتجاعی اش - رجایی - که اکنون با یاری حزب جمهوری اسلامی به نخست وزیری رسیده است، از تصویب هیچ قطعنامه ضد دموکراتیک و انجام هیچ عمل سرکوبگرانه و ارتجاعی در رابطه با مبارزات دموکراتیک دانش آموزان و معلمان خودداری نکرده و نمیکند.

تصفیه معلمان مبارز و انقلابی که از همان آغاز سال تحصیلی ۵۸ - ۵۹ آغاز شده بود در تمام مدت تابستان ۵۹ ادامه داشت و قطعنامه های رنگ و وارنگ برای معرفی این عناصر مبارز که حاضر به سرسپردگی به رژیم جمهوری اسلامی و فریب شاگردانشان نبودند، صادر گشته در این قطعنامه ها به جاسوسان قول داده میشد که نامشان هیچگاه فاش نمیشود و به آنان رهنمود میدادند که "انها ٹیکه ضد اسلام هستند و بهتر عنوان میکوشند تا افکار دانش آموزان را منحرف سازند (۱؟). آنها ٹیکه با اعمال و رفتار خود میخواهند به انقلاب اسلامی لطمه بزنند و مسلمین و مردم را نسبت به اسلام بیزار و بدبین کنند" و خلاصه هر کس که سرسوزنی از جمهوری اسلامی انتقاد کرد، معرفی کنی تا آنها را اخراج کنیم. (نامه شماره ۳۲۷۹۷/۱ ۵۸/۱۱/۲)

اما معنی این حرفها را دیگر بیشتر

مردم ایران میدانند. حکومتی که تمام نیروی خود را برای حفظ نظام پیوسیده سرمایه داری وابسته بکار گرفته است تمام مبارزان و مخالفان رژیم سرمایه داری را با حربه اسلام میکوبد. و از این حربه برای تمامی اعمال جنایتکارانه، سرکوبگرانه و ضد انقلابی در جهت منافع ضدمردمی خود استفاده می نماید. چنین است که به خشنابه های جاسوس پرور حکومتی تحت لوای این جملات ریاکارانه، انقلابیون راستین را، کارگران و زحمتکشان را، معلمان و دانش آموزان مبارز را سرکوب مینماید. اینان خوب میدانند که نقش یک معلم انقلابی و مبارز در زندگی و مبارزه دانش آموزان شاگانه بسیار مهم و موثر میگردد. راه شاگردان رفیق صمدبهرنگی، شاگردان رفیق بهمن عزتی و رفیق عبداالله قزل و مبارزه آنان با تمام مزدوران و حامیان حکومتی سرمایه داری این آقایان را به وحشت می اندازد، و از این روست که رژیم جمهوری اسلامی دهها تن از مبارزترین و دلاورترین معلمان از قبیل گرجی بیانی، بهمن عزتی، عبداالله قزل، عزیزیان (دبیر سیرجانی که بعزت فروش و پخش نشریات انقلابی دستگیر شد) را به جوخه اعدام سپرده است. و از این روست که حزب جمهوری اسلامی شب و روز فریاد میزند که باید معلمان "مکتبی" باشند و حتی تحمل دیدن هواداران رقیب و همپالگی خود بنی صدر را ندارد.

آموزشگاه های تربیت معلم در سال گذشته از ضد دموکراتیک ترین محیط ها بوده و انواع قوانین فاشیستی بر آن حکومت داشت تنها روزنامه ای که در آنجاها خوانده میشد، روزنامه جمهوری اسلامی بود انجمن های اسلامی در رابطه با سپاه پاسداران و در پی انجام وظیفه ضدمردمی خود هر کس را که به جستجوی اینک

آگاهی میشتافت، بیرون میکردند. استخدام در آموزش و پرورش با سئوالاتی که بسیاری از آنها تفتیش عقاید همراهم بود و درخواست کنندگان برای استخدام میبایست از هفت خوان رستم رد شوند!

اینک بعد از ۱۸ ماه اعمال فشار و سرکوب در تمام عرصه ها و از جمله در آموزش و پرورش که به حق، همواره یکی از مهمترین محیط های مبارزه چو در رژیم شاه و چند رژیم جمهوری اسلامی بوده است و بعد از تصفیه نزدیک به ۱۵۰۰۰ آموزگار و دبیر که بسیاری از آنان از مبارزترین و انقلابی ترین فرزندان میهن بوده اند، با نزدیکی شروع سال تحصیلی، فشارها افزایش یافته است.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به جای حل مشکلات واقعی دانش آموزان از قبیل کمی معلم، وجود کلاس های پر جمعیت، نبود مدارس در بسیاری از روستاها و کشورهای، نبود بسیاری از شهرستانها، کمبود کتب درسی و مطالب غیر علمی آن، دست به یکسری عملکردهای ارتجاعی زده اند. در حالیکه دانش آموزان همواره از کمی معلم و بخصوص نبود معلم های علوم و ریاضی - که اکثر آنها هستند - در رنج و عذاب بودند، با تمامی نظرات ارتجاعی و واپسگرایانه اش در صدد جدا کردن معلمان زن و مرد در مدارس پسرانه و دخترانه است و در واقع به مقام دبیران و آموزگاران توهین میکند.

رژیم جمهوری اسلامی مدارس را باز میکند و از دانش آموزان ثبت نام میکند اما با هزاران قید و شرط از والدین دانش آموزان تعهد میگیرد که "دانش آموز باید فقط کتابها و وسایل تحصیلی خود را همراه داشته باشد و از آوردن لوازم غیر ضروری بقیه در صفحه ۱۲

تفتیش عقاید و اخراج معلمان مبارز محکوم است!

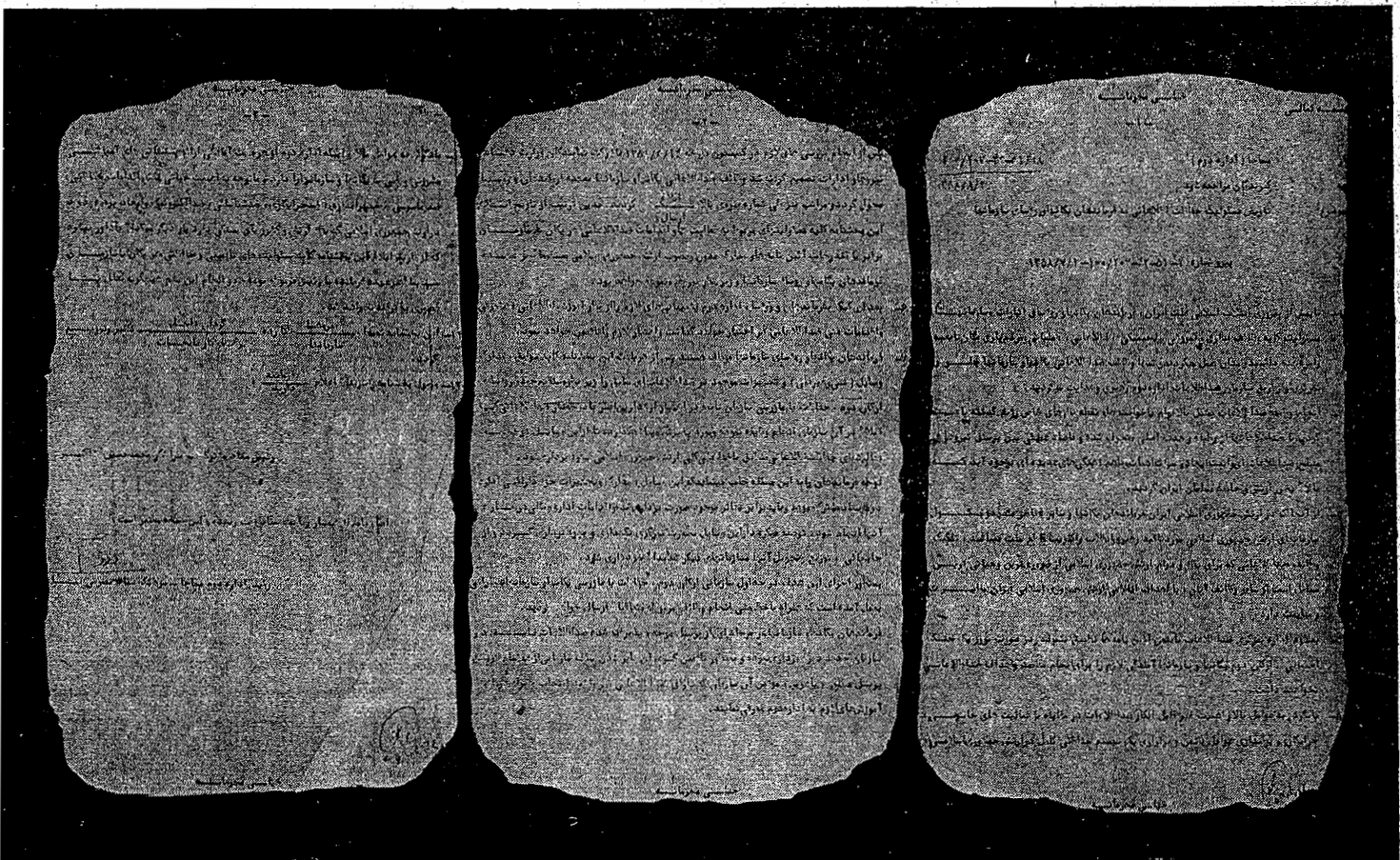
با بکارگرفتن جاسوسان کهنه کار ضد اطلاعات

ارتش پوسیده شاه بازسازی میشود!

اینک قدم جدیدی بسوی بازسازی ارتش شاهنشاهی برداشته میشود. طبق یک بخشنامه وظایف ضد اطلاعاتی در ارتش جمهوری اسلامی به فرماندهان یگانها و روسای ادارات و سازمانها سپرده شد. سازمان اطلاعات و ادارات دوم زمان شاه خائن را تمام پرسنل انقلابی ارتش به یاد دارند اینان که نقش ساواک ارتش را بسازی

(ببینید چگونه فرماندهان جنایتکار ارتش آمریکا بی خود را به ملتی که هفتاد هزار نفر از فرزندانش را قتل عام کرده اند میچسبانند؟! آیا اکثریت قاطع ملت، فلاحی ها، شاکرها، باقری ها، شادمهرها، این فرماندهان مزدور آمریکا بی را تا شید میکنند؟! تفکیک وظایف ضد اطلاعاتی که برای بقاء

اول از پرسنل "موجه و پذیرفته شده" ضد اطلاعات سابق در سازمان جدید بهره بردار نموده و به منظور تامین کسری آن تا پرشد سقف سازمانی از خوشنام ترین پرسنل صالح، با هوش و مومن آن سازمان که دارای اطلاعاتی نیز باشد انتخاب و پس از دریافت آموزش های لازم به اداره دوم معرف نمایند (بند ۹ سند)



میکردند، از هرنفیس کشیدنی در ارتش جلوگیری کرده و تمام پرسنل را تحت کنترل داشته و هر حرکت انقلابی و مبارزه جویانه را در منطقه خفه میکردند.
اکنون ارتش جمهوری اسلامی فرماندهی وظایف ضد اطلاعاتی را به فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول سپرده است و علت آن را چنین ذکر کرده است: "از آنجا که در ارتش جمهوری اسلامی ایران فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی مورد تأیید رهبری انقلاب و اکثریت قاطع ملت میباشد.

ودوام ارتش جمهوری اسلامی از ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل است از سایر وظایف آنان، با اهداف انقلابی ارتش جمهوری اسلامی ایران (!؟) مغایرت و مبادینت دارد" (بند ۳ سند)
بخشنامه با توجه به چند دلیل ضدمردمی دیگر، فرماندهان مزدور ارتش را به وظیفه جاسوسی و دستگیری پرسنل انقلابی گماشته و به این ترتیب اداره دوم ضد اطلاعات ارتش تحت ریاست این مزدوران بازسازی میشود. بخشنامه "خیلی محرمانه" از فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی مورد تأیید رهبری انقلاب و اکثریت قاطع ملت میباشد.

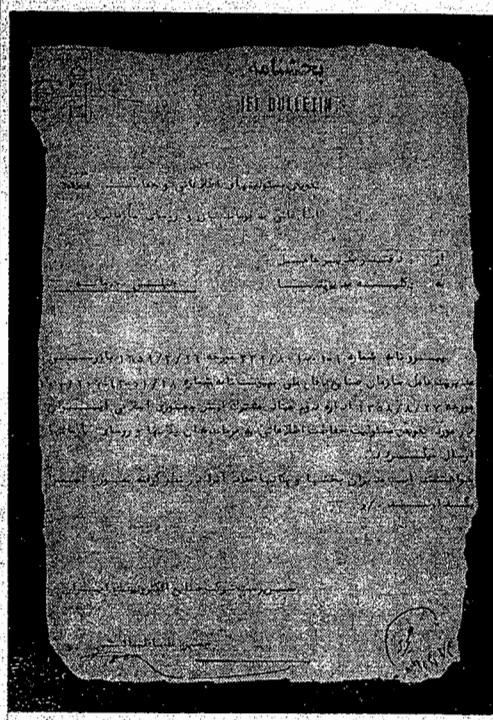
این سند "خیلی محرمانه" که به امضا سرلشکر محمدحسین شاکر رئیس ستاد مشترک و سرهنگ ستاد نصرتی نیار رئیس اداره ۴ دو رسیده است، بیشرمانه عناصر ساواکی در ارتش را به خدمت گرفته و از نوکران و مزدوران ارتش میخواهد که جاسوسانی را که "شبه اطلاعاتی" دارند و سندنهار را افسراد و "صالح، با هوش و مومن" میخواندند به اداره دوم معرفی نمایند.
سند از فرماندهان ارتش میخواند: اهدیس از دریافت این بخشنامه کلیه سوابق

موج اخراجهای ضد انقلابی در شرکت مخابرات!

۳ نفر از کارکنان مبارز و انقلابی شرکت مخابرات که تعداد زیادی از آنان نیز اعضای شورای مرکزی و شورای تلفن بین المللی بوده اند در عرض چندین ماه از شرکت اخراج شده اند شرکت مخابرات که یکی از فعالترین مراکز اداری در جریان مبارزه با رژیم شاه در دو ساله ۵۶ - ۵۷ بوده است، بلافاصله بعد از قیام چون تمام کارکنان مبارز و فعالان، برکناری رئیس شورا، تعلیق و اخراج کارکنان مبارز و برود و اعضای شورا و کارکنان مبارزان یکی پس از دیگری اخراج میشوند.

در همان اواخر رئیس منتخب شورای مرکزی مخابرات را که در افشای تمام ساواکها و قراردادهای امپریالیستی فعال بود، به بهانه های از شرکت به قسمت دیگری منتقل و از ریاست شورا برکنار کردند. بعد از چند ماه هیئت پاکسازی وزارت پست و تلگراف که هیچیک از کارکنان آنها را نمیشناسند، تن از نمایندگان شان شورای مرکزی را اخراج میکنند و در مقابل اعتراض و تحصن کارکنان نسبت به اخراج همکاران مبارز خود در با شگاه مخابرات، یک نفر دیگر از کارکنان مبارزان را اخراج میکنند.

بقیه در صفحه ۱۳



ضد مردمی شاه، پشت سر گذاشته اند، این توطئه های بی شرمانه فرماندهان آمریکایی خواب و خیالی بیش نخواهد بود!

نه جاسوسان کثیف ضد اطلاعات و نه تسلیحات آمریکایی، هیچ کدام قادر نخواهند بود تا لاشه متعفن ارتش ضد خلقی شاهنشاهی را دوباره زنده کنند. زیرا چه در داخل این لاشه پوسیده و چه در بیرون آن، همه جا انقلابیون، کارگران و زحمتکشان با اراده ای استوار خود را آماده میسازند تا آخرین ضربه را بر پیکر پوسیده اش فرود آورند.

مدارک، وسایل (فنی و غیر فنی) و تجهیزات موجود در ضد اطلاعات های سابق رازیر نظر مستقیم خود و روسای ارکان دوم حفاظت یا سازمان بازرسی سازمان تابعه در اختیار ارشدترین افسر با درجه دار ضد اطلاعاتی که قبلا در آن سازمان انجام وظیفه نموده و مورد پذیرش میباید گذارده تا از این وسیله جهت فعالیت های حفاظتی اطلاعاتی منطبق با خط مشی کلی ارتش جمهوری اسلامی بهره برداری شود (بند ۲ سند آری ارتش جمهوری اسلامی، ارتش مسلمان شده رژیم شاه روز به روز بیشتر و بیشتر چهره چوب ضد مردمی و ضد انقلابی خود را ترمیم کرده و با استفاده از مزدورترین عناصر ارتش شاه خود را برای سرکوب توده ها آماده میگرداند، ارتشی که ضد اطلاعات آن از فعالترین بخش های ساواک بود، ارتشی که فرماندهان آن تماما در آمریکا تعلیم دیده بودند، ارتشی که ۱۷ شهریور ۸۰ بهمین هارا بوجود آورد، اینک برای بوجود آوردن کشتارهایی دیگر با سازی و ترمیم میشود. و فرماندهان مزدور ارتش و فوجها نه دستور استفاده از همان عناصر ضد مردمی سابق را میدهند. اما دیگر خیلی دیر شده است!

در حالیکه کارگران و زحمتکشان ایران تجارب گرانبهایی از مبارزات قهرمانانه خود را پشت سر گذاشته اند، و بویژه در شرایطی که سربازان زحمتکش و پرسنل انقلابی ارتش، تجارب تلخ اطاعت کورکورانه را در ارتش

بقیه از صفحه ۱۰ اول مهر ۰۰۰

خودداری کند" (!!) مقامات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی خوب میدانند که هر روز صبح در کیف یا جیب هر دانش آموز مبارز و انقلابی کتابی و اعلامیه ای برای آگاه کردن دوستان و معلمان شان وجود دارد، خوب میدانند که دانش آموزان برای مبارزه با سرکوبیهای فاشیستی آنان بیگانه و افشاگری خواهند کرد و خوب میدانند که اینها لوازم دیگری غیر از کتاب و وسایل تحصیلی میخواهد. از همین روست که حکومت از هم اکنون در صدد است از طریق والدین دانش آموزان آنها را تحت فشار قرار دهد!!

در حالیکه تنها معلم "مکتبی" و پادشاه واقع معلم طرفدار روسر سیرده حزب جمهوری اسلامی انتخاب میکنند و هر کس که استبداد

آگاه و اندک مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد اخراج است، از پدران و مادران تعهد میگیرد که "دانش آموزان آنها حق دامن زدن به تضادهای گروهی را در مدارس ندارند" چون محیط آموزش باید خالی از هرگونه تضادهای گروهی باشد!

ذهنی و قناعت و بیشرمی!!

آری اینها همه تدارک ضد انقلابی و ضد مردمی رژیم برای سالتحصیلی آینه شده است: بستن دانشگاهها از یک سو و صدور هزاران قطعه نامه و انجام هزاران تصفیه برای بازگشایی مدارس، اما آیا این تلاشها میتواند مانع سدی در مقابل مبارزات دانش آموزان و معلمان انقلابی باشد؟ آیا دانش آموزانی که حماسه ۱۳ آبان را آفریدند، دانش آموزانی که پایه

پای پدران و مادران نشان و برادران و خواهران نشان، در روزهای قیام سنگر ساختند و در تمام زمستان سال ۵۷ اعلامیه پخش کردند و در رژیم جمهوری اسلامی نیز دمی از مقابله و مقاومت علیه اعمال ضد مردمکراتیک آموزش و پرورش و رژیم دست نکشیدند، امسال علیرغم تمامی سرکوبیها آشکارا و ضد انقلابی، آرام خواهند نشست؟ به اخراج معلمان نشان تن درخواهند داد؟ فشارهای سیاسی را تحمل خواهند کرد؟ خلاصه از مبارزه دست خواهند کشید؟

دانش آموزان و معلمان انقلابی و مبارزان امسال نیز چون سالهای گذشته همانند دانش آموزان و معلمان دلیر و غیرورکزدستان در رکنار سنگر کارگران و زحمتکشان به مبارزه علیه نظام سرمایه داری وابسته رژیم جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد.

کارگران لهستان...

احترام به آزادی بیان و مطبوعات همانگونه که در قانون اساسی نیز ذکر گردیده است، پایان دادن سانسور و اقدامات تلافی جویانه بر علیه نشریات مستقل.

آزادی تمامی زندانیان سیاسی - منجمله کارگران و دهقانان باسای ادموند زاد روزیکی در شهر گروزیاز، مارکس کوزلوزکی در شهر اسلویسکه بویان، کوزلوزکی در شهر بویوس - شلوهوس.

لغو کلیه امتیازات برای دستگاه های امنیتی و مقامات پامن و حزبی از طریق یکسان بودن امتیازات خانوادگی (سفر، معافیت های مخصوص افراد...

وسط نوین روحه سود - افزایش حقوقها به میزان ۲۰ هزار زلوتی (معادل ۶۸ دلار) ماهانه .

اعضایون مدت زمان اعتصاب را بتوان مرخصی با دریافت حقوق بگیرند.

همه انگی خودکار سطح هزینه زندگی با حقوقها .

انتشار اخبار اعتصابات از طریق رادیو تلویزیون و مطبوعات و اجازه تشکیل کمیته اعتصاب بین کارخانجات.

یک حکومت کمونیستی قلمداد کنند .

امپریالیست های غربی و مطبوعات و خبرگزاریهای مزدور آنها سعی میکنند با "سوسیالیستی" قلمداد کردن حکومت لهستان ، سوسیالیسم و کمونیسم را لجن مال کنند . آنها میخواهند اینطور تبلیغ کنند که در حکومت سوسیالیستی نیز خواهسته ها و نیازهای کارگران برآورده نمیشود و بدین ترتیب کارگران را از زحمت کشان را نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم بدبین سازند . و از مبارزات آنها برای نابودی نظام فاسد سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری جلوگیری نمایند .

ما برآنیم که حکومت هایی از قبیل دولت رویونیستی لهستان ، دولتی سوسیالیستی نیستند و گردانندگان چنین رژیم هایی با سلب قدرت کارگران به حکومت رسیده اند .

ما میپرسیم چگونه امکان دارد که در یک حکومت با اصطلاح کارگری ، خودکارگری ان دست از کار کشیده و از خودشان دستمزد بیشتر طلب کنند؟!

ما میپرسیم آیا امکان دارد که کارگران در کشوری که به آنهاست ادعای حاکمیت کارگران را یدک میکشد ، آنچنان در فشار اقتصادی باشند و نیز با آنچنان اجاعات سیاسی روبرو شوند که به سرای تحقق خواسته های خود ، مجبور به اعمال فشار و مبارزه بر علیه حکومت با اصطلاح سوسیالیستی گردند؟

ما معتقدیم حکومت سوسیالیستی و کمونیستی یعنی حکومت کارگری! در چنین رژیم ، کارگران خود حکومت را در دست دارند ، در حالی که در کشورهای نظیر شوروی و لهستان - که رویونیست ها آنها را سوسیالیست قلمداد میکنند - مدتهاست که طبقه کارگر قدرت سیاسی خویش را از دست داده است . اینگونه حکومت ها چون کارگری نیستند ، صدکارگرند!

از این روست که ما کمونیست ها قاطعانه از خواسته های برحق کارگران اعتصابی لهستان حمایت کرده و هرگونه حرکت سرکوبگرانه دولت رویونیستی لهستان را در جهت سرکوب کارگران اعتصابی شدت محکوم میکنیم.*

تشکیل کانون مستقل معلمان کردستان

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان ایران برای دفاع از حقوق فرهنگیان اعلام موجودیت کرد . بعد از اعمال ضد دموکراتیک حکومت مبنی بر اخراج همه معلمان و تعطیل مدارس و برگزاری امتحانات سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ و به منظور مقابله با این اعمال جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان طی بیانیه ای خطاب به هموطنان و فرهنگیان مبارز از مردم سراسر ایران خواسته است که از فرهنگیان کردستان حمایت کرده و سیاستهای هیئت استیحا که رادری ابطه یا بریامه های ضد فرهنگی افشاء کنند و به فرهنگیان مبارز سراسر کردستان پیشنهاد کرده است که با تحریم هرگونه پرسشها و انجام مصاحبه برای استخدام محدود و جدت مبارزاتی خود را استحکام بخشند . بیانیه دریاپان از دانش آموزان مبارز کردستان خواسته است که با اعتراض دسته جمعی علیه انحلال آموزش و پرورش ، اعدام و اخراج ، تبعید و زندانی کردن فرهنگیان و دانش آموزان مبارز دست زیند و از تعطیل مدارس جلوگیری کرده و شرکت در امتحان را در شهرهای دیگر تحریم نمایند!*

بقیه از صفحه ۲۲ - موج اخراجهای ۱۰۰۰ در مقابل این موج اخراجهای ضد انقلابی ، مسئولین شرکت بی شرمانه تعدادی از افراد جهاد سازندگی را به شربت کت میآوردند تا کاربا دستگاها را بیا بگیرند و از کارکنان میخواهند که به آنها این کار را بیا بدهند! کارکنان یکپارچه از آموزش به نورچشمی های حکومت خودداری کرده و خواهان آن میشوند که آنها نیز برای استخدام همان سراسل عادی راطی کنند . اما نه تنها جوابی نمیشوند بلکه با زهم با حکم تعلیق یکی دیگر از همکاران مبارز خود روبرو میشوند و این باری یعنی ۱۸ ماه پس از استقرار جمهوری اسلامی و در ادامه سیاست سرکوب مبارزه توده ها - کارکنان معترض با پاسداران ز - ۳ بدست و عناصر مزدور انجمن اسلامی روبرو میشوند!!

اما کارکنان مبارز شرکت محابرات همادند تا می توده های مردم به مبارزات و اعتراضات خود ادامه میدهند.*



در کشت و صنعت کارون:

هر روز زین رنگ کثیف دیگری برای اخراج!

بدنیال دستگیری نمایندگان شورای کارخانه

کشت و صنعت و اخراج عسده ای از کارکنان مبارز و آگاه شرکت که چندی پیش در نیمه دوم اردیبهشت صورت گرفت، مسئولین شرکت در صددند تا به اشکال مختلف به کارگران فشار آورده و در مقابل اعتراض کارگران، به اخراج هر چه بیشتر آنها یا بستن تمامی شرکت دست بزنند.

مسئولین شرکت در این راه از هیچ توطئه کوتاهی نمیکنند. تعدادی از کارگران پیمانی را بعد از چند سال کار رسمی کردند ولی در قبال این رسمی کردن،

حقوق آنها را کم کرده اند، سربیس ها را قطع کرده و نگهبانها مناطق مسکونی کارگران شرکت شوشترنو، بوستان و نئی شر را اخراج کرده اند. این عمل باعث اعتراض شدید اهالی محل و ارسال تقاضاها ایشان برای کلاه دور کار فرمای ضد کارگر شرکت شده است. شایع شده است که شرکت میخواهد پیول آب و برق و اجاره خانه را از کارگران بگیرد!

کار فرمایان ضد کارگر شرکت کشت و صنعت کارون در صددند با این توطئوها و فشارها

کارگران را اخراج و شرکت را تعطیل و هزاران نفر را به صفت دیگر کارگران و زحمتکشسان بیکار ریفزایند تا چند صبا حی بیشتر متقاضی خود و دیگر سرمایه داران را تا مین کنند. *

توضیح و پوزش

در خبر کارخانه دیسمان اصفهان در "پیک رزمندگان" شماره ۲۱ نوشته شده بود که "کارگران... نتوانستند سود ویژه خود را از ۵۳۱۲۵ ریال به ۸۰۰۰۰ ریال برسانند." این خبر بصورت زیر تصحیح میشود: "قرار شده بود که مبلغ ۵۳۱۲۵ ریال سود ویژه به کارگران پرداخت شود ولی کارگران تقاضای ۸۰۰۰۰ ریال کردند که طی مبارزه کارگران و کار فرما به کمک دادگاه تنها مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال برای یکسال به عنوان سود ویژه علی الحساب به کارگران پرداخت کرده است."

مبارزات کارگران مسجد سلیمان ادامه دارد!

شهرداری مسجد سلیمان، همچون بقیه ارگانهای مملکتی، سرانجام ماهیت ضد کارگری خود را برملا کرد و با اخراج کارگانی که با استفاده از شهرداری به کار سازندگی مشغول بودند، بخش دیگری از کارگران را به صف بی انتهای بیکاران کشور افزود. کارگران مبارز شهرداری که از این عمل ضد کارگری به خشم آمده بودند، پس از اینکه با مراجعات مکرر به ادارات دولتی کمترین نتیجه ای نگرفتند، مصمم شدند تا با اتکاء به قدرت اتحاد و یکپارچگی خود، حقشان را از حلقوم کار فرمای بیرون بکشند. آنها در ابتدا تصمیم گرفتند که در محل کارشان بمانند و علی رغم اینکه حکم اخراجشان بتاریخ هفتم مرداد صادر شده و حقوقشان قطع شده بود، بکارشان ادامه دهند.

اما پس از مدتی که شهرداری از دادن مصالح به کارگاهها خودداری کرد، کارگران مجبور شدند شیوه دیگری را برای مبارزه انتخاب کرده و سرانجام در تاریخ ۱۸ مرداد، در محوطه شهرداری دست به تحصن نیمه وقت زدند.

کارگران، اینک روزها در شهرداری جمع شده و ضمن صحبت و سخنرانی درباره مشکلات خود و مشکلات جامعه، میکوشند که مسئولین ضد کارگر شهرداری را به پذیرفتن خواستههای برحقشان مجبور کنند. آنها هر روز با مشت های گره کرده و راده های استوار و فرسایش با درسا شاعر می دهند: کارگر اخراجی، بر سر کار سابق، ابقاء باید گردد! و این شعارها در حالیکه کم کم مردم مسجد سلیمان را بسوی آنها جلب کرده است، گوش های حامیان سرمایه را کر کرده است!

در این میان بخش عظیمی از کارگران اعتقاد دارند که باید علاوه بر تحصن، از فعالیت های روزمره شهرداری هم جلوگیری کنیم، زیرا آنها با قضاوتی ماهیت کثیفشان، کمترین توجهی نسبت به این ظلم وحشیانه ندارند و تا بطور مستقیم درگیر نشوند،

به تحصن ما اهمیتی نخواهند داد. با اینحال نمایندگان کارگران با این کار موافق نیستند و معتقدند که ابتدا باید حمایت مردم را جلب کنیم و بعد به چنین کاری دست بزنیم. در حال حاضر، مسئولین شهرداری، از یک طرف بایستی تقاضای نسبت به اعتراض کارگران و از سوی دیگر با حیل و فریب میکوشند تا مبارزات بر حق کارگران را خنثی کنند. از جمله روز دوشنبه بیستم مرداد، قائم مقام شهرداری و نماینده سازمان گسترش به سراغ کارگران آمدند و شخص اخیر با حرف های فریبکارانه اش کوشید تا کارگران را قانع کند که دست از تحصن بردارند و به سازمان گسترش بیایند، تا اگر در آینده کاری پیدا شد (!!) ابتدا به این کارگران رجوع شود!

آری، این حامیان سرمایه داری که به احتمال زیاد قبلاً به تعداد زیادی از کارگران زحمتکش و بیکار هم چنین قولی را داده اند، برای اینکه بتوانند به زندگی آسوده و راحت خود و امثال خود ادامه دهند، یکبار دیگر با وعده و وعید، میخواهند این بخش از کارگران مبارز را هم پراکنده کرده و آنان را هم در ارتش عظیم ولی پراکنده بیکاران بگنجانند.

در همه جای دنیا، سرمایه داران و حکومت های سرمایه داری چاره ای جز فریب و سرکوب کارگران ندارند. و این واقعیه، بخش کوچکی از اتفاقات فراوانی است که در جهان سرمایه داری هر روز شاهد آن هستیم. کارگران و زحمتکشان، از طریق همین مبارزات روزمره است که به ماهیت کثیف نظام سرمایه داری پی برده و سرانجام از طریق جدت و تشکیلات خود، این نظام ظالمانه را سرنگون خواهند کرد تا بر خرابه های آن، جامعه نوینی سازند که در آن از سرمایه و سرمایه دار، از فقر و بیکاری و از کلیه مظالم جامعه سرمایه داری خبری نباشد. *

با اتحاد و مبارزه توطئه اخراج کارگران را خنثی کنیم!

بقیه در صفحه ۱۶

اخبار کردستان ...

بحام پس از مدتی تدارک مقدّمات و زمینه چینی، این روزها با انتشار اکا دیب، همگان تبلیغات و اتها ماتی را که سر-دمداران رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق کرد از یکسال پیش علیه من بر اه انداخته اند، تکرار نموده اند. بدین ترتیب بخیال خود پیرونده جنبش مقاومت را تکمیل و همه را - جز خودشان - لکه دار کرده اند.

سازمان چریکها با این برنامۀ تدریجی همه پیوندهای میان خود و جنبش مقاومت خلق را بریده است تا با خیال راحت تعهداتی را که به آیت الله بهشتی سپرده است، اجرانمایند. در بخش دیگری از اعلامیه شیخ عزالدین وضع کنونی سازمان چریکها (اکثریت) را در کردستان بررسی کرده و با هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها به گفتگو می نشیند:

"خلقهای مبارز ایران! سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) در ادامه سیاست سازشکارانه خود اکنون عمل در کردستان "ناش به تال" کرده است. یعنی در مقابل یورش هیات حاکمه تسلیم شده و سلاح بر زمین گذاشته است. و اگر اوائل در جنگ مقاومت شرکت داشته است اکنون از اینکار بشیمان بوده و طلب مغفرت نموده است. در نتیجه اندک پایگاه خود را هم در میان خلق کرد از دست داده است. عده قابل توجهی از هواداران صادق و انقلابی آنان برای ادامه مبارزه در صفوف جنبش مقاومت

مت خلق کرد سازمان رارهها کرده اند. به گمان من سیاست تسلیم طلبانه سازمان چریکها (اکثریت) در کردستان بدنبال سیاست آنها در قبایل خلق ترکمن، مسئله اشغال دانشگاهها و بطور کلی تسلیم در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و خونین هیات حاکمه ضد خلقی در سراسر ایران نشانه یک سقوط سیاسی و به معنای پشت کردن بمبارزات دمکراتیک خلقهای ایران میباشد. هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران!

در حالیکه رفقای شما هرروزه بدست هیات حاکمه دستگیر و اعدام میشوند، رهبران سازمان چریکها (اکثریت) همچنان بدون توجه به جنایات هیات حاکمه به سیاست تسلیم و سازش خود ادامه میدهند و باین ترتیب روح انقلابی، سنتهای انقلابی و میراث انقلابی شهیدان را پایمال میکنند. آنها برای توجیه نزدیکی خود به هیات حاکمه جناح خلقی ضد امپریالیست برای آن اختراع میکنند و شما را در دریای سرد گمی میاندازند. چگونه میتوان رژیممی با این همه جنایات را ضد امپریالیست دانست؟ آیا فرمان یورش به کردستان، قتل عام هزاران نفر از مردم بیدفاع و تیرباران دهها نفر از جمله زنان و دختران انقلابی کرد، ویران کردن شهرها و روستاها، نابودی محصولات و محاصره و فشار اقتصادی، برقراری حکومت نظامی و خفقان فاشیستی در شهرهای اشغال شده کردستان و اخراج دسته جمعی کارمندان و معلمان مبارز مسلح کردن

فتودالها و جاشها علیه زحمتکشان کردستان، همچنین سرکوب خونین خلق ترکمن، زحمتکشان بندرانزلی، دکه داران، زنان مبارز، اشغال خونین دانشگاهها و اعدام هرروزه انقلابیون در سراسر ایران، بستن دفاتر سازمانهای سیاسی و ... و صدها نمونه از سیاست سرکوبگرانه و خونخوارانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی اجازه میدهد که آنرا با جناحی از آنرا خلقی و ضد امپریالیست بدانیم؟ ... آیا شما این سیاست را یک سیاست انقلابی میدانید؟ آیا این همان راهی نیست که حزب تسوده می رود؟ آگاهانه قضاوت کنید و اگر چنین نیست راه خود را از راه رهبران فرصت طلب سازمان چریکها جدا کنید تا از جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات خلقهای ایران جدا نشوید."

در آخرین قسمت اعلامیه مشخصاً به اتها مات سازمان چریکها پاسخ داده و مواضع خود را در قبایل عوامل رژیم فاشیستی عراق روشن کرده و نوشته است:

"... در سخنرانیها و مصاحبه ها و پیمایهای خود، بارها درباره مسئله وابستگی با امپریالیسم و رژیم سفاک بعث عراق نظر خود را اعلام کرده ام و مجدداً اعلام میدارم که هرگونه وابستگی و سرسپردگی با امپریالیسم و رژیم فاشیستی بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است، محکوم مینمایم. در عین حال که دنباله روی و تسلیم طلبی در مقابل هیات حاکمه ضد خلقی را نیز محکوم میکنم."

"... سیاست تازه سازمان چریکها (اکثریت) در جهت ایجاد تفرقه و تزلزل در صفوف

جنبش و نیروهای ملی و انقلابی کردستان بکار افتاده است. یک شیم تا این سمیایا شیه و تفرقه اندازیه را با دقت و هشیاری انقلابی خنثی نمائیم. تقویت و پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد، و مبارزه توأم علیه هرگونه وابستگی و سازشکاری برای ادامه موجودیت خلق کرد و اعتدای مبارزات ضرورت حیاتی دارد. ما هنوز در سراغز مبارزه هستیم و در جستجوی صلح واقعی همچنان به مقاومت مسلحانه خود ادامه میدهیم. کاروان مبارزه به پیش می رود و در این راه تسلیم طلبان و فرصت طلبان از توده های انقلابی جدا میمانند و عدم همراهی خود را با سفسطه و جعلیات توجیه میکنند...."

بمب گذاری در مقابل مقرر کومه له

یک کارتن بسته بندی شده مشکوک که بوسیله یک گازی، جلوی مقر کومه له بر زمین گذاشته شده بود، منفجر شد و پنج تن از پیشمرگان را مجروح کرد. قدرت انفجار این بمب آنقدر شدید بود که تا شعاع ۱۰۰ متری تمام شیشه های منازل اطراف را شکست این توطئه جناح تکلانه که روز ۱۴ مرداد اتفاق افتاد با تذکر بموقع مسئول نظامی مقر کومه له و هشامت تحسین انگیز پیشمرگه ای که بسته را بغل کرده و آنرا به خیابان رساند، خنثی شد. بویژه که ساعت ارسال بسته، زمانی بود که بقیه در صفحه ۹

در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!

یورش از تجاع به کتابفروشیهای مقابل دانشگاه تهران!

یورش سراسری رژیم جمهوری اسلامی روزبه روز با بعدا و حیعتری میاید . بعد از حمله به دکها و بساط و چا پخانه ها ، بار دیگر حمله به کتابفروشیها و انتشارات به سردستگی فاشیست معر و ف و نماینده مجلس شورای اسلامی هادی غفاری آغاز شد . بعد از ظهر روز ۲۷ مرداد دجا قداران به مغازه ها و انبارهای بینگاههای انتشاراتی نگاه ، علم ، کار ، باران ، رزم و کاوش واقع در خیابان های جلودان نشگاه تهران حمله کردند و تمام کتابها و نشریات انقلاب بی را مصادره کردند و ۲ نفر از انتشارات کاوش را نیز دستگیر نمودند .

وحشت رژیم جمهوری اسلامی از آگاه شدن توده ها ، در زمانی که روزبه روز عده بیشتری از زیر بار توهم و اعتماد به حکومت خلاصی می یابند ، بحدی است که دیگر تحمل وجود هیچ نوشته و کتابی که حاوی اندیشه های علمی باشد و یا نوشته هایی که منافع خلق را بیان کنند ندارد . یکبار همه وعده ها و وعیده ها در مورد آزادیها اساسی بفراموشی سپرده شد و موج فشار و اختناق همه جا را فرا گرفته است . اینک همه نیروهای خلق برای حفظ دستاوردهای قیام بهمن ماه ، در مقابل این موج فاشیستی ایستادگی میکنند و علیرغم همه فشارها ، نشریات انقلابی چاپ و منتشر میشوند .

**فاجعه انفجار در
گچساران را ، به
هم میهنان و بویره
بازماندگان
زحمتکش قربانیان
تسلیت میگوییم!**

مبارزه ضد امپریالیستی .
دوم - تضعیف و تخریب جنبش مقاومت خلق کرد و تسلیم در مقابل یورش وحشیانه هیات حاکمه به بهانه مبارزه با نفوذ مزدوران امپریالیسم و رژیم بعث عراق در کردستان و با شعار دروغین جلوگیری از جنگ "برادرکشی" استقرار صلح عادلانه .
سازمان چریکها (اکثریت) بمنظور آماده کردن زمیننه افکار عمومی برای توجیه سیاست تسلیم طلبانه خود در کردستان از مدتها قبل حمله به نیروهای سهم در جنبش مقاومت خلق کرد را آغاز کرده و سرا -
بقیه در صفحه ۱۵

منطقه از جمله شیخ عزالدین حسینی و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومه له) اعلامیه ای از سوی عزالدین حسینی منتشر شد که در آن عملکردهای سازمان چریکها در تمام طول جنگ مقاومت اول ، جریانات هیئت نمایندگی خلق کرد و تحصن یکماهه مردم سنندج را مورد بررسی قرار داد و علل اتهامات و دروغهای فریکاران سازمان چریکها (اکثریت) به نیروهای انقلابی را بیان کرده است . آنچه در این اعلامیه و توضیح این مواضع میتواند مورد توجه نیروهای انقلابی و کمونیست قرار گیرد ، قاطعیت و مواضع انقلابی یک شخصیت دموکرات در مقابل جنبش توده ای و عمق سازشکاری نیروبی است که خود را کمونیست و پیروما زکسیسم - لنینیسم میخوانند .

در زیر بخشهای کوتاهی از این بیانیه را میخوانید :

مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران !
خلق ستمدیده و رزمنده کرد! خیر! سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) ، در ادامه موضوعیها پیشعلیه جنبش مقاومت خلق کرد دست به تبلیغات دامنه داری زده است . این تبلیغات اساسا در خدمت اهداف سیاسی آن سازمان است :
اول - نزدیکی با هیات حاکمه جمهوری اسلامی و تائید سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگرانه آن به بهانه باصلاح



اعلامیه
سید عزالدین حسینی
درباره سیاست
"تاش به تال" گام به گام سازمان
چریکهای فدائی خلق
(اکثریت) در کردستان

بعثت سیاستهای سازشکارانه و تسلیم طلبانه سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران و از جمله کردستان و در رابطه با اتهامات و قبحانه به سازمان چریکها (اکثریت) به نیروهای انقلابی و کمونیست

* - "تاش به تال" یک اصطلاح سیاسی است به معنای تسلیم شدن و سلاح بر زمین گذاشتن و انحلال جنبش

انحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!